

۱۴۴/۶/۱



سلسله جلسات

مسجد و اداره جامعه



عنوان جلسه سیزدهم:

ابزارهای ارتباطی مساجد تمدنی

محورهای جلسه:

۱. منابع روایی چرخه چهاربخشی تحریک فکر
۲. مدیریت خبر
۳. مدیریت تضارب
۴. مدیریت کتابت
۵. مدیریت نمونه سازی

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

تیرماه ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو ویرایش اول صد و چهل و چهارمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی گفت و گوی حجة الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در سیزدهمین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" با موضوع "ابزارهای ارتباطی مساجد های تمدنی" می باشد. این سخنرانی در جمع برخی از فضلاء حوزه علمیه قم در بنیاد هدایت و در تاریخ ۴ تیر ۱۴۰۲ برگزار شده است.



۱. مقدمه: ارتقای جایگاه مسجد در اذهان به عنوان هدف اصلی دوره مسجد و اداره جامعه.....۱۰

- ۱/۱. طرح و تکرار دائمی هفت پرسش به عنوان لازمه ارتقای جایگاه مسجد ۱۰
- ۱/۱/۱. پرسش چهارم، مهم ترین پرسش و شامل چهار اقدام کاربردی به عنوان برنامه های مساجد تمدنی ۱۰
- ۱/۱/۲. هشت برنامه ای که در این دوره به شرح آنها پرداختیم ۱۳

۲. پرسش پنجم دوره: ابزارهای ارتباطی مساجد تمدنی کدامند؟.....۳۱

- ۲/۱. پرسش دوم دوره به عنوان تعریف مسجد، پرسش سوم تصویر مسجد و پرسش چهارم دربردارنده تصمیمات مسجد ۳۱
- ۲/۲. چرخه چهار بخشی تحریک فکر: ابزار ارتباطی امام جمعه و جماعت با اهالی محله ۳۶
- ۲/۲/۱. مدیریت خبر: اولین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر ۳۷
- ۲/۲/۲. مدیریت تضارب: دومین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر ۴۳
- ۲/۲/۳. مدیریت کتابت: سومین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر ۴۶
- ۲/۲/۴. مدیریت نمونه سازی: چهارمین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر ۴۷

۳. پرسش ششم دوره: منابع تأمین مالی مساجد تمدنی از کجاست؟.....۵۳

- ۳/۱. چگونه میان استقلال مالی امام جماعت و تأمین مالی چرخه چهاربخشی تحریک فکر جمع کنیم؟ ۵۳
- پیوست ها ۵۶
- پیوست شماره یک: مسجد ۵۶
- بخش اول: آیات ۵۶
- بخش دوم: روایات ۵۸
- پیوست شماره دو: قواعد اصولی فقه الیمان ۶۳
- مطلب اول: ۶۳
- مطلب دوم: ۶۴
- مطلب سوم: ۶۴
- مطلب چهارم: ۶۵
- پیوست شماره سه: طبیات، غذای حلال و حرام و تاثیر آن بر انسان ۶۷
- بخش اول: آیات ۶۷
- بخش دوم: روایات ۶۹
- پیوست شماره چهار: سلام کردن و جایگاه آن در اسلام ۷۰

پیوست شماره پنج: چرخه چهاربخشی تحریک فکر ۷۵

مطلب اول: ۷۵

مطلب دوم: ۷۶

مطلب سوم: ۷۷

پیوست شماره شش: مدرسه هدایت ۷۸

مطلب اول: ۷۸

مطلب دوم: ۷۸

مطلب سوم: ۷۹

مطلب چهارم: ۸۱

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء و حبيب قلوبنا و طيب نفوسنا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف واللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الان الى قيام يوم الدين.

۱. مقدمه: ارتقای جایگاه مسجد در اذهان به عنوان هدف اصلی دوره مسجد و اداره جامعه

۱/۱. طرح و تکرار دائمی هفت پرسش به عنوان لازمه ارتقای جایگاه مسجد

۱/۱/۱. پرسش چهارم، مهم ترین پرسش و شامل چهار اقدام کاربردی به عنوان برنامه های مساجد تمدنی

همانطور که در جلسات گذشته محضر دوستان گزارش دادیم، موضوع بحث این دوره تبیین نسبت "مسجد" و اداره جامعه" است. در واقع به دنبال ارتقای جایگاه مسجد در اذهان هستیم تا در نتیجه کسی که نام مسجد را می شنود، به یاد حل مسائل جامعه بیفتد و حل مشکلات مردم را بهتر و بیشتر از وضعیت کنونی به یاد آورد. به اصطلاح امروزی هر وقت نام مسجد به گوش مردم می خورد، در ذهن شان نهادی مانند وزارتخانه تداعی شود. البته وزارتخانه ها حل مسئله نمی کنند و هرچند که راه حل های معیوبی دارند اما به عنوان یک ساختار حل مسئله

۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَكَ بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او مُنقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] باز می گردید.

برای مطالعه بیشتر درباره مسجد به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

شناخته شده اند. به هر حال این غرض و هدف اصلی ما در این دوره است. همین طور عرض کردیم برای رسیدن به این هدف، ناگزیریم از پرداختن به هفت پرسش اساسی^۲. باید این هفت پرسش را دائما تکرار کنیم که در نتیجه پرداختن و بررسی این مسائل، به صورت طبیعی جایگاه مسجد در ذهن مخاطبین ما ارتقاء پیدا می کند. در این مسائل هفت گانه، پرسش چهارم جایگاه برجسته ای دارد. موضوع این پرسش برنامه های اجرایی یک مسجد است.

۲. ارجاع پرورشی: هفت پرسش دوره مسجد و اداره جامعه:

روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟

اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد چیست؟

نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟

کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه اول دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت

برای دریافت متن کامل جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5519>

به اصطلاح "فقه البیان"^۳ این پرسش دربردارنده جدول تصمیم^۴ بحث ماست و به اقدامات یک امام جمعه یا امام یک محله در مسجد می پردازد.

^۳. ارجاع پرورشی: پرسش های اصلی فقه البیان (فقه البیان به زبان ساده)
قواعد اصولی فقه البیان چهار پرسش اصلی و جواب های مرتبط با آن را در ذهن طلاب و فضلاء تثبیت می کند. آشنایی با این پرسش های مهم، زمینه ساز دستیابی به فقهت‌های کاملتر از فقهت محدود به کشف معذر و منجز خواهد بود. (به فضل الهی)
پرسش اول فقه البیان: ویژگی های بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: در مقدمه فقه البیان به وسیله بازخوانی دقیق اصطلاحاتی مانند: علم الکتاب، سنت، حوائج الناس، کتاب المبین، وحی، علم صحیح، ظن، احکام، امثال، خزان العلم، نور، شیء و... ویژگی های بیان شارع را با طلبه تفاهم می نمایم و تفاوت بیان بهجت آفرین شارع با بیان های عرفی و تخصصی را شرح می دهیم.)
پرسش دوم فقه البیان: نقطه آغازین برای فهم بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: نقطه آغاز فهم بیان شارع را توسعه تفکر و تأمل در طلبه می دانیم و در چهار محور ۱- تفصیل، ۲- ساخت، ۳- مدارا و ۴- زیرساخت به توسعه تأمل در بیان شارع کمک می کنیم. شارع با اصطلاح شرح صدر، وضعیت مطلوب تفکر و تفقه را تعیین کرده است و در مقابل با اصطلاح صدر ضعیف و قلوب قاسیه و... وضعیت عدم آمادگی انسان برای دریافت معارف الهی را برای ما توصیف کرده است.)

پرسش سوم فقه البیان: پاسخ های شارع به سؤالات مردم چند بعدی است؟ (خلاصه جواب: شارع حکیم و رحیم به سؤالات مرتبط با حوائج الناس پاسخ های بسیط و تک بعدی نمی دهد. پاسخ های اجمالی و تفصیلی شارع دارای ابعاد مختلفی هستند. اصطلاحاتی مانند: تزیل، تأویل، ظاهر، باطن، ثبت، جزء، تمام، تقیه و... هرکدام به نوعی بر چند بعدی بودن بیان شارع تأکید دارند. قالب اولیه تجمیع جواب ظاهری شارع را در قاعده اصولی بیان مبتنی بر مُکث شرح داده ایم.)

پرسش چهارم فقه البیان: مراحل تبویب پاسخ های تفصیلی شارع به سؤالات مردم کدام است؟ (خلاصه جواب: شارع محترم حداقل در شش مسیر ۱- مقایسه، ۲- رفق، ۳- منزلت، ۴- انفتاح، ۵- سیاق و ۶- کمّیت به تفصیل بیان اجمالی خود می پردازد. تشریح و تفصیل بیان شارع شش مسیر مشخص در فقه البیان دارد و خروجی آن کشف عقلانیت پیشرفته شارع برای طلبه فقیه است! به عبارت دیگر: صور عام عقلانیت در فقه البیان، شش مسیر دارد.)
حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین پرسش های اصلی فقه البیان - پنجشنبه ۴ آبان ۱۴۰۲ - قم
منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4>

برای مطالعه بیشتر درباره ی "قواعد اصولی فقه البیان" به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

^۴. ارجاع پرورشی: جدول تصمیم چیست؟
خروجی مباحثات جدول جانمایی، تولید جدول تصمیم برای دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی است.
در جدول تصمیم - به صورت خلاصه - اطلاعات مربوط به حجیت، اطلاعات مربوط به ظرفیت و اطلاعات مربوط به نظام تصمیم ها درج می شود..

اطلاعات جدول تصمیم ابزار پایه هماهنگ سازی و مدیریت دوران پردازش است و شبیه جزوه تولد نظریه در دوران پرورش الگوی پیشرفت اسلامی عمل می کند.

حجت الاسلام علی کشوری - پنج شنبه ۶ شهریور ۱۳۹۹ - بیان فوائد جدول جانمایی - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4/2561>

۱/۱/۲. هشت برنامه ای که در این دوره به شرح آنها پرداختیم

۱/۱/۲/۱. طرح مواجهه با تورم و افزایش قیمت ها

همانطور که در جلسات گذشته توضیح دادیم، پاسخ این پرسش، چهل برنامه ی علمياتی و چهل تصمیم است که تاکنون توانستیم تنها هشت مورد از آن برنامه ها را شرح دهیم. برنامه مواجهه یک مسجد با افزایش قیمتها و تورم را توضیح دادیم^۵. در این برنامه عرض کردیم که اصل در افزایش قیمت ها این است که سیستم توزیع، هزینه های

برای نمونه می توانید به "جدول تصمیم نظریه فقهی انفاق" رجوع کنید که شامل مقایسه سود ناشی از سرمایه گذاری در بانک های ربوی با سود ناشی از انفاق مازاد پول در مسیر تنظیم روابط انسانی است. (در این جدول سود های مادی وعده داده شده توسط خداوند تبیین شده است و این سودهای مادی غیر از سودهای غیر مادی مانند برکت، توفیق، حذف گناهان از پرونده اعمال و... است)

متن کامل نظریه فقهی انفاق

<https://eitaa.com/olgou4/4595>

^۵. ارجاع پرورشی: چگونه تورم را کاهش دهیم؟

بسم الله الرحمن الرحيم

برای مدیریت تورم به صورت پایدار و محسوس، نیازمند اعمال اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران هستیم. بخشی از این اصلاحات ساختاری به شرح زیر است:

برای مدیریت تورم از سمت عرضه، نیازمند افزایش تولید کننده های خرد در جامعه هستیم. افزایش تولید کننده، علاوه بر افزایش تولید و عرضه کالا در بازار، هزینه تبلیغات، هزینه ابزار تولید و هزینه حمل و نقل کمتری را به کالای نهایی تولید شده تحمیل و بالتبع کاهش قیمت را به ارمغان می آورد. به عبارت دیگر: تولید غیر متمرکز، از دو محور افزایش تولید کننده و کاهش هزینه های تولید به کاهشی شدن قیمت ها کمک می کند. (اقدام اول از طرف عرضه)

برای مدیریت تورم از سمت عرضه، بازارهای موقت متعددی با کمک خیرین و دولت در نقاط مختلف شهر ساخته می شود و هزینه های عرضه و توزیع برای همه تولید کننده های خرد صفر می شود. کاهش هزینه های محل تجارت، سود تولید کننده را افزایش و تورم ناشی از توزیع متمرکز و مگامالی را کاهش می دهد. (اقدام دوم از طرف عرضه)

برای مدیریت تورم از سمت عرضه، نظام ارزشی و نظام تبلیغاتی جامعه را به سمت احیای مشاغل چهارگانه ۱- کشاورزی، ۲- باغداری، ۳- دامداری و ۴- خیاطی هدایت می کنیم و بالتبع عرضه غذا و لباس را مردمی و متکثر می نماییم. افزایش بیشتر مواد غذایی به کاهش تورم خانواده در مسئله لباس و غذا کمک شایانی می کند. (اقدام سوم از طرف عرضه)

با ساخت و تعبیه مسجد بازار در مرکزیت سازه بازارهای موقت، مفهوم سود آخرتی و سود ارتباطی را در میان اهالی بازار رواج می دهیم و درک جدیدی از مفهوم کنز به محوریت خدمت به مردم و سعادت اخروی از طریق تجارت را در بازار مسلمین ایجاد و با آفت هایی مانند غرر، کم فروشی، احتکار و... مقابله نرم خواهیم داشت. (اقدام چهارم از طرف عرضه)

با احیای تدریجی مشاغل اربعه مرتبط با تولید غذا و لباس، حکم اقتصادی زکات (صندوق محرومیت زدایی زکات) را برای حل مشکلات فقراء احیاء خواهیم نمود و با احیای حکم زکات مفهوم برکت و کیفیت در محصولات و سود بازار مسلمین گسترش ملموسی خواهد یافت. (اقدام پنجم از طرف عرضه)

با گسترش معنا دار (و نه محدود) ساخت دار و اسعه در کشور و احیای کشاورزی شهری و باغداری و پرورش طیور به صورت خانگی، بخش قابل توجهی از تقاضای محصولات غذایی از تقاضای کل بازار کسر و بالتبع قیمت ها کاهش می شوند. (اقدام اول از طرف تقاضا)

خودش را به قیمت تمام شده کالاها تحمیل می کند. بنابراین ائمه جمعه و جماعت می توانند با ساخت بازار موقت^۶ که مهم ترین ویژگی آن رایگان بودن بهره برداری در آنست^۶ و یا حداقل با ساخت یک فروشگاه طیبات^۷ در مسجد این قیمتها را کاهش بدهد. در همین زمینه می تواند با فروشندگان خرد برای عرضه ارزان تر کالاها در مسجد رایزنی کند.

۱/۱/۲/۲. طرح سلام برای مدیریت لحظه اول و آخر ملاقات انسان ها در خانه و بیرون

برنامه سلام را در مساجد توضیح دادیم که موضوع آن اهمیت دادن به لحظه اول و آخر ملاقات انسانهاست^۸. چون عرض کردیم که نیمی از تنظیم روابط انسانی به همین لحظه اول و آخر ملاقات باز می گردد. مثلا اگر جمعی سه

با افزایش تعداد تولید کننده و افزایش تولید غیر متمرکز محصولات غذایی، نیاز کشور به واردات مواد غذایی و نهاده های دام و طیور کاهش و بالتبع کشور به ارز کمتری برای واردات مواد غذایی نیاز خواهد داشت. در شرایط فعلی بیش از ۲۲ میلیون تن مواد غذایی را به ارزش تقریبی ۲۰ میلیارد دلار وارد می کنیم و دلار بر اقتصاد ایران سلطه دارد! (اقدام دوم از طرف تقاضا)

اولین اقدام بنیادین برای مردمی کردن تولید و متعدد نمودن تولید کننده، اجرای قانون مترقی احیای موات در حوزه های ثلاثه است. مبتنی بر تفکر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) احیای موات در سه حوزه ۱- احیای موات برای مدیریت آب، ۲- احیای موات برای مشاغل برتر اسلام و ۳- احیای موات برای ساخت دار و اسعه در قالب محله موضوعیت دارد. (اقدام مشترک برای بهبود وضعیت طرف عرضه و طرف تقاضا)

حجت الاسلام علی کشوری. تبیین اجمالی الگوی فقهی تحلیل و مهار تورم (در مقایسه با بسته مهار تورم وزارت اقتصاد) - دوشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پيامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5459>

جلسه تخصصی الگوی فقهی مهار تورم در ۲۶ دی ماه ۱۴۰۲ در شهر مقدس قم برگزار شد. برای مطالعه متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/5453>

۶. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَیْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ قَالَ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً .
امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: بازار مسلمانان مانند مسجد آنهاست، هرکس پیشی گرفت و در جانی نشست به آن سزاوارتر است. فرمود: آن حضرت از دکانهای بازار کرایه نمی گرفت.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۶۶۲ / تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۹

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۷۸ / الوافی ج ۱۷ ص ۴۴۷ / بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۲۵۶

۷. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۷۲: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ
ای افراد با ایمان از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را بجا آورید اگر او را پرستش می کنید.

برای مطالعه بیشتر درباره "طیبات" به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

۸. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءَ السَّلَامِ .
از امام باقر علیه السلام: خداوند متعال غذا دادن و آشکار کردن سلام را دوست دارد

ساعت با هم باشند، تا حد زیادی این سه ساعت متأثر از همان لحظات ابتدایی ملاقات است. در زمان اندک ابتدای لقاء باید متغیرهای متعددی^۹ را به خوبی رعایت کنیم تا به تعبیر روایات "حسن اللقاء"^{۱۰} اتفاق بیفتند. ملحق به ملاقات اول، باید لحظه آخر دیدار را هم مدنظر داشت و مدیریت کرد. در واقع طرح سلام درباره برجسته سازی تکنیک های لحظه اول و آخر ملاقات انسان ها با هم است. این مهارت های ارتباطی در همه جا مفید است و

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۳۸۸

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۲۸۷ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۳۶۱

برای مطالعه بیشتر درباره "سلام" به پیوست شماره چهار مراجعه فرمایید.

^۹ . ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا التَّقِيْتُمْ فَتَلَاقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافِحِ وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالِاسْتِغْفَارِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه به هم برخوردید با سلام و دست دادن به هم آغاز کنید و چون از هم جدا شوید، با آمرزش خواهی برای هم از یکدیگر جدا شوید.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸۱ / الأمالی (للطوسی) ج ۱ ص ۲۱۵

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۹۶ / مجموعة وزام ج ۲ ص ۱۹۸ / عدة الداعي ج ۱ ص ۱۸۹ / الوافی ج ۵ ص ۶۱۰ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۲۲۲

عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا حُدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ قَالَ ثَلَاثٌ جَمَاحَكَ وَطَيْبُ كَلَامِكَ وَتَلَقَى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنِ.

یکی از اصحاب گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حد حسن خلق چیست؟ فرمود: اینکه فروتنی کنی و خوش سخن باشی و برادرت را با خوشرونی برخورد کنی.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۰۳

دیگر منابع: مجموعة وزام ج ۲ ص ۱۸۸ / الوافی ج ۴ ص ۴۲۷ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۱۶۰ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۱۷۱

^{۱۰} . ارجاع پژوهشی: حُسْنُ اللَّقَاءِ يَرْبِدُ فِي الْإِحَاءِ.

از حضرت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام: حسن اللقاء بر برادری می افزاید.

عیون الحکم ج ۱ ص ۲۲۷

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْمَجَالِسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ اللَّقَاءِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ.

امام جواد (علیه السلام) از پدرانش نقل می کند: که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: شما که نمی توانید با مالتان به مردم کمک کنید پس با چهره باز و دیدار خوش آنان را خشنود سازید، زیرا از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: شما که هرگز نمی توانید در زندگی مردم با اموالتان گشایشی حاصل کنید، پس با اخلاقتان آنان را خوشنود سازید.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۹۴ / الأمالی (للصدوق) ج ۱ ص ۱۲ / الإختصاص ج ۱ ص ۲۲۵

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۱۶۱ / بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۳۸۴ / مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۲۱۱

ضروری. چه محیط خانه باشد^{۱۱}، چه مسجد محله باشد و یا محیط های کسب و کار یا ارتباط با فقرا و ایتم و...
 . حتما احکام طلاق را دیده اید. شارع محترم به ما می فرماید: حتی اگر می خواهید از هم طلاق هم بگیرید باید
 طلاقتان "معروف" باشد نه مبتنی بر ظلم^{۱۲}. شارع درباره ی لحظه اول و آخر ملاقاتها تاکید بسیاری دارد. ما همه
 اینها را با هم در طرح "سلام" جمع بندی کرده ایم.

۱۱. ارجاع پژوهشی: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ إِثَارَةُ السَّرَّاجِ وَإِصْلَاحُ الطَّعَامِ وَ أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَبَ بِهِ وَ أَنْ تُقَدِّمَ إِلَيْهِ الْكَطُّشَتَ وَ الْمِنْدِيلَ وَ أَنْ تُوضَّئَهُ وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: حق مرد بر زن این است که چراغ روشن کند و غذای خوب تهیه کند و به استقبال او به در خانه برود و به او خوش آمد بگوید و تشت آب و دستمال برایش بیاورد و دست و صورت او را بشوید و جز به خاطر مریضی، خود را از او دریغ نکند.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۱۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۵۴

وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شَيَّعَنِي وَإِذَا رَأَيْتِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يُهْمُكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ بِهِ غَيْرُكَ وَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرَأَيْتَكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِشْرَهَا بِالْجَنَّةِ وَ قُلْ لَهَا إِنَّكَ عَامِلَةٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ لَكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَجْرٌ سَبْعِينَ شَهِيداً وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَمَالاً وَ هَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ.

مردی بمحضر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: یا رسول الله! همسری دارم که چون بخانه میروم به پیشبازم می آید و وقتی بیرون میروم بدرقه ام می نماید، و اگر مرا غصه دار بیند؛ می گوید: غم مخور، که اگر غم روزی می خوری؛ خداوند آن را بعهده گرفته. و اگر برای آخرت غم داری و فکر میکنی خداوند بر فکر و غم تو بیفزاید، پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، فرمود: او را بشارت بهشت ده، و به وی بگو که تو یکی از عاملان خداوندی و در هر روز پاداش ۷۰ شهید برای تو خواهد بود. و در حدیثی است که فرمود: خداوند عمالی دارد که این زن یکی از آنهاست، و نصف اجر شهیدی را دارد.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۳۸۹

دیگر منابع: عوالي اللئالي ج ۳ ص ۲۹۱ / الوافي ج ۲۱ ص ۶۱ / وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۳۲

۱۲. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۳۱: وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِيَتَّعْتِدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا أَنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای عده رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده ای آنها را رها سازید! و هیچ گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی،) آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می دهد! و از خدا پرهیزید و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می کنند، با خبر است)!

۱/۱/۲/۳. طرح تسهیل بازی کودکان در محله

جدای ازین ها برنامه مدیریت بازی کودکان را باید در مساجد مورد توجه قرار دهیم.^{۱۳} بازی کودکان ده ها فایده برای اداره جامعه دارد که باید در خطبه های نماز جمعه باید به آن پرداخت. مثلاً باعث می شود که در آینده فرزندان با شخصیتی قوی تر و سالم تر وارد جامعه بشوند.^{۱۴}

^{۱۳} ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَهُ تَفْسَكَ سَبْعًا فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.

-راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کودک را تا هفت سالگی رها کن تا بازی کند، هفت سال دیگر با او همراهی کن سپس اگر رستگار شد (که بهتر) وگرنه از کسانی است که خیری در آنان نیست.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۴۶ / الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری) ج ۱ / تهذیب الأحكام ج ۸ ص ۱۱۱
دیگر منابع: الوافی ج ۲۳ ص ۱۳۷۹ / وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۴۷۴

ارجاع پژوهشی: روی ایضا: أَنَّهُ كَانَ يَدْلَعُ لِسَانَهُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هُوَ صَبِيٌّ، فَبَرِي [الصَّبِيُّ] لِسَانَهُ، فَبِهِشَّ لَهُ، فَقَالَ لَهُ عَيْنَةُ: أَلَا أَرَاكَ تَصْنَعُ هَذَا بَهَذَا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَكُونُ لِي الْإِبْنُ رَجُلًا قَدْ خَرَجَ وَجْهَهُ، مَا قَبْلَتَهُ قَطُّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «إِنَّهُ مِنْ لَمْ يَرْحَمْ لَمْ يَرْحَمْ». روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مشغول بازی با حسین (علیه السلام) بودند و زبان خودشان را برای آن دو بیرون می آوردند و هنگامی که کودک این رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را می دید به سمت ایشان می دوید، در این هنگام مردی به نام عَیْنَةُ بن بدر که شاهد بازی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با امام حسین (علیه السلام) بود، از این رفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شگفت زده شد و خطاب به ایشان عرض کرد: به خدا سوگند فرزندم مرد شده و صورت او دارای محاسن گشته است، اما من تاکنون حتی برای یک بار هم او را نبوسیده ام، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که از رفتار آن مرد ناراحت شده بودند فرمودند: کسی که رحم و عطف نداشتند باشد، مورد مهر و عطف قرار نخواهد گرفت!

مصدر: الأمالی (للمرتضی) ج ۱ ص ۵۳۲
دیگر منابع: مجموعة ورام ج ۱ ص ۱۱۳

^{۱۴} ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الشَّامِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَسْتَحَبُّ عَرَامَةَ الصَّبِيِّ فِي صَعْرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

-صالح بن عقبه گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود: کودکی که در دوران کودکی به بازی علاقمند است مطلوب است؛ چرا که در دوران بزرگسالی بردبار خواهد شد. سپس فرمود: سزاوار نیست کودک جز این گونه باشد.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۱ / من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۴۹۳
دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۵۷ ص ۳۶۱ / وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۴۷۹ / الوافی ج ۲۳ ص ۱۳۸۴

۱/۱/۲/۴. طرح عطر برای خوشبو سازی بدن و فضای مسجد و محله

برنامه دیگری که شرح دادیم مربوط به خوشبو شدن و دفع بوهای بد و تعفن از محیط روابط انسان ها می پردازد که نامش را طرح عطر^{۱۵} گذاشته ایم که دارای سه محور اساسی است. اول تدابیری که بدن را خوشبو می کند^{۱۶}، دوم

^{۱۵}. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخُثْعَمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ الطَّوِيلِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ.

اسحاق طویل عطار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله همواره برای خرید عطر بیشتر از خرید غذا هزینه می کرد.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۱۲

دیگر منابع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۴ / الوافی ج ۶ ص ۶۹۷ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۶ / بحار الأنوار ج ۱۶ ص ۲۴۸

الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الطَّيِّبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ. ابو بصير گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: عطر، قلب را محکم و استوار می سازد.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۱۰

دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۲

وَ عَنْهُ عَنْ سَيْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَفَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «الطَّيِّبُ الْمَسْكُ وَالْعَنْبُرُ وَالزَّرْعَفَرَانُ وَالْوَرْسُ.

ابو عبد الله صادق (ع) می گفت: مشک. عنبر. زعفران فارسی و زعفران یمنی در شمار عطریات محسوب می شوند.

مصدر: تهذیب الأحكام ج ۵ ص ۲۹۹ / الإستبصار ج ۲ ص ۱۸۰

دیگر منابع: الوافی ج ۱۲ ص ۶۱۶ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۴۴۶

^{۱۶}. ارجاع پژوهشی: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَضُغُ اللَّبَّانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ وَ يَنْفِي الْبَلْغَمَ وَ يَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضُغُ اللَّبَّانِ يَذِيبُ اللَّبْغَمَ.

و از همان: که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: جویدن کندر دندانها را سخت کند بلغم را ببرد: و بوی دهان را بزدايد فرمود: جویدن کندر بلغم را آب کند.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۱۰۰ / الخصال ج ۲ ص ۶۱۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۴۴۳

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوْرَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهْوَرٌ لِلْجَسَدِ.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: توره، موجب زدودن غم و اندوه و طهارت و پاکیزگی بدن است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۰۶ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۱

دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۶۱۴ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۶۵ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۸۹

وَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَنْفُ الْإِبْطِ يَنْفِي التَّرَائِحَةَ الْمَكْرُوهَةَ وَ هُوَ طَهْوَرٌ وَ سُنَّةٌ مِمَّا أَمَرَ بِهِ الطَّيِّبُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ.

و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: کندن موی زیر بغل بوهای بد را از بدن دور میکند و پاک کننده و سنت است و از جمله آن چیزها است که پاکیزه ترین فرد عالم که سلام بر او و خاندانش باد (رسول خدا صلی الله علیه و اله)) بانجام آن امر فرموده است.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۲۰

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۳۶ / الوافی ج ۶ ص ۶۱۹

مجموعه تدابیری که مربوط به عطرها همراه می شود^{۱۷} و در نهایت اقداماتی که برای خوشبو سازی محیط زندگی به وسیله درختان و درختچه های مثمر و معطر است^{۱۸}.

^{۱۷}. ارجاع پرورشی: بخش دوم طرح عطر این است که شروع به اصلاح عطرها همراه کنیم. عطرها صنعتی مانند تیرز و نارسیس مناسب نیستند. حتی نکته ای دیگر را هم می توان اضافه کرد: تمام شیشه هایی که عطر را اسپری می کنند هم باید حذف شود چرا که در وسط آن شیشه ها آهن وجود دارد که در موردش صحبت کردیم. باید به سمت اصلاح ظرفهای عطر برویم. پیشنهاد بنده ظرفهای شیشه ای به خاطر ماندگاری بالاست. ظرفهای پلاستیکی را به دلیل اینکه پلاستیک چالش های فراوانی دارد باید کنار بگذاریم. مثلاً هم تولید زیاله می کنند و هم ماندگاری خود ظرف هم پایین است. خود عطرها هم که باید عطر طبیعی باشد. در اینجا هم باید بحث دیگری در مورد انواع عطرها طبیعی داشته باشیم. در راس عطرها طبیعی هم عطر گل نرگس است چرا که موجب رفع جنون می شود. یعنی کمتر دعوا می کنید کمتر به دیگران ناسزا می گوید و نهایتاً کمتر در روابط انسانی اختلال ایجاد می کنید. یکی از چیزهایی که به صورت اورژانسی استرس و عصبانیت قلب را کاهش می دهد عطر گل نرگس است.

حجه الاسلام کشوری . نهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت قم ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

برای دریافت متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/6181>

^{۱۸}. ارجاع پرورشی: معطر کردن محیط محله با درختان و درختچه های معطر و مثمر هم سومین بخش طرح عطر است. همین الان بعضی از روستاهای قم به این شکل است. مثلاً می گویند بهار این روستا پر از شکوفه های گیلاس است. محله هایمان را باید اینگونه طراحی کنیم. کسی که وارد محله می شود به او می گوئیم محله ما، محله فلان عطر یا فلان درخت است. معمولاً درختان مثمر معطر هم هستند مانند عطر درخت سیب، به و سنجید. ولی درخت معطر غیر مثمر هم داریم. پس این هم یک سرفصل. ببینید در شروع تنظیم روابط انسانی در محله هستیم و تا الان سه طرح را توضیح داده ایم: طرح کاهش قیمتها، طرح سلام و طرح عطر.

حجه الاسلام کشوری . نهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت قم ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

برای دریافت متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/6181>

۱/۱/۲/۵. طرح شادی آفرینی در مسجد شامل ده بخش از جمله برگزاری جشنواره غذاهای شادی آفرین و سفر

برنامه دیگر شادی آفرینی در مسجد و محله بود. عرض کردیم امام جمعه و جماعت باید قدرت ایجاد شادی و فرح را در محیط روابط انسانی پیرامون مسجد را داشته باشند^{۱۹}. خود این طرح شامل ده بخش می شد^{۲۰} که اشاره هایی به مسئله بسیار مهم غذاهای شادی آفرین هم داشتیم. گفتیم که جشنواره غذاهای شادی آفرین به عنوان یکی از برنامه های ثابت در مسجد و در شهر باید برقرار باشد^{۲۱}. در همین زمینه به موضوع سفر و اردوها هم اشاره کردیم.

^{۱۹} ارجاع پژوهشی: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمَعَاشِرَةِ الْإِحْوَانِ وَ النَّقَاتِ الَّذِينَ يُعَرَّفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّانِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ لَا تَحْدُثُوا أَنْفُسَكُمْ بِفَقْرٍ وَ لَا بِطُولِ عُمُرٍ فَإِنَّهُ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالْفَقْرِ بَخِلَ وَ مَنْ حَدَّثَهَا بِطُولِ الْعُمُرِ يَحْرُضُ اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَائِلِ وَ مَا لَا يَتِلَمُّ الْمُرُوءَةَ وَ مَا لَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ زَوْي لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ.

بکشید که وقت خود را چهار بخش کنید: بخشی برای مناجات با خدا، دیگری از برای امرار معاش، سوم برای معاشرت با برادران، و معتمدانی که عیوبتان را معرفی کنند، و قلبا به شما اخلاص ورزند. چهارم برای لذتها و کامیابیهای مشروع و با این بخش است که بر سه بخش دیگر نیرو می گیرید (یعنی مایه تجدید حیات و شکفتن استعدادهاست). نه فقر را به خود وعده دهید، نه عمر دراز را که هر که از فقر ترسد بخل ورزد. و هر که به عمر دراز امید بندد حریص شود. سهمی از دنیا برای خود قرار دهید، خواسته های نفس را از راههایی که شرف را خلل نرساند، و اسراف نباشد، به او برسانید، و از این راه بر کارهای دینی کمک گیرید که روایت شده، آن که دنیا را برای دین وانهد، یا دین را برای دنیا، از ما نیست.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۴۰۹

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۳۲۱

^{۲۰} ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: النَّسْوَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمُسْئِي وَ الزُّكُوبُ وَ الْإِزْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ وَ الْأَكْلُ وَ الْكُشْرُبُ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ الْجَمَاعُ وَ السُّوَالُكَ وَ مُحَادَاةُ الرِّجَالِ.

-جعفر بن خالد از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: نشاط در ده چیز است: راه رفتن و سوارکاری و فرو رفتن در آب و نگاه کردن در سبزی و خوردن و آشامیدن و نگاه کردن به زن زیبای محرم و جماع و مسواک کردن و هم صحبتی با مردان.

مصدر: الخصال ج ۲ ص ۴۴۳

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۱ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۷ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۳۲۲

^{۲۱} ارجاع پژوهشی: بررسی و نقد خدمات آستان قدس رضوی به زائران!

پیشنهاد می شود: آستان قدس رضوی در قالب یک نمایشگاه تصویری، شخصیت های مدفون در حرم رضوی را به زائران معرفی کند. معرفی کتب و خدمات این شخصیت ها به معصومین علیهم السلام؛ زمینه ساز ارتقای درک مردم از مفهوم نصرت امام خواهد شد.

به عبارت دیگر: آستان قدس رضوی باید در حوزه ایده پردازی با موضوع نصرت امام ورود نماید و به زائران و محبان امام رضا علیه السلام، مشورت های متنوعی با موضوع نصرت امام ارائه کند. راه اندازی نمایشگاه معرفی شخصیت های حرم رضوی، ظرفیت مشاوره ای و عبرت آفرینی آستان قدس را ارتقاء می دهد و مردم را با دست پرتری به شهرهای خود باز می گرداند!

همچنین پیشنهاد می شود: جشنواره غذای رضوی به صورت سالانه در حرم معرفت آفرین امام رضا علیه السلام برگزار گردد. موضوع این جشنواره بسیار مهم بررسی تأثیرات غذا بر اعضای بدن - خصوصاً تأثیرات غذا بر قلب، خون و کبد - بر اساس آیات و روایات است. بازخوانی نظرات بدون خطای امام رضا علیه السلام درباره غذا برای مردم، بسیار جذاب است و نتیجه قطعی آن رضایت امام رضا علیه السلام از خادمان خود و کاهش بیماری های مردم است.

یکی از بخشهای بسیار مهم در این سفرها^{۲۲} هدف سفر است. توضیح دادیم که آیین نامه سفرهای زیارتی متفاوت است. هدف سفرهای زیارتی آشنا کردن مردم با الگوهای نصرت امام علیه السلام است که باید ذیل الگوی فقهی زیارت بحث و بررسی شود^{۲۳}. قسم دیگر از سفرها برای عبرت آفرینی است یعنی سفر به عبرتکده ها که در نوع

در حرم مطهر رضوی نظرات امام رضا علیه السلام درباره غذا برای مردم بازخوانی نمی شود و این یک نقیصه در برنامه های حرم محسوب می شود. برای کمک به ارتقای برنامه های حرم رضوی؛ الگوی جدید زیارت را در ۹ محور توریزه کرده ایم.

حجت الاسلام علی کشوری. نقد خدمات آستان قدس - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲ - حرم امام رضا علیه السلام

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4>

مِنْ صَحِيفَةِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْتَبُوا الْقُرْعَ فَإِنَّهُ يَسُرُّ الْقَلْبَ الْحَزِينِ. از صحیفه الرضا (علیه السلام): پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کدو در غذا زیاد بریزید که دل غمگین را خوشحال می گرداند.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۷ / صحیفه الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۴ / سلوة الحزین ج ۱ ص ۱۴۸ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۲۲۵ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۴۲۵

۲۲. . ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَافَرُوا تَصِحُّوا سَافَرُوا تَعْنَمُوا.

از امام صادق علیه السلام: مسافرت کنید تا سالم بمانید و فایده بریزد.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۳۴۵

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۳۴۷ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۲۲۱

۲۳. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَزَائِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ وَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْمَكِّيِّ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَالَ... وَ قَلْبِي لَكُمْ مُؤْمِنٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُخَيَّرَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ.

و قلب من مؤمن به شماست، و رأی و عقیده ام تابع شماست و یاری من برای شما آماده است تا اینکه خدا دین خود را با شما زنده کند.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۶۰۹ / عيون الأخبار ج ۲ ص ۲۷۲ / تهذيب الأحكام ج ۶ ص ۹۵ / المزار الكبير ج ۱ ص ۵۲۳

دیگر منابع: المحتضر ج ۱ ص ۲۱۵ / الوافي ج ۱۴ ص ۱۵۶۶ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۲۷ / زاد المعاد ج ۱ ص ۲۹۶

الگوی جدید زیارت را طراحی کرده ایم / حرم رضوی جشنواره غذای رضوی را بر اساس مفهوم مزاج راه اندازی کند

الگوی زیارت در کشور نیازمند تحول است. مبنای این تحول تبیین معنای نصرت امام علیه السلام است.

در شرایط فعلی در حرم امام رضا علیه السلام و در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها و در سایر حرم های اهل بیت علیهم السلام، خدمات زیارت حداقلی است و به زائر معنای نصرت امام علیه السلام را انتقال نمی دهند.

خادمان حرم رضوی باید برنامه های این مرکز جهانی را ارتقاء دهند و به عنوان مثال جشنواره غذای رضوی (ویژه خواهران) را برای آموزش و تهیه غذا، مبتنی بر مفهوم فقهی مزاج راه اندازی کنند. فراموش نکنیم که غذا و میوه زیر ساخت تزکیه است و با تغییر الگوی تغذیه مردم؛ سطح تزکیه و بالتبع نصرت امام علیه السلام ارتقاء می یابد.

خودش سفر پر برکتی است^{۲۴}. اما نکته مهم در این گونه از اردوها این است که قدرت روایت صحیح یک بنای تاریخی یا به تعبیر ما عبرتکده را داشته باشیم. در همین زمینه بنده به مسئله بسیار مهمی اشاره کردم که دوباره روی آن تاکید می‌کنم. هر وقت خواستید اردویی یا سفری به میراث فرهنگی داشته باشید، مهم‌ترین ویژگی اش باید این باشد که خودتان آن مکان^{۲۵} را روایت کنید. چون در حال حاضر روایت میراث فرهنگی به عهده‌ی سازمان یونسکو^{۲۶}

خادمان حرم مطهر رضوی و خادمان حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها باید نمایشگاه و برنامه معرفی شخصیت‌ها و علمای مدفون در این مضاجع را -به صورت روزانه- راه اندازی کنند. معرفی نصرت‌های علماء به مقام امام علیه السلام به گسترش فهم از چگونگی نصرت امام علیه السلام مدد می‌رساند.

در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه هدایت "الگوی زیارت" جدیدی مبتنی بر مفهوم نصرت امام علیه السلام طراحی کرده‌ایم؛ که شامل ۱۵ برنامه جذاب و کاربردی برای ارتقای مفهوم خدمت در حرم‌های مقدس بر مبنای مفهوم "نصرت امام" علیه السلام است.

حجت الاسلام علی کشوری - جمعه انتظار ۱۳ تیر ۱۳۹۹ - حرم مطهر حضرت اشمونیل علیه السلام - بوئین زهرا

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2442>

^{۲۴}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انعام آیه ۱۱: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ. بگو روی زمین گردش کنید، سپس بنگرید سرانجام آنها که آیات الهی را تکذیب می‌کردند چه شد؟

قرآن کریم سوره نمل آیه ۶۹: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ. بگو در روی زمین سیر کنید، ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید.

قرآن کریم سوره روم آیه ۴۲: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ. بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده [و] بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.

^{۲۵}. ارجاع پرورشی: الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی به ۷ پرسش درباره مسئله بسیار مهم میراث فرهنگی پاسخ داده است! متأسفانه به دلیل غفلت حوزه‌های علمیه در چله اول انقلاب اسلامی، اختیار محوطه‌های تاریخی ایران و منطقه و روایت میراث‌های ناملموس فرهنگی به دست سازمان معیوب یونسکو و مجموعه هائی مانند ایکموس است!

حرف اصلی الگوی فقهی روایت، تبیین چگونگی استفاده از میراث فرهنگی برای گسترش عبرت در افراد (تاثیرگذاری بر شخصیت افراد) است! برای مطالعه متن کامل گزارش مدرسه هدایت درباره الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/4522>

^{۲۶}. ارجاع پرورشی: یونسکو سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد است. این سازمان به دنبال ایجاد صلح از طریق همکاری بین‌المللی در حوزه‌های آموزش، علوم و فرهنگ است. برنامه‌های یونسکو با نیل به اهداف توسعه‌ی پایداری معاضدت و هم‌بخشی دارد که در مجمع عمومی سازمان ملل تعریف و تبیین شده است. تمهیدات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها در جهت تضمین حمایت‌ی پایدار و ناب از مردمان جهان کافی نیست. صلح باید مبتنی بر گفتگو و درک متقابل باشد و بر اساس همبستگی و انسجام فکری و اخلاقی بشریت بنا شود.

در این راستا، یونسکو سازوکارهای آموزشی را به منظور کمک به مردم ایجاد کرده و بسط و گسترش می‌دهد تا همچون شهروندان جهانی عاری از نفرت و ناپردباری (عقیدتی) زیست نمایند. یونسکو به گونه‌ای فعالیت می‌کند که هر کودک و شهروند به آموزش با کیفیت و برابر دسترسی داشته باشد. یونسکو با ترویج میراث فرهنگی و عزت برابر همه فرهنگ‌ها، پیوندها را در میان ملت‌ها تقویت می‌کند. یونسکو برنامه‌ها و خط‌مشی‌های علمی را به عنوان

است. البته مجموعه های دیگری^{۲۷} هم در این زمینه هستند که به صورت غلط این میراث را روایت می کنند. یکی از کارهایی که بنده همیشه انجام می دهم این است که هر مکان و محوطه تاریخی که می روم در حد پنج دقیقه ده دقیقه آنجا را روایت می کنم. الگوی روایت ما پاسخ به چند سؤال مهم است. گاهی به صورت شیء پایه روایت می کنید. مثلاً روایت شیء پایه میدان نقش جهان اصفهان^{۲۸}. مجموعه رنگها مجموعه مصالح و دیگر اشیائی که در آن محیط وجود دارند و نحوه ی استفاده از آنها را مورد دقت قرار می دهیم. علاوه بر این می توان به محوریت

بسترهای توسعه و همکاری ترویج کرده و بهبود می بخشد. یونسکو پای آزادی بیان، به عنوان یک حق اساسی و شرط اصلی دموکراسی و توسعه، ایستاده است. یونسکو به عنوان آزمونگاه ایده، به کشورها کمک می کند تا استانداردهای بین المللی را اتخاذ کرده و برنامه هایی را مدیریت کنند که جریان آزاد ایده ها و تسهیم دانش را ترویج و تقویت می کنند.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی یونسکو در ایران

<https://fa.irunesco.org>

^{۲۷}. ارجاع پرورشی: درباره مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران (کمیته ملی ایکوموس ایران)

کمیته ملی ایکوموس ایران با نام رسمی «مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران» در ۱۸ مهر ۱۳۸۰ به طور رسمی تشکیل شد و فعالیت خود را در تاریخ ۲۹ فروردین سال ۱۳۸۱، همزمان با روز جهانی بناها و محوطه های تاریخی، آغاز کرد. کمیته ملی ایکوموس ایران، مبتنی بر اساسنامه خود، موسسه ای است فرهنگی و غیردولتی با مقاصد غیرتجاری، غیرسیاسی، غیرصنفا، و غیرانتفاعی، که سرمایه و تابعیت ایرانی دارد. اهداف اصلی این موسسه که مشروح آن در اساسنامه آمده است عبارت است از:

ترویج و گسترش فرهنگ تحقیق، مطالعه و معرفی بناها، مجموعه بناها، و محوطه های تاریخی
تشویق به صیانت، حمایت، حفاظت، احیا، و مرمت بناها، محوطه های تاریخی و ترویج فرهنگ آن در سطح ملی.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی ایکوموس ایران (زیر نظر مؤسسه جهانی ایکوموس)

<https://www.iranicomos.ir/about-national-committee-of-icomos-iran>

^{۲۸}. ارجاع پرورشی: میدان تاریخی نقش جهان یکی از بزرگ ترین، زیباترین و باشکوه ترین میادین جهان است که در دوره ی حکومت شاه عباس اول صفوی و به فرمان وی در محل باغی به نام نقش جهان (مربوط به دوره ی حکومت سلاجقه) در فضایی مستطیل شکل بنا شد. این میدان دومین میدان بزرگ جهان است که به شیوه و سبک معماری اصفهانی ساخته شده است. به دستور شاه در چهار طرف این میدان چهار بنای ارزشمند مسجد تاریخی امام در جنوب، مسجد شیخ لطف الله در شرق، کاخ عالی قاپو در غرب و سر در بازار قیصریه در شمال ساخته شد که هر یک در نوع خود شاهکاری بی نظیر است.

این میدان در طول دوران مختلف کاربری های متنوعی داشته است که از آن ها می توان به عملکرد سیاسی به لحاظ استقرار کاخ سلطنتی (مراسم تشریفاتی، رژه های نظامی، مراسم تعزیر محکومین و غیره)، عملکرد مذهبی به لحاظ استقرار دو مسجد (اجرای مراسم و آیین های مذهبی، برپایی نماز جماعت در مواقعی که جمعیت نمازگزار بیش از گنجایش مسجد امام بود)، عملکرد تجاری به لحاظ وجود مغازه ها و قرارگیری در بطن بازار (استقرار چادرهای دستفروشان، ازدحام مردم برای خرید و غیره) و عملکرد تفریحی (آتش بازی، چوگان بازی، قاپون اندازی، شاپردوانی، جشن ها و اعیاد ملی، بازیگری، خیمه شب بازی، نقالی و بندبازی) اشاره کرد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی پرتال جامع گردشگری ایران

<https://www.visitiran.ir/fa/attraction>

روابط انسانی^{۲۹} هم یک بنا یا محوطه تاریخی را روایت کرد. مثلاً هر وقت مردم را برای بازدید معبد آناهیتا^{۳۰} بردید که معروف به الهه آب است. حتماً این نکته را تذکر بدهید که در آن زمان دخترها را همراه با شوهرها و یا پدرانشان زنده به گور می کردند. در دواقع دوره حکومت این تفکرات در ایران، همزمان با دوره تولد پیامبر سلام الله علیه است. در آن زمان یک دریاچه در بخش مرکزی ایران به نام دریاچه ساوه^{۳۱} وجود داشته که به کاشان، ساوه،

^{۲۹}. ارجاع پرورشی: معنای نظام سازی چیست؟/ نظام سازی چند حوزه دارد؟

بعد از بررسی روایات و آیات به این نتیجه رسیده ایم؛ که نظام سازی به معنای "تنظیم صحیح روابط انسانی" است.

مبنتی بر تتبع فقهی؛ تنظیم صحیح روابط انسانی؛ شامل: سیزده بخش ۱- تنظیم رابطه فرد با امام، ۲- تنظیم رابطه فرد با معلم، ۳- تنظیم رابطه فرد با رفیق، ۴- تنظیم رابطه فرد با همسایه، ۵- تنظیم رابطه فرد با خانواده، ۶- تنظیم رابطه فرد با طرف تجارت، ۷- تنظیم رابطه فرد با دشمن (کفر و نفاق)، ۸- تنظیم رابطه فرد با فقیر، ۹- تنظیم رابطه فرد با یتیم، ۱۰- تنظیم رابطه فرد با ابن سبیل، ۱۱- تنظیم رابطه فرد با همسفر، ۱۲- تنظیم رابطه فرد با مهمان و ۱۳- تنظیم رابطه فرد با شریک شغلی است.

معتقدیم تنظیم روابط انسانی در بخش های سیزده گانه فوق الذکر؛ بر اساس اصل مترقی "خود تنظیمی فرد" تحقق می یابد و دعوی فلسفی اصالت با فرد است یا جامعه؟ -به دلیل انتزاعی بودن- مانعی بر سر راه نظام سازی محسوب می شود. بنابر نظریه مختار، جامعه حقیقتی ندارد. همچنین تعریف های فلسفی از اصالت فرد را مبهم و غیر کاربردی می دانیم و مسیر نظام سازی را به محوریت اصطلاح اصطیادی "خود تنظیمی در روابط انسانی" تئوریزه می کنیم. برای اینکه یک فرد به خود تنظیمی در حوزه های سیزده گانه دست یابد؛ نیازمند پردازش زیر ساخت های نه گانه هدایت هستیم.

حجت الاسلام علی کشوری- مباحث مقدماتی فقه النظم- چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۸- قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان اپنا

<https://eitaa.com/olgou4/2248>

^{۳۰}. ارجاع پرورشی: بنای معروف به معبد آناهیتا دومین بنای باشکوه سنگی در ایران پس از تخت جمشید است که بر روی تپه ای طبیعی به شیوه ی سکوسازی (صُفه سازی) ساخته شده است. آناهیتا در اعتقاد ایرانیان باستان، الهه ی آب، فرشته ی نگهبان چشمه ها و باران و همچنین نماد باروری، عشق و دوستی بوده است.

تاریخ بنای معبد آناهیتا را به سه دوره ی هخامنشی، اشکانی و ساسانی نسبت داده اند. برخی دیگر نیز بنا را کاخی ناتمام از خسرو پرویز در اواخر دوره ی ساسانی می دانند. نقشه ی این بنا چهار ضلعی است و هر ضلع آن صفحه ای است از لاشه سنگ و ملاط گچ و نمای بیرونی آن ها با سنگ های بزرگ تراشیده شده، به صورت خشکه چین (روی هم یا کنار هم چین عناصر ساختمانی به شکل منظم و بدون استفاده از ملات) ساخته شده است. ورودی بنا به وسیله ی پلکان دو طرفه در قسمت جنوبی تعبیه شده و در قسمت شمال شرقی پلکان یک طرفه راه دسترسی به این مکان است. به طور کلی فضای اطراف معبد را ستون های ردیفی موازی تشکیل می دهد و فضای داخلی معبد نیز که فضایی باز و بزرگ است با ستون های سنگی محصور شده است. نسبت ارتفاع ستون های این بنا به قطر آن ها سه به یک است و همین امر دلیل متمایز بودن معبد آناهیتا در میان تمام معابد دنیا به شمار می رود. جوی های سنگی آب رودخانه را تنظیم و به طرز باشکوهی به آبگیر وسط معبد هدایت می کرده اند و این نوع تقسیم و جریان آب درون معبد یکی از شگفتی های مهندسی در آن دوران به شمار می رود.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی پرتال جامع گردشگری ایران

<https://www.visitiran.ir/fa/attraction>

^{۳۱}. ارجاع پرورشی: دریاچه ساوه دریاچه ای در نزدیکی ساوه بوده که خشک شدن آن در شب میلاد پیامبر(ص) از ارهاصات او دانسته شده است. دریاچه ای در نزدیکی شهر ساوه بوده است که بنا بر برخی روایات، همزمان با شب میلاد پیامبر، آب آن فروکش کرده است. برخی احتمال داده اند دریاچه حوض سلطان که در حدود ۴۰ کیلومتری شمال قم و در حدود ۸۵ کیلومتری جنوب تهران واقع شده است از بقایای دریاچه ساوه باشد. بنا بر برخی

قم و تهران منتهی می شده. در واقع این چهار شهر به نوعی در دوره قبل از تولد پیامبر اسلام شهرهای ساحلی بوده اند. علائم زیست محیطی هم کاملا نشان دهنده این مسئله است که در گذشته در این مکان دریا وجود داشته است. از نوع فسیلها^{۳۲} و اسکلت هایی که یافت شده تا نوع سنگها. در مجموع شباهت کاملا زیادی به دریا دارد. عرض بنده این است که مردمان آن دوره از این آب پر برکت که دریاچه آب شیرین هم بوده به چه نحو استفاده می کردند؟ به جای شکرگزاری از خداوند متعال برای این دریاچه بزرگ^{۳۳} که شاید بیش از دریاچه کاسپین^{۳۴} هم باشد، معابدی

گزارش های تاریخی و روایات، در شب میلاد پیامبر(ص) حوادثی رخ داد. خشک شدن دریاچه ساوه، لرزیدن طاق کسری و خاموش شدن آتشکده فارس از مهم ترین حوادث بوده است. خشکیدن دریاچه از اراضیات و همدارهایی دانسته شده که همراه با ولادت پیامبران رخ می داده است.

حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۱۷۹ / ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۴۱۱ / مقریزی، امتاع الاسماع، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۶۰ / ابن کثیر، البدایه و النهایه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۸ / یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، دارصادر، ج ۲، ص ۸ / بیهقی، دلائل النبوه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۷ / طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶

^{۳۲} ارجاع پرورشی: شناسایی یک شبه فسیل از حاشیه دریاچه نمک استان قم: به گزارش روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان قم سید احمد شفیعی مسوول محیط طبیعی گفت: یک شبه فسیل از راسته گوشتخواران، و احتمالا خانواده eupleridea توسط دوست داران طبیعت از عمق چند متری غاری در حاشیه دریاچه نمک کشف گردیده است. وی افزود: گونه مذکور که کاملا واجد گوشت و مو می باشد به نحوه جالبی در طی زمان حفظ شده است، تلاشهایی جهت شناسایی گونه و تاریخ و قدمت آن با مراکز مختلف تحقیقاتی در دست اقدام می باشد؛ (handleloginnotok). محمودعلی رکنی مدیر کل حفاظت محیط زیست استان قم گفت: سنگواره ها، فسیل های موجود، معرف ویژگی های زیستی یک سرزمین بوده و به نوعی شناسنامه حیاتی آن منطقه محسوب می شود. به تعبیری راه طی شده را نمایان نموده و شیوه های هدایت ایمن و درست ادامه راه را ارائه می نماید طبیعت و نشانه های طبیعی برای روشنگری انسان های هوشمند بوده و بازتاب و واکنش ما به این مهم پاسخی به این رهنمود های الهی است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی اداره کل محیط زیست استان قم

B2n.ir/m77419

^{۳۳} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نحل آیه ۱۴: وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْبُوسًا وَنَارًا كَاتِبَةً وَتَرَ الْأُفْلَکَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و وسایل زینتی برای پوشش از آن استخراج نمایید، و کشتیها را می بینید که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید) و از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید.

^{۳۴} ارجاع پرورشی: دریای خزر که کاسپین، طبرستان و مازندران هم نامیده می شود، در حاشیه شمال ایران کشیده شده است. کاسپین بزرگترین دریاچه ی دنیاست و به همین دلیل هم هست که نام افتخاری دریا را به آن داده اند. از شمال به روسیه می رسد و از جنوب به ایران. شرق آن به ترکمنستان و قزاقستان راه دارد و از غرب با جمهوری آذربایجان و بخش های دیگری از روسیه هم مرز است.

طول این دریای نیمه شور، حدود ۱۲۰۰ کیلومتر و عرض آن ۳۲۰ کیلومتر است. ژرفای دریاچه در عمیق ترین نقطه ها حدود ۱۰۰۰ متر است. این دریاچه منابع نفت و گازی دارد که ارزش آنرا بیشتر کرده است، چراکه مقدار ذخیره ی نفت و گاز این دریا در مقام سوم دنیا قرار می گیرد.

استخراج نفت و گاز توسط کشورهای همسایه باعث ایجاد آلودگی در دریای کاسپین شده و به بعضی از گونه های زیستی دریا آسیب رسانده است. همچنین ماهی خاویار دریای کاسپین زبازد است و بخش زیادی از صید خاویار دنیا از دریای خزر می آید. گذشته از خاویار، ۴۰۰ گونه و ریزگونه ی ماهی در این دریا شنا می کند.

را راه اندازی کرده و مکتب آب پرستی را ایجاد کرده بودند. الهه آب پرستان ایران قدیم هم آناهیتا نام داشته است. یکی از اتفاقات هنگام تولد نبی مکرم اسلام علیه السلام، خشک شدن همین دریاچه ساوه بوده^{۳۵}. در واقع با تولد

دیدگاهی تاریخی می‌گوید خزر نام قومی بوده که در قفقاز بیابان‌گردی می‌کرده و بارها به ایران حمله کرده است. این حمله‌ها در دوره‌ی ساسانی اتفاق افتاده و هر بار از سپاه ساسانی شکست خورده‌اند. به همین دلیل است که برخی پیشنهاد می‌کنند به جای خزر، نام بین‌المللی آن یعنی کاسپین یا دریای مازندران به کار برده شود. با این‌همه روز ۲۱ مرداد به نام روز ملی دریای خزر نام‌گذاری شده است.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی پرتال جامع گردشگری ایران

<https://www.visitiran.ir/fa/attraction>

^{۳۵}. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ يَخْتَرِقُ السَّمَاوَاتِ فَلَمَّا وَدِدَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حُجِبَ عَنْ ثَلَاثِ سَمَاوَاتٍ وَكَانَ يَخْتَرِقُ أَرْبَعَ سَمَاوَاتٍ فَلَمَّا وَدِدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُجِبَ عَنِ السَّمْعِ كُلِّهَا وَرَمِيَتْ الشَّيَاطِينُ بِالنُّجُومِ وَقَالَتْ قُرَيْشٌ هَذَا قِيَامُ السَّاعَةِ كُنَّا نَسْمَعُ أَهْلَ الْكُتُبِ يَذْكُرُونَهُ وَقَالَ عَمْرُو بْنُ أُمَيَّةَ وَكَانَ مِنْ أَزْجَرَ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ أَنْظَرُوا هَذِهِ النُّجُومَ الَّتِي يُهْتَدَى بِهَا وَيُعْرَفُ بِهَا أَرْمَانُ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَإِنْ كَانَ رُومِي بِهَا فَهَوَّ هَلَاكُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِنْ كَانَتْ تَبَثَّتْ وَرُومِي بِغَيْرِهَا فَهَوَّ أَمْرٌ حَدَثَ وَأَصْبَحَتِ الْأَصْنَامُ كُلُّهَا صَبِيحَةً وَوَلِدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْسَ مِنْهَا صَنَمٌ إِلَّا وَهُوَ مُنْكَبٌّ عَلَى وَجْهِهِ وَإِذْ تَجَسَّ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِبْرَاهِيمُ كَسْرَى وَسَقَطَتْ مِنْهُ أَرْبَعُ عَشْرَةَ شُرْفَةً وَغَاصَتْ بِحَيْرَةٍ سَاوَةٌ وَفَاضَ وَادِي السَّمَاوَةِ وَخَمَدَتْ نِيرَانُ فَارِسَ وَ لَمْ تَخْمُدْ قَبْلَ ذَلِكَ بِأَلْفِ عَامٍ وَ رَأَى الْمَوْبِدَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ فِي الْمَنَامِ إِبْرَاهِيمًا صَعَابًا تَقْوُدُ خَيْلًا عَرَابًا قَدْ قَطَعَتْ دِجْلَةَ وَ انْسَرَبَتْ فِي بِلَادِهِمْ وَ انْقَصَمَ طَائِفُ الْمَلِكِ كَسْرَى مِنْ وَسْطِهِ وَ انْحَرَقَتْ عَلَيْهِ دِجْلَةُ الْعُورَاءِ وَ انْتَشَرَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ نُورٌ مِنْ قِبَلِ الْحِجَازِ ثُمَّ اسْتِطَارَ حَتَّى بَلَغَ الْمَشْرِقَ وَ لَمْ يَبْقَ سَرِيرٌ لِمَلِكٍ مِنْ مَمْلُوكِ [مُلُوكِ] الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ مَنكُوسًا وَ الْمَلِكُ مُغْرَسًا لَا يَتَكَلَّمُ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَ انْتَرَعَ عِلْمُ الْكَهَنَةِ وَ بَطَلَ سِحْرُ السَّحْرَةِ وَ لَمْ يَبْقَ كَاهِنَةٌ فِي الْعَرَبِ إِلَّا حُجِبَتْ عَنْ صَاحِبِهَا وَ عَظُمَتْ قُرَيْشٌ فِي الْعَرَبِ وَ سُمُوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا سُمُوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّهُمْ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَقَالَتْ أَمَنَةُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ اللَّهُ سَقَطَ فَانْقَى الْأَرْضَ بِيَدِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَنَظَرَ إِلَيْهَا ثُمَّ خَرَجَ مَبِي نُورًا أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ وَ سَمِعَتْ فِي الصَّوَاءِ قَائِلًا يَقُولُ إِنَّكَ قَدْ وَلَدْتَ سَيِّدَ النَّاسِ فَسَمِيَهُ مُحَمَّدًا وَ أَبِي بِهِ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ يُنْتَظَرُ إِلَيْهِ وَ قَدْ بَلَغَهُ مَا قَالَتْ أُمَّهُ فَوَضَعَهُ فِي حَجْرِهِ ثُمَّ قَالَ -

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْطَانِي، هَذَا الْغَلَامَ الطَّيِّبَ الْأَرْدَانَ، قَدْ سَادَ فِي الْمَهْدِ عَلَى الْعِلْمَانِ، ثُمَّ عَوَّذَهُ بِأَرْكَانِ الْكُتُبِ وَ قَالَ فِيهِ اشْعَارًا قَالَ وَ صَاحَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ فِي أَبَالِسْتِهِ فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا مَا الَّذِي أَفْرَعَكَ يَا سَيِّدَنَا فَقَالَ لَهُمْ وَ يَلِكُمْ لَقَدْ أَنْكَرْتُ السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ مُنْذُ اللَّيْلَةِ لَقَدْ حَدَّثَ فِي الْأَرْضِ حَدَّثَ عَظِيمٌ مَا حَدَّثَ مِنْهُ مُنْذُ وَوَلِدَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَأَخْرَجُوا فَاَنْظَرُوا مَا هَذَا الْحَدِيثُ الَّذِي قَدْ حَدَّثَ فَاقْتَرَفُوا ثُمَّ اجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا مَا وَجَدْنَا شَيْئًا فَقَالَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ أَنَا هَذَا الْأَمْرُ ثُمَّ انْعَمَسَ فِي الدُّنْيَا فَجَالَهَا حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ فَوَجَدَ الْحَرَمَ مَحْفُوظًا بِالْمَلَائِكَةِ فَذَهَبَ لِيَدْخُلَ فَصَاحُوا بِهِ فَرَجَعَ ثُمَّ صَارَ مِثْلَ الصَّرِّ [الصَّرْدِ] وَ هُوَ الْعُصْفُورُ فَدَخَلَ مِنْ قِبَلِ حِرَاءٍ فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ وَرَاكَ لَعَنَكَ اللَّهُ فَقَالَ لَهُ حَرْفٌ أَسْأَلُكَ عَنْهُ يَا جَبْرَيْلُ مَا هَذَا الْحَدِيثُ الَّذِي حَدَّثَ مُنْذُ اللَّيْلَةِ فِي الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ وَوَلِدَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ هَلْ لِي فِيهِ نَصِيبٌ قَالَ لَا قَالَ فِيهِ أُمَّتِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ رَضِيْتُ .

امام صادق علیه السلام فرمود: ابلیس تا آسمان هفتم راه داشت و آنگاه که عیسی علیه السلام چشم به دنیا گشود، از سه آسمان بازماند. آنگاه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا آمد، از هفت آسمان بازماند و فرشتگان شیاطین را با تیر می‌راندند. قوم قریش گفتند: این قیام همان کس است که اهل کتاب از او اسم می‌برند. عمرو بن امیه که ستاره‌شناس‌ترین مردم عصر جاهلی بود، می‌گفت: به ستارگان نگاه کنید که راهنمای ساکنان زمین هستند و زمستان و تابستان به کمک آنان شناخته می‌شوند. اگر آنان فروریزند همه موجودات نابود خواهند شد و اگر آنان هنوز استوارند و برخی ستارگان در حال سقوط می‌باشند، باید رخداد تازه‌ای در کار باشد.

ناگهان در صبح روز میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه بتان با صورت بر خاک افتادند. در شب میلاد حضرت رسول صلی الله علیه و آله طاق کسری ترک برداشت و چهارده کنگره آن فرو ریخت و دریاچه ساوه خشکید و دشت آن از آب پر شد و آتشکده فارس که صدها سال روشن بوده ناگاه به خاموشی گرایید. موبدان زرتشتی در رویا مشاهده کردند که شتران نیرومندی اسبان عربی را به دنبال کشیده و از رود دجله عبور کرده و در سرزمین فارس پراکنده شدند و بعد طاق کسری از میان شکست و دجله بر آن چیره شد.

حضرت، ابزار این کارهای شیطانی از دست این ها گرفته شد، مکتب آب پرستی از بین رفت و معبد آناهیتا هم بی طرفدار ماند. این نوع روایتی که الان عرض کردم روایت اسم پایه بود که به شرح درک مردمان گذشته از خداوند متعال می پردازد. پس الگوی روایت در بخش سفر و اردو بسیار مهم است. سه مبنا را در الگوی فقهی روایت پیشنهاد داده ایم: روایت های اسم پایه، روایت های شیء پایه و روایت های مبتنی بر تنظیم روابط انسانی. یا وقتی به کرمانشاه می روید، می توانید بناهای دوره قاجاریه را ببینید. در بعضی از این امکنه تاریخی نقاشی هایی وجود دارد که در واقع روایت تصوف^{۳۶} و درویشی است. یعنی کاملاً مشخص است که اهالی آن مکان با اینکه عزاداری

در آن شب ناگهان نوری از سرزمین حجاز بیرون زد و تا خاوران کشیده شد و بعد تخت شاهان سرنگون شد و شاهان از سخن گفتن بازماندند و دانش کاهنان ناپدید شد و سحر ساحران بی اثر گشت و زنان کاهن عرب از نزدیکی به همزادهای شیطانی شان بازداشته شدند و قریش در بین اعراب آل الله خوانده شد. امام صادق علیه السلام فرمود: به قریش از این رو آل الله گفته شد که آنان در خانه خدا بودند.

آمنه، مادر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که فرزندم به زمین افتاد، دست خود بر زمین نهاده بود و سر سوی آسمان بالا آورده و به آن خیره شد. ناگهان نوری از من پرتو افکند که همه جا را روشن نمود. و در آن روشنایی بود که صدایی به گوشم خورد: ای آمنه! تو سرور عرب را به دنیا آورده ای. او را محمد بخوان. آنگاه عبد المطلب آمد که او را ببیند. او سخن آمنه را شنیده بود و محمد صلی الله علیه و آله را در دامن گذاشت و گفت: خداوند را سپاس که این پسر را به من ارزانی داشت؛ پسری که اندام او خوش بوست و در گهواره اش سرآمد پسران است. او را به رکن های کعبه نزدیک ساخت و بعد اشعاری درباره او خواند.

آنگاه ابلیس در سپاه خود شیاطین را نعره زنان گردآورد و گفتند: ای سرور ما تو را چه چیز نگران کرده است؟ ابلیس گفت وای بر شما که از شب گذشته آسمان و زمین را به گونه ای دیگر می نگریم. در زمین رخداد شگفت انگیزی است که از دوران میلاد مسیح تا امروز نظیرش مشاهده نشده است. بی درنگ بروید و مرا از این رخداد باخبر کنید. شیطان ها به هرسو رفته و در بازگشت گفتند: که خبر تازه ای نبود. ابلیس گفت: باید خود برگردم و خبر بیاورم. آنگاه او در زمین تفرج کنان رفت تا اینکه به حریم مکه نزدیک شد. فرشتگان را دید که اطراف شهر مکه را گرفته اند. قصد ورود داشت که بر او فریاد زدند و او بازگشت. سپس مانند گنجشکی درآمد و از سوی غار حرا ظاهر شد که جبرئیل او را با صدای خود بازداشت و گفت: عقب برو ای طردشده. ابلیس گفت ای جبرئیل! می خواهم از تو چیزی جويا شوم. بگو از شب پیش تا این ساعت چه رخدادی در میان بوده است؟ جبرئیل فرمود: محمد صلی الله علیه و آله چشم به دنیا گشود. شیطان گفت: آیا مرا در او نصیبی خواهد بود؟ فرمود: نه. گفت: در امت او چطور؟ فرمود: آری. ابلیس گفت: خوشحال شدم.

مصدر: الأمالی (للصدوق) ج ۱ ص ۲۸۵ / کمال الدین ج ۱ ص ۱۹۱

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۳ ص ۳۳۴ / بحار الأنوار ج ۱۵ ص ۲۵۷ / بحار الأنوار ج ۱۵ ص ۲۵۷ / تفسیر نور الثقلین ج ۳ ص ۵ / تفسیر کنز الدقائق ج ۷ ص ۱۰۸ / إعلام الوری ج ۱ ص ۵۶ / کشف الغمّة ج ۱ ص ۲۰

^{۳۶}. ارجاع پرورشی: هر چند غالب صوفیان، سلسله خود را به یکی از امامان شیعه می رسانند، اما از میان مذاهب اسلامی، شیعیان (بخصوص امامیه) بیشترین انکار را نسبت به صوفیه داشته اند. در کتاب های حدیث شیعه نیز روایاتی از امامان علیهم السلام، در طعن و رد برخی آداب و اعمال صوفیه آمده است.

ابن بابویه (متوفی ۳۸۱) در کتاب اعتقادات در باره برخی صوفیان گفته است که اینان اصحاب اباحه و قائل به حلول و از جمله غلات اند. شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) حلاجیه را از جمله ملاحده و زنادیق دانسته و کتابی به نام الرد علی اصحاب الحلاج نوشته است. فقیه و متکلم نامور، محمد بن حسن طوسی (متوفی ۴۶۰)، نیز در کتاب الغیبة حلاج را در شمار مدعیان دروغین نیابت امام زمان بر شمرده است. ابومنصور احمد بن علی طبرسی (قرن ششم) در الاحتجاج و خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲) در قواعد العقائد، عقاید برخی صوفیان را در باره اتحاد، حلول، اسقاط تکلیف، سماع و رقص تخطئه کرده اند.

امام حسین علیه را هم انجام می دادند اما درکهای صوفیانه از خداوند متعال در ذهنشان رواج داشته است. این ها مدل‌های مختلف روایت بود اما هدف اصلی اردو رفتن و مسافرت بردن شادی آفرینی است. البته در آن فضای مفرح باید روایتهای تاریخی ذهن افراد را تغییر و روایتهای صحیح را احیاء کنید.

۱/۱/۲/۶. طرح افزایش عقل، طرح مواجهه با مس جن و طرح اجتهاد برای کودکان

ارتقای عقل، برنامه دیگری بود که توضیح دادیم. عرض کردیم امام جمعه و جماعت باید توانایی ارتقای عقل نمازگزاران خودشان را داشته باشند^{۳۷}. تدابیری را مطرح کردیم که در صورت توجه و عمل به آنها عقل انسان ها رشد پیدا می کند^{۳۸}.

علاوه بر اینها برنامه مواجهه با مس جن^{۳۹} و سحر را توضیح دادیم.

حیدر بن علی آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار، ج ۱، ص ۱۲۸، چاپ هانری کوربن و عثمان اسماعیل یحیی، تهران ۱۳۶۸ ش / کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۹۴۵ / محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۸، بیروت ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳ / عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، ج ۲، ص ۵۷ - ۵۸، چاپ سنگی نجف ۱۳۵۲-۱۳۵۵، چاپ افست بیروت (بی تا) / محمد معصوم بن زین العابدین معصوم علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۲۱۲، چاپ محمدجعفر محجوب، تهران ۱۳۱۸ / ابن بابویه، ترجمه اعتقادات ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۲۱، از محمدعلی بن محمد حسنی، تهران ۱۳۶۱ ش. / محمد بن محمد مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ج ۱، ص ۱۳۴، چاپ حسین درگاهی، قم ۱۳۷۱ ش / احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۳۳۰، چاپ محمدجواد نائینی، بیروت ۱۴۰۸ / ۱۹۸۸ / محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷، تهران ۱۳۹۸ / احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴، چاپ محمدباقر موسوی خراسان، بیروت ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱ / محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، قواعد العقائد، ج ۱، ص ۲۲، چاپ سنگی تهران ۱۳۰۳.

^{۳۷} ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيْمَنْ أَحَبُّ أَمَا إِنِّي إِنِّي أَتَاكَ أَمْرٌ وَ إِنِّي أَتَاكَ أَنْتَهُي وَ إِنِّي أَتَاكَ أَتَيْتُ. امام پنجم فرماید: چون خدا عقل را آفرید، او را به سخن در آورد و سنجید، گفتش پیش آی، پیش آمد و گفتش پس رو، پس رفت، خدا فرمود: به عزت و جلال خود سوگند، خلقی نیافریدم که از تو پیشم محبوب تر باشد، تو را به کسی دهم که دوستش دارم همانا روی امر و نهی من با تو است و کیفر و پاداشم به حساب تو است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۱۹۲ / الکافی ج ۱ ص ۱۰ / الأمالی (للمصدق) ج ۱ ص ۴۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۵۱ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۳۹ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۱۱۴ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۹۶ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۲۰۲

^{۳۸} ارجاع پرورشی: حال پرسش این است که چگونه باید این کار را کرد؟ راهکاری مختلفی برای این امر وجود دارد که همه را در الگوی تفصیل مورد بررسی قرار داده ایم. جزوه "الگوی تفصیل" را اگر بخوانید تدابیر افزایش عقل را در آنجا بررسی کرده ایم. مثلاً الگوی تغذیه یکی از آنهاست. باید غذاهای افزایش دهنده عقل را در جامعه ترویج دهیم. مثلاً حضرت می فرمایند: الخل یشد العقل، یشد القلب، سرکه خوری را در میان مردم گسترش بدهید. بویژه سرکه انگوری خانه ساز نه این سرکه های صنعتی کارخانه ای. امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمودند: از نظر ما سرکه مانند نمک است. نمک هفتاد و دو نوع بیماری را برطرف می کند. بنابراین سرکه هم هفتاد و دو نوع بیماری را برطرف می کند که در راس شان بیماری کم عقلی است. این مسئله بسیار مهم است. بنابراین در مسجدها جشنواره سرکه راه بیندازید. اصلاً یکی از کارهای امام جمعه راه اندازی جشنواره سرکه و نمک است.

حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه، خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

^{۳۹} ارجاع پژوهشی:

هشتمین و آخرین برنامه ای هم که توضیح دادیم مربوط به "اجتهاد برای کودکان"^{۴۰} بود. این برنامه ها تنها هشت مورد از چهل برنامه ای بود که در الگوی جدید خدمت مساجد وجود دارد. از برنامه هایی که متاسفانه در این دوره

ویژگی های جن از دیدگاه قرآن

- ۱- جن موجودی است که از شعله های آتش آفریده شده، برخلاف انسان که از خاک آفریده شده است.
 - ۲- دارای عقل، علم، درک و تشخیص حق از باطل و قدرت منطق و استدلال است.
 - ۳- دارای تکلیف و مسئولیت هستند.
 - ۴- طایفه جن نیز مرد و زن دارند.
 - ۵- گروهی از آن ها مؤمن صالح و گروهی کافرند.
 - ۶- دارای حشر و نشر و معادند.
 - ۷- آن ها در آسمان ها بوده و خبرگیری و استراق سمع داشتند و بعداً ممنوع شدند.
 - ۸- در میان آن ها افرادی یافت می شوند که از قدرت زیادی برخوردارند، همان گونه که در میان انسان ها نیز چنین است: مثلاً یکی از آن ها به سلیمان گفت: «من تخت ملکه سبا را پیش از آن که از جای برخیزی از سرزمین او به این جا می آورم!»
 - ۹- آن ها قدرت انجام بعضی کارهای مورد نیاز انسان را دارند: «گروهی از جن پیش روی سلیمان به اذن پروردگار کار می کردند، و برای او معبد ها، تمثال ها و ظروف بزرگ غذا تهیه می کردند.
 - ۱۰- خلقت آن ها در روی زمین قبل از خلقت انسان ها بوده است.
- روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «خداوند جن را پنج صنف آفریده است: صنفی مانند باد در هوا (ناپیدا هستند) و صنفی به صورت مار ها، و صنفی به صورت عقرب ها، و صنفی حشرات زمینند و صنفی از آن ها مانند انسانند که بر آن ها حساب و عقاب است.
- پس جن نیز مانند انسان موجودی است مادی و همانند انسان دارای روح است.
- پس به طور کلی دارای حیات هدفدار و معنادار می باشد که دارای ویژگی هایی است که حشر و نشر (معاد) را برای او لازم می گرداند.
- الرحمن /سوره ۵۵، آیه ۱۵ / آیات مختلف سوره جن / آیات سوره جن و الرحمن / جن /سوره ۷۲، آیه ۶ / جن /سوره ۷۲، آیه ۱۱ / جن /سوره ۷۲، آیه ۱۵ / جن /سوره ۷۲، آیه ۹ / نمل /سوره ۲۷، آیه ۳۹ / سبا /سوره ۳۴، آیات (۱۲۱۳) / حجر /سوره ۱۲، آیه ۲۷ / سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۸۶ / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۵۴ / معارف قرآن، استاد مصباح یزدی، قم، ص ۳۱۰ / تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۲، ص ۲۲۵.

قرآن کریم سوره ص آیه ۴۱: **وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ.**

به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خوانده که شیطان مرا مس کرده و به رنج و عذاب افکنده.

^{۴۰} . ارجاع پرورشی: قبل از شرح تدابیر باید این نکته را متذکر شوم که ما، هم در میان امامزادگان و هم در میان علمای شیعه مجموعه ای از افراد گرانقدر را داریم که اینها قبل از بلوغ مجتهد بوده اند، یا نزدیک سن بلوغ مثلاً ۱۷، ۱۶ سالگی به قوه اجتهاد دست پیدا کرده اند. پیداست در دوران کودکی و یا حتی قبل از آن در دوران حمل و انعقاد نطفه، مواظبتهایی صورت گرفته است که فرزند در سنین پایین به چنین قوه ای دست پیدا کرده است. بنابراین بعضی استبعاد نکنند که نمی شود. خیر ما از یک تجربه انجام شده در دوران گذشته سخن به میان آورده و قصد بازسازی آن را داریم. البته چون در دوران انقلاب اسلامی خانواده های متدین فراوانی وجود دارد، بنظر بیشتر هم می توانیم این را نمونه سازی کنیم. بنابراین از نظر ما نه تنها ممکن است بلکه در گذشته واقع هم شده.

حجه الاسلام علی کشوری. دوازدهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/5468>

نتوانستیم توضیح دهیم، برنامه امنیتی و نفی سبیلی^{۴۱} یک امام جمعه و جماعت است. نمی توان پذیرفت که امام جمعه و جماعت برنامه ای برای ارتقای امنیت یک شهر نداشته باشند. راه اندازی برنامه های سبق و رمایه^{۴۲} و

^{۴۱} . ارجاع پرورشی: فقه نفی سبیل چه می گوید؟!

یکی از مهمترین زیرساخت های هدایت و پیشرفت، تبیین صحیح مسئله امنیت و نفی سبیل است. نفی سبیل و سلطه دشمن، سپر و مدافع همه زیرساخت های دیگر پیشرفت است و نباید از آن غفلت کرد. در فقه موجود، قاعده ای تحت عنوان نفی سبیل وجود دارد؛ که مبنای بسیاری از فتوای نجات بخش فقهاء در برابر هجوم های نرم و سخت دول متخاصم است. در مدرسه فقهی هدایت با تجمیع همه مسائل مؤثر بر مسئله نفی سبیل، به تبویب باب فقهی نفی سبیل رسیده ایم. برخی از سرفصل های فقه نفی سبیل به شرح زیر است:

- ۱- مفهوم پایه امنیت و نفی سبیل در بیان شارع محترم (روابط انسانی در حوزه های ۱۳ گانه)
- ۲- ارتباط اوصاف قلبی با مفهوم پایه نفی سبیل در بیان شارع محترم (ایمان، کفر و نفاق)
- ۳- زیر ساخت های اصلی ایجاد وصف ایمان در قلوب در بیان شارع محترم
- ۴- زیرساخت های اصلی ایجاد وصف نفاق در قلوب در بیان شارع محترم
- ۵- زیرساخت های اصلی ایجاد وصف کفر در قلوب در بیان شارع محترم
- ۶- مفهوم امنیت مردم پایه و زیرساخت های نه گانه تحقق آن در بیان شارع محترم
- ۷- وضعیت امنیت مردم دنیا در آخرالزمان در بیان شارع محترم
- ۸- وضعیت امنیت مردم دنیا در دوران ظهور در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4/5956>

^{۴۲} . ارجاع پرورشی: در اصطلاح فقه، سبق و رمایه به عقد مسابقه، اسب سواری و تیراندازی به منظور آمادگی برای پیکار و جهاد با دشمنان اسلام گفته می شود. چنین مسابقه ای از نظر اسلام جایز است و همچنین در حدیث نبوی (صلی الله علیه وآله) آمده است: «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي نَضَلٍ أَوْ حَافِرٍ» («مسابقه جایز نیست، مگر در تیراندازی یا شتر دوانی یا اسب دوانی»).

البته منظور مسابقه ای است که در آن برد و باخت مطرح است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ» («به فرزندانان شما و تیر اندازی را بیاموزید»).

وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۶۱ / شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۲۳۵ / شرح لمعه، ج ۲، ص ۲۲ / ریاض المسائل، ج ۲، کتاب سبق و رمایه.

عَلِيٌّ؛ بِنُ إِتْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي حُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَضَلٍ يَغْنِي النَّضَالَ .
حَفْصٌ گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: جز در این سه مورد نمی توان مسابقه برگزار کرد: شتر سواری، اسب سواری، و تیراندازی.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۵۰

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۹۳

پرسش: آیا شرط بندی برای مسابقات اسب سواری حلال است یا حرام؟

پاسخ: شرط بندی فقط بین افراد شرکت کننده در مسابقه حلال است.

پرسش: شرط بندی حلال چیست ؟ و آیا می توانیم در ورزشهای رایج مثل فوتبال و یا امور دیگر شرط بندی نمود (البته با رضایت طرفین)؟

پاسخ: "شرط بندی حلال" فقط در تیراندازی و اسب دوانی و وسائل جنگی کنونی همچون تفنگ و هفت تیر می باشد و شامل دیگر بازیها نمی شود.

منبع: پاسخگویی به مسائل شرعی دفتر آیه الله سیستانی

<https://www.sistani.org/persian/qa/0949>

بعضی از اقدامات دیگر در همین راستا است. بنده این مسائل را به دلیل اهمیت پرسش چهارم که مهم ترین سؤال این دوره بحثی است، دوباره عرض کردم.

۲. پرسش پنجم دوره: ابزارهای ارتباطی مساجد تمدنی کدامند؟

۲/۱. پرسش دوم دوره به عنوان تعریف مسجد، پرسش سوم تصویر مسجد و پرسش چهارم دربردارنده تصمیمات مسجد

از اینجا به بعد می خواهیم وارد پرسش پنجم شویم. ما الان برای مسجد، هم مفاهیم پایه^{۴۳} داریم که همان حدود کبیر صلات^{۴۴} بودند. هم ساختار خدمات قابل ارائه برای مردم را بحث می کنیم که تصویر مسجد است و شامل نه

^{۴۳} ارجاع پژوهشی: در جلسه گذشته عرض کردیم: اصطلاح مفاهیم پایه یک اصطلاح ترجمه‌ای و فارسی است. معادلش در ادبیات شارع این است که ببینیم حد و حدود صلات چیست؟ حد و حدود مسجد چیست؟ بنابراین با توجه به روایات "لکل شی حد ینتهی الیه"، به این رهنمون می شویم که همه چیز مفهوم پایه دارد؛ یعنی همه چیز حد دارد و می‌توانید وقتی در مورد آن صحبت می کنید همین پرسش را تکرار کنید.

حجه الاسلام کشوری. پنجمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/5768>

ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَسَدِيِّ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلِيٍّ السَّلَامُ جَالِسًا أَتَاهُ أَخُوهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ يَسْتَأْذِنُ لِعَمْرٍو بْنِ عُبَيْدٍ وَبَشِيرِ الرَّحَالِ وَوَاصِلٍ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَجَلَسُوا فَقَالُوا يَا بَا جَعْفَرٍ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَقَالَ نَعَمْ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ قَالَ فَدَعَا بِالْمَاءِ فَأَتِيَهُ بِكُوزٍ فَقَالُوا يَا بَا جَعْفَرٍ هَذَا الْكُوزُ مِنْ شَيْءٍ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالُوا مَا حَدُّهُ قَالَ إِذَا شَرِبَهُ الرَّجُلُ تَنَفَّسَ عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَنْفَاسٍ كُلَّمَا تَنَفَّسَ حَمِدَ اللَّهَ وَ لَا يُشْرَبُ مِنْ أَدْنِ الْكُوزِ وَ لَا مِنْ كُسْرِهِ إِنْ كَانَ فِيهِ فَإِنَّهُ مَشْرَبُ الشَّيْطَانِ ثُمَّ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانِي مَاءً عَذْبًا فَرَاتًا بِرَحْمَتِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْهُ مِلْحًا أَوْ جَابًا يَدُنُوبِي.

از امام باقر علیه السلام: هیچ چیزی نیست مگر اینکه حدی دارد که به آن منتهی می شود.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۵۷۷

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۴۶۸ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۵۷

^{۴۴} ارجاع پژوهشی: . ارجاع پژوهشی: عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ حَدٌّ.

از امام صادق علیه السلام: نماز چهار هزار حد دارد.

شکل خدمت^{۴۵}. این هم یک سرفصل بود که باید برای تصویر سازی از مسجد دائماً برنامه ریزی داشته باشیم. نباید اجازه بدهیم که دیگران تصویر نادرستی از مسجد ارائه بدهند. در واقع با پرسش سوم تصویرهای غلط و نادرست مردم از مسجد را در اذهان پاک می کنیم. به جز این تصاویر^{۴۶} که اینجاست که اینجاست، موضوع روایات " مَنْ أَدَمَّنَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسَاجِدِ " هم تبیین فواید مسجد است. روایتی از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۹۵ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۲ / الخصال ج ۲ ص ۶۳۸ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۵
دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۸۲۷ / بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۳۰۳

عَنْ كِتَابِ الْعَلَلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ: سَبْعَةُ الْوُضُوءِ وَالْوُفْتُ وَالْقِبْلَةُ وَتَكْبِيرَةُ الْإِفْتِتَاحِ وَالزُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُعَاءُ.

از امام صادق علیه السلام درباره ی کبار حدود نماز پرسیدم حضرت فرمودند: هفت حد است: وضو وقت قبله تکبیره الافتتاح رکوع سجده و دعا.
مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۱۶۷ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۳

^{۴۵}. ارجاع پرورشی: حال با توجه به این مفاهیم پایه، یک مسجد باید چند نوع خدمت ارائه بدهد؟ در این قسمت بحث را جمع بندی شده مطرح می کنیم. بر مبنای مراجعات و تتبعات خودمان در آیات و روایات می گوئیم: یک مسجد باید سه نوع خدمت ارائه بدهد. ممکن است پرسید منشا این عدد چیست و از کجا آمده است؟ مثلاً چرا ده نوع خدمت نباشد؟ قبل از ورود به این مناقشه و پاسخگویی به این اشکال باید عرض کنم که خدمات^{۴۶} که ما به دست آورده ایم به این ترتیب است: ۱. خدمات مربوط به مدیریت و امامت. ۲. خدمات مربوط به پاکسازی و تزکیه. ۳. خدمات مربوط به علم و آموزش. ۴. خدمات مربوط به مکاسب و مسائل اقتصادی. ۵. خدمات مربوط به فرقان و شاخصه های ارزیابی. ۶. خدمات مربوط به بیان و تبلیغات. ۷. خدمات مربوط به نظم، قانون و نظام بخشی به جامعه. ۸. خدمات مربوط به عبرت و میراث فرهنگی و نهایتاً ۹. خدمات مربوط به نفی سبیل و امنیت. بنابراین پاسخ پرسش دوم به صورت خلاصه همین^{۴۷} است.

حجت الاسلام کشوری. هفتمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم
برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/6036>

^{۴۶}. ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ عُمَارَةَ الْحَافِظُ فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مَرْوَانَ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مَأْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَدَمَّنَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرًّا أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ أُخْرَى تَصْرِفُهُ عَنِ الْوَدَى أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ تَرَكَ الْدَنْبَ حَيَاءً أَوْ حَشِيَةً.

عمیر بن مأمون می گوید: از امام حسن مجتبی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: هر کس به رفت و آمد به مساجد مداومت داشته باشد به یکی از هشت چیز می رسد: برادری از جانب خداوند یا دانشی جدید و یا سخنی که او را به سوی هدایت دلالت کند و یا سخن دیگری که او را از بدی باز دارد و یا رحمتی که انتظار او را دارد و یا ترک گناه از جهت حیا و یا ترس خدا.

مصدر: الخصال ج ۲ ص ۴۱۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۲ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۹

شده است که آنچه در کتاب "قرب الإسناد"^{۴۷} آمده سند خوبی دارد. همین طور در کتاب خصال هم آمده است. لذا می توان در پاسخ به سؤال سوم، همین روایات "من أدمن الإختلاف إلى المساجد" را هم آورد.

در چهارمین پرسش هم برنامه های مسجد را بحث کردیم. در واقع ساختار ارائه بحثها در قالب سه گانه "تعریف، تصویر و تصمیم" شد. یعنی همان روند "بیان مبتنی بر مکث" بر چینش روایات ما حاکم است. یعنی شما ابتدا بحث تان را تعریف می کنید، بعد تصویر را بر آن تعریف بار می کنید و در نهایت تصمیم ها را برای محقق کردن آن

وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَنْ اِخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ إِصَابَ إِخْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ يَبْزُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً» .

امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود: هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز بطرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد، یا طرفه دانشی که از زبده های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حق او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف حق که در انتظار او بوده، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله ای که او را براه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترك نماید، و یا آنکه از سر شرم و حیا گناهی را ترك کند. (این فوائد همه در رفتن بمسجد است).

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۳۷ / نواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۷ / الخصال ج ۲ ص ۴۰۹ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۳۸۹ / تهذیب الأحكام ج ۳ ص ۲۴۸ / الأملی (للطوسی) ج ۱ ص ۴۳۲
دیگر منابع: فلاح السائل ج ۱ ص ۹۰ / عوالي اللئالی ج ۱ ص ۴۰۷ / المصباح (للكفعمی) ج ۱ ص ۱۳ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۱۹۷ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۳۵۱ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۷

^{۴۷} . ارجاع پرورشی: کتاب قرب الإسناد ابو العباس عبد الله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری قمی، از یاران امام حسن عسگری علیه السلام و از فقها و روایت بزرگ شیعه در قرن سوم هجری می باشد.

عبد الله بن جعفر از مقام و منزلت والایی در میان علما و فقهای بزرگ شیعه برخوردار است و شخصیت هایی همچون شیخ صدوق در مشیخه «الفقیه» و نجاشی در «رجال» و مجلسی دوم در «روضه المتقین» و مامقانی در «تقیح المقال» و علیاری در «بهجة الآمال» فقاقت و وثاقت و وجاهت او را در میان مشایخ روایی شهر قم مطرح نموده اند. وی از مشایخ بزرگ محمد بن یعقوب کلینی به شمار می آید و کلینی در کتاب «کافی» بسیار بر او استناد نموده و از او روایت نقل کرده است.

روایات حمیری از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است و مشایخ بزرگ شیعه در مجموعه های روایی خود پیوسته به آنها استناد می کنند، مانند کلینی در «کافی»، شیخ صدوق در «فقیه» و «خصال»، شیخ طوسی در «تهذیب»، شیخ طبرسی در «مکارم الأخلاق»، علامه مجلسی در «بحار الأنوار» و شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعة». علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب ارزشمند خود، «الذریعة إلى تصانیف الشیعة» درباره ارزش این کتاب می فرماید: این کتاب در نزد قدمای فقهای شیعه بسیار ارزشمند و گران قدر به شمار می آمد و لذا از شهرهای دور برای شنیدن و یا دیدن آن بار سفر می بستند و رنج سفر را بر خود هموار می کردند و چشمانشان با دیدن این کتاب روشن می گشت و به همین جهت این کتاب را به عنوان کتابی مستقل به رشته تحریر در می آوردند.

مؤلف این کتاب شیخ بزرگ قم، ابو العباس عبد الله بن جعفر حمیری می باشد. وی در این کتاب روایات هر امامی را مستقلا در يك بخش آورده، مانند: «قرب الإسناد إلى الصادق علیه السلام» و «قرب الإسناد إلى الرضا علیه السلام».

از دیگر نکات با ارزش این کتاب آن است که مؤلف سؤالات علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیه السلام را نیز در کتاب خود آورده و بدین ترتیب بر اعتبار کتاب علی بن جعفر افزوده است.

نرم افزار جامع فقه أهل البيت عليهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

تصویرها و فواید ارائه می دهید. در جلسه گذشته درباره ی "جن" همین کار را کردیم. همان اول وارد تصمیم ها نشدیم و نگفتیم اگر گرفتار مس جن و سحر شدید این مجموعه کارها را انجام دهید، عملگرایانه وارد کار نشدیم. ابتدا با استناد به بعضی از آیات و روایات تلاش کردیم تا درک از جن را ارتقاء دهیم^{۴۸}. این مدلی که است که در تمام بحثها داریم و بنده اصرار دارم که منهج استنباطی مان در دسترس باشد تا بشود آن را نقد و تکمیل کرد. به هرحال

^{۴۸} ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مَيْسَرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَيِّئَانِ يُفْسِدُ النَّاسَ بِهِمَا صَلَاتَهُمْ قَوْلُ الرَّجُلِ تَبَارَكَ إِسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ قَالَتْهُ الْجِنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُمْ وَ قَوْلُ الرَّجُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

ابو جعفر باقر (ع) گفت: دو جمله متداول شده است که مردم با خواندن آن دو جمله در تشهد، نماز خود را باطل می کنند. در جمله اول می گویند: «نامت جاویدان باد و بخت بلند. خدایی جز تو نیست». این خطابه، گفته جهالت آمیز جنیان است که خداوند از زبان آنان حکایت کرده است. در جمله دوم می گویند: «درود خدا بر ما نمازگزاران باد و بر بندگان صالح و شایسته اش

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۵۰ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۳۱۶

دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۷۷۲ / وسائل الشیعة ج ۶ ص ۴۰۹ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۲۸۶ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۳۲۰

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْجِنِّ فَصَنَعُوا لَهُ قُبَّةً مِنْ قَوَارِيرٍ فَبَيْنَمَا هُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى عَصَاهُ فِي الْقُبَّةِ يَنْظُرُ إِلَى الْجِنِّ كَيْفَ يَعْمَلُونَ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ إِذْ حَانَتْ مِنْهُ الْبِفَاتَةُ فَأِذَا رَجُلٌ مَعَهُ فِي الْقُبَّةِ قَالَ مَنْ أَنْتَ قَالَ أَنَا الَّذِي لَا أَقْبَلُ الرَّشَا وَ لَا أَهَابُ الْمُلُوكَ أَنَا مَلِكُ الْمَوْتِ فَقَبِضْهُ وَ هُوَ قَائِمٌ مُتَكِيٌّ عَلَى عَصَاهُ فِي الْقُبَّةِ وَ الْجِنُّ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ قَالَ فَمَكَّنُوا سَنَةً يَدَّابُونَ لَهُ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَرْضَةَ فَأَكَلَتْ مِسَاتَهُ وَ هِيَ الْعَصَا فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتْ الْجِنُّ أَنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْجِنَّ يَشْكُرُونَ الْأَرْضَةَ مَا صَنَعَتْ بِعَصَاةِ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا تَكَادُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا مَاءٌ وَ طِينٌ.

پدرم رضی الله عنه می فرماید: علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از ابن ابی عمیر، از ابن ابان از ابو بصیر، از حضرت ابو جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: حضرت سلیمان بن داود علیه السلام دیوان را امر فرمود تا سرپرده ای از بلور برایش بسازند، در حالی که آنها سرگرم ساختن آن بودند حضرت در سرپرده بر عصای خود تکیه داده و به آنها می نگریست که چگونه آن را می سازند و دیوان نیز هنگامی که توجه سلیمان به آنها کم می شد او را نگاه می کردند، باری ناگهان مردی در قبه ظاهر گردید، سلیمان فرمود: کیستی؟ آن مرد گفت: من کسی هستم که رشوه از کسی نمی پذیرم و از ملوک و سلاطین ترس و وحشتی ندارم، من ملک الموت هستم پس بدون درنگ در حالی که سلیمان ایستاده و بر عصایش تکیه داشت و دیوان او را می نگریستند روحش را قبض کرد. امام علیه السلام فرمودند: دیوان يك سال درنگ نموده و در طول این مدت برای او زحمت کشیده و خود را به تعب انداختند تا وقتی که حق عز و جل موربانه را فرستاد و آن حیوان عصای سلیمان را خورد و هنگامی که سلیمان افتاد دیوان از مرگ او آگاه شده و معلوم گشت که اگر از اسرار غیب مطلع می بودند در ذلت باقی نمی ماندند. حضرت ابو جعفر علیه السلام در پایان فرمودند: دیوان از کار موربانه تشکر نمودند فلذا در هر کجا که موربانه دیده شود حتما آب و گل نیز آنجا می باشد.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۷۴ / تفسیر القمی ج ۱ ص ۵۴

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۵۱۱ / بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۱۳۷ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۳۲۵

یک چنین اخباری گرایانه^{۴۹} نیست بلکه تلاش کردیم تا این جمع دلالتی^{۵۰} ذیل قاعده ممهده بیان مبتنی بر مُکث باشد^{۵۱}. بنابراین اساس بحث ما همان پرسش دو، سه و چهار است. در واقع ذیل این سه پرسش، ارتقای درک از

^{۴۹}. ارجاع پرورشی: اخباریان گروهی از فقیهان امامی که اخبار و احادیث امامان شیعه را تنها منبع فقه و تنها مبنای استنباط احکام شرعی می‌دانند. این گروه که از قرن ۱۱ قمری به بعد ظهور کردند، به کارگیری روش‌های اجتهادی و دانش اصول فقه را روا نمی‌شمارند. در مقابل آنان، فقیهان اصولی، روش‌های اجتهادی و اصول فقه را در استنباط احکام فقهی لازم می‌دانند.

تقابل میان اخباریان و اصولیان امامی، پیش از قرن یازدهم قمری نیز به صورت غیررسمی و نه چندان آشکار وجود داشت؛ اما در این قرن تقابل شدت گرفت و دو اصطلاح اخباری و اصولی رواج یافت و این دو گروه به صورت آشکار و رسمی در مقابل یکدیگر برخاستند.

محمد امین استرآبادی، عبدالله بن صالح سماهیجی و میرزا محمد اخباری، از اخباریون تندرو و شیخ یوسف بحرانی، سید نعمت الله جزایری، ملا محسن فیض کاشانی، محمد تقی مجلسی، محمد طاهر قمی و شیخ حر عاملی از میانه‌روان این مسلک‌اند. در مقابل اینان اصولیانی چون وحید بهبهانی، شیخ انصاری و شیخ جعفر کاشف الغطا قرار می‌گیرند.

اختلافات عمده اخباریان و اصولیان در مسائلی چون حرمت و جواز اجتهاد، انحصار ادله به کتاب و سنت، منع از تحصیل ظن، شیوه تقسیم‌بندی احادیث، جواز تقلید از غیر معصوم، اخذ به ظواهر کتاب، حسن و قبح عقلی، اجرای اصالة البرائة در برخی موارد، حرمت کاربرد برخی از انواع قیاس، صحیح دانستن تمامی احادیث کتب اربعه و ... است.

صدر، دروس فی علم الأصول، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۴-۵۵ / مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ۱۳۷۸ش، ص ۳۴ / سید مرتضی، «رساله فی الرد علی اصحاب العدد»، ۱۴۰۵ق، ص ۱۸ / قیصری، اخباریان، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ش، ج ۷، ص ۱۶۲ / استرآبادی، الفوائد المدنیه، ج ۲؛ نیز خوانساری، روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۰

^{۵۰}. ارجاع پرورشی: جمع بین دو دلیل به ظاهر متعارض بر اساس قواعد عرفی را جمع عرفی می‌گویند. به جمع عرفی، توفیق دلالتی، توفیق عرفی، توفیق عرفی مقبول، جمع دلالتی، جمع دلالتی، جمع عرفی عقلایی، جمع عرفی مقبول، جمع عقلایی و جمع مقبول نیز گفته می‌شود. از این عنوان در اصول فقه، بحث تعادل و تراجیح سخن رفته است.

بنابر آنچه معروف میان اصولیان است، در تعارض بین دو دلیل به مقتضای قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» مرجع قواعد جمع عرفی است و در صورت عدم امکان جمع عرفی بین آن دو، به قواعد باب تعارض رجوع می‌گردد. از موارد جمع عرفی تقدیم نص بر ظاهر یا اظهر بر ظاهر است. همچنین تقدیم خاص بر عام و مطلق بر مقید. یا مثلاً در جایی که یکی از دو دلیل و یا هر دو دارای قدر متیقن باشد، که در این صورت، هر کدام بر قدر متیقن آن حمل گردیده و از این طریق، تعارض رفع می‌شود. منظور از قدر متیقن، قدر متیقن خارجی است، نه قدر متیقن در مقام تخاطب، مانند آن که دلیلی می‌گوید: «ثمن العذرة سحت» و دلیل دیگر می‌گوید: «لا باس ببيع العذرة». دلیل اول که بر حرمت بیع عذره (کود حیوانی) دلالت دارد، اطلاق داشته و عذره انسانی و غیر انسانی از حیوان حلال گوشت و غیر آن را شامل می‌شود، و دلیل دوم که بر جواز بیع عذره دلالت می‌کند نیز اطلاق دارد. قدر متیقن از دلیل اول، عذره انسان و قدر متیقن از دلیل دوم، عذره حیوانات حلال گوشت است و با حمل هر کدام از آنها بر قدر متیقن، تنافی مدلولی آن دو مرتفع می‌گردد.

المحکم فی اصول الفقه، حکیم، محمد سعید، ج ۶، ص ۷۳ / اصول الفقه، مظفر، محمدرضا، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۷ / فوائد الاصول، نائینی، محمدحسین، ج ۴، ص ۷۲۶-۷۲۸ / خوئی، اجود التقریرات، سید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۵۱۲ / بحوث فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص ۲۴ / دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص ۵۴۶ / کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۴۴۹

^{۵۱}. ارجاع پرورشی: بیان مبتنی بر مُکث

قاعده اصولی بیان مبتنی بر مُکث، جواب شارع به سؤالات مردم را طبقه بندی و به صورت اولیه تبویب می‌کند. شارع محترم چون پاسخ‌های ذو ابعاد به سؤالات می‌دهد؛ قرائت و بیانش "مُکث پایه" است. مراحل "قرائت مُکث پایه" شارع محترم، شامل: بیان نکات تعریفی مرتبط با یک امر و بیان نکات تصویری مرتبط با یک امر (فوائد مرتبط) و بیان تصمیمات مرتبط با یک امر (احکام مرتبط) می‌شود.

معاونت آموزش مدرسه هدایت - ۱۰ دی ۱۴۰۲ - قم

مسجد اتفاق افتاده است. فهمیدیم که مسجد دارای مفاهیم پایه است، دارای فواید و نعمات نه گانه است و چهل اقدام کاربردی هم دارد. پس به وعده ی ارتقای درکی که در ابتدای دوره دادیم عمل کردیم. البته واضح است که در صورت وجود وقت بیشتر برای بحث یا اینکه طلبه دقیق تری به طرح موضوع بپردازد، می توان ارتقای درک بیشتری هم ایجاد کرد. اما فی الجمله ما هم تلاش کردیم که درک دیگری از مسجد با این سه پرسش ارائه دهیم.

۲/۲. چرخه چهار بخشی تحریک فکر: ابزار ارتباطی امام جمعه و جماعت با اهالی محله

حال در پنجمین سؤال می خواهیم به این بپردازیم که برای انتقال این درک ارتقاء یافته به دیگران باید چه کنیم؟ چه ابزارهایی در اختیار داریم؟ در واقع این پرسش مربوط به برنامه ریزی برای انتقال درک پیشرفته امام جمعه و جماعت به قلب نمازگزاران و دیگر مردم است. استفاده از رسانه، مهم ترین پاسخ در دنیای معاصر به این پرسش است. ولی ما برای پاسخ خدمت رسول الله صلوات الله علیه رسیده ایم و نخواسته ایم از سازمان ملل و دیگران جواب بگیریم. در واقع اگر پیامبر سلام الله علیه باشند، درک را چگونه منتقل خواهند کرد؟ ما بر اساس دو دسته روایات مربوط به "نشر علم"^{۵۲} و "دعوت" به این پرسش پاسخ داده ایم. در واقع فرض این است که سؤال دو، سه و چهار علم ماست و به دنبال نشر آن هستیم. جدای از این، مجموعه روایاتی به محوریت مسئله "دعوت" هم داریم: **كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ**^{۵۳}. نتیجه اینکه دعوت و نشر در مباحث ما چهار مصداق پیدا کرده است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در بیمارستان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

^{۵۲}. ارجاع پژوهشی: **وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةً وَ زَكَاةَ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلَّمَهُ أَهْلُهُ.**

هر چیزی را زکاتیت و زکاة دانش اینست که آن را باهلهش بیاموزند.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۳۶۴

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۳۹ / عدة الداعي ج ۱ ص ۷۲ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۵

^{۵۳}. ارجاع پژوهشی: **عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ.**

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را بغیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکو کاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند.

مصدر: الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری) ج ۱ ص / الكافي ج ۲ ص ۱۰۵

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۴۶ / مجموعة ورام ج ۱ ص ۱۲ / الوافي ج ۴ ص ۴۳۱ / بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۳۰۹

۲/۲/۱. مدیریت خبر: اولین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر

۲/۲/۱/۱. خبر رساندن به افراد "اهل"، ارسال پیامک، اهدای رایگان کتاب و سفره انداختن به عنوان چهار نوع خبر رسانی

۲/۲/۱/۲. لحاظ کردن قید "اهلیت" به عنوان اصلی ترین تفاوت مدیریت خبر با کار رسانه ای

یک: خبر کار خودتان را به افراد اهل برسانید. پس اولین کار امام جمعه یا امام جماعت محل، مدیریت خبر برای اهل می شود. قید اهل هم بسیار مهم است. مدیریت خبر برای "اهل"، نه برای همه مردم مانند آنچه که در رسانه اتفاق می افتد. البته مدیریت خبر در سطح عمومی هم برای جلوگیری از شایعات داریم، اما اساس بحث همان مدیریت و رساندن خبر به اهل است. بنابراین گروهی که با قرآینی تشخیص می دهید اهل علم پیامبر و نصرت ایشان هستند را انتخاب کنید و اخبار کارها و برنامه هایتان را به آنها برسانید. این خبر هم می تواند انواع مختلفی داشته باشد. مثلاً می توانید بگویید: فلانی ما هر روز جلسه مباحثه داریم شما هم تشریف بیاورید. او هم که اهل درایه در روایات و این چنین جلساتی است به شما ملحق می شود. یا می توانید یک کتاب را برای فرد بفرستید یا به او معرفی کنید. در همین راستا می توانید مطلب و یادداشتی را برای افراد "اهل" ارسال کنید. یا می توانید از ابزارهای پیشرفته انتقال خبر مانند سفره انداختن و مهمانی دادن هم استفاده کنید^{۵۴}. همانطور که می دانید خیلی کار مهمی است که دیگران را دعوت کنید^{۵۵}.

^{۵۴}. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ أَطْعَمَ عَشْرَةَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ.

از اما صادق علیه السلام: هر کسی که ده نفر از مؤمنین را غذا دهد خداوند بهشت را بر او واجب می کند.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۳۹۵

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۲۶۳ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۳۶۷

^{۵۵}. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْغَفَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْهِنِيِّ [عَلِيٍّ الْأَهْبِيِّ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتٍ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ الْفُرْدُوسِ وَ جَنَّةِ عَدْنٍ وَ طُوبَى وَ هِيَ شَجَرَةٌ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي بِيَدِهِ.

-علی بن ابی علی لهبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسی که سه مؤمن را اطعام کند، خداوند او را از (نعمتهای این) سه بهشت اطعام خواهد کرد: فردوس، و بهشت عدن، و طوبی که درختی است که پروردگار من آن را با دست خود کاشته است.

مصدر: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۱۳۶

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۳۲۴ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۲۵۷ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۳۸۵

در روایات دیده ام که مثلاً امام علیه السلام مرکب شخصی شان برای یکی از صحابه فرستادند تا آن فرد با مرکب امام علیه السلام به مهمانی ایشان بیایند. داستان از این قرار بوده که یکی از صحابه خدمت امام رضا علیه السلام رفته اند و درخواست ملاقات کرده اند. بعد امام مرکب خودشان را فرستاده اند و ایشان با مرکب امام علیه السلام تشریف آورده اند و در منزل امام پذیرایی هم شده اند. جدای از این به ایشان فرموده اند الآن دیر وقت است و صلاح نیست که بروید و می توانید در منزل ما بمانید. در روایت می فرماید امام علیه السلام رخت خواب خودشان را برای این صحابی آوردند. آنوقت در این فضا امام علیه السلام مطلبی را هم به ایشان فرمودند^{۵۶}. بستگی به این دارد که شما برای طرف مقابلتان چقدر ارزش قائل هستید. گاهی اوقات هرجایی که فرد را ببینید به او می گوید اما بعضی وقتها هم به دلیل اهمیت خبر، در چنین فضاهایی و با چنین اقداماتی به اطلاع فرد می رسانید. بنابراین بخش عمده مدیریت خبر، اطلاع رسانی به انسان های اهل است.

^{۵۶}. ارجاع پژوهشی: بی تردید یکی از بهترین یاران امام هشتم (ع) ابوجعفر احمد بن محمد ابی نصر، معروف به بزنی، است. او که تا سال ۲۲۱ ق زنده بوده، افتخار شاگردی سه امام را داشته است: امام کاظم، امام رضا و امام جواد (ع). اما شاید همراهی وی با امام هشتم بسیار چشمگیر بوده که در برخی روایات از وی با عنوان «صاحب الرضا» یاد شده است.

وی روایات متعددی را از امام هشتم (ع) گزارش کرده است. او دانشمندی فقیه و محدث و مؤلف و همواره مورد تأیید اهل بیت بوده است. بزنی در نزدیکی کوفه در منطقه ای به نام قادسیه زندگی می کرده است. بیشتر ساکنان کوفه ایرانی بودند و بزنی نیز اصالتاً ایرانی بوده است. امام [احتمالاً در جریان سفرش به خراسان] مدتی را در قادسیه ساکن می شوند. بزنی در این مدت تهیه مسکن در کاروانسرا و همچنین اقامت مورد نیاز ایشان را عهده دار می شوند. امام نیز علاوه بر پرداخت هزینه های انجام شده هدایایی را برای بزنی ارسال می کنند که از جمله آنها یک جلد کلام الله مجید بوده است. از مهمترین کارهای این فقیه و راوی بزرگ شیعه آن است که در مقابل انحرافات منحرفین از خط امامت - یعنی واقفیه - ایستادگی کرد. او اگرچه خودش نیز در ابتدا در امامت امام هشتم (ع) قدری تردید داشت، اما وقتی نامه امام را دریافت کرد، در کمال ناباوری مشاهده کرد امام سه سؤال تفسیری وی را که تنها در ذهنش بوده پاسخ داده است.

احمد بن محمد بزنی می گوید یک بار که به مدینه رفته بودم، در ابتدای شب خادم امام به اقامتگاه من آمد و گفت: امام این مرکب را فرستاده و می خواهد تو را ببیند.

بزنی افتخار می یابد تا پاسی از شب میهمان امام باشد. او آخر شب امام می فرماید: فکر نمی کنم در این موقع بتوانی به مدینه بازگردی، امشب را نزد ما بمان و صبح به یاری خدای - عزّ و جلّ - حرکت کن. آنگاه امام کنیز خود را صدا می زنند و به او می گویند: بستر خواب مرا برای وی بگستران، و ملحفه مرا که در زیر آن می خوابم بر آن بستر بیفکن، و مخدّه و بالش مرا زیر سر او بگذار.

بزنی که از این همه موهبت و لطف امام بهت زده می شود، اندکی به خود مغرور می شود. او می گوید: در ذهن خود گفتم: کیست که این مقدار مقام و منزلت که اکنون نصیب من گشته او را نصیب شده باشد؟! خداوند در نزدش مقامی به من عطا فرمود که به احدی از اصحاب ما عطا نکرده است: امام مرکب خود را فرستاد تا سوار شدم، فراش خود را گسترده تا در لحاف و بالش او شب را به روز آوردم، و احدی از اصحاب ما را نصیبی این چنین نشده است. نشسته بودم و این خیالات را در دل می گذراندم و آن بزرگوار در کنار من بود که ناگهان رو به من فرمود: ای احمد! امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) از صعصعه عیادت کرد و به او گوشزد کرد که این عیادت را سبب فخر و مباهات خود بر خویشانشان نگیر و تواضع پیشه کن تا خداوند مقام تو را بلند کند.

مصدر: عیون اخبار الرضا (ع) (ترجمه) ج ۲، ص ۵۱۴ ح ۱۹

دیگر منابع: وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۱۱۱.

۲/۲/۱/۳. چهار ویژگی اصلی افراد "اهل"

چقدر خوب می شد اگر زمان داشتیم و روایاتی که معنای "اهل" را توضیح داده اند می خواندیم. مثلاً یکی از معیارها برای تشخیص اهل، آیات و روایات "معیت" است. *أَعُوذُ بِاللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ*.^{۵۷} دو ویژگی مهم را بیان می فرماید: نسبت به کفار شدید هستند و اینکه دائماً به دنبال راه حل هایی می گردند تا بتوانند "بینهم" را _ یعنی همان تنظیم روابط انسانی _ در وضعیت رحمت قرار دهند. یکی دیگر از استظهارات محوریت داشتن "تنظیم روابط انسانی"^{۵۸} همین آیه شریفه است. اگر دیدید انسانی این ویژگی ها را دارد، یعنی وقتی فهمید که شما روبروی سازمان ملل هستید، خود را در وضعیت ایثار نسبت به شما قرار می دهد. می گوید مهم ترین مصداق کفر در عصر حاضر همین سازمان ملل است. اما عده ای هم هستند که می گویند: سازمان ملل چه ربطی به ما دارد؟ باید خود شما شدت دشمنی افراد نسبت به کفر را بسنجید، چون قید اول "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ" است. لذا قرآن به ما می فرماید که اگر "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ" نبودید، اگر حاضر به هزینه دادن نبودید^{۵۹} _ از مهم ترین مصادیق آن هم اختصاص دادن زمان و وقت برای جبهه درگیری است که قاعدتا زندگی

^{۵۷} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره فتح آیه ۲۹: *مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوَارِثِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَآءُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا*.

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات است، و توصیف آنها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته، تا محکم شده، و بر پای خود ایستاده است، و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد، خداوند کسانی از آنها را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

^{۵۸} ارجاع پژوهشی: *أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ وَ أُجْرِي فِي صُورِهِمْ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ فَلِذَلِكَ هُمْ إِخْوَةٌ لِأَبٍ وَ أُمٍّ .*

امام باقر علیه السلام می فرمود: مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است، زیرا خدای عز و جل مؤمنین را از سرشت بهشتی آفرید و از نسیم بهشت در بیکرشان دمید، از این جهت مؤمنین برادر پدر و مادری یک دیگرند.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۶۶

دیگر منابع: الوافی ج ۵ ص ۵۵۲ / تفسیر الصافی ج ۵ ص ۵۱ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۲۷۱

^{۵۹} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۸۷: *رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ*. آنان راضی شده اند که با خانه نشینان باشند!! بر دل هایشان مهر تیره بختی زده شده پس [به همین سبب] آنان [منافع جهاد در راه خدا و بهره های آخرتی آن را] نمی فهمند.

عادی و خانوادگی افراد را به هم می ریزد_ اصلا کارتتان به "رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ" نمی رسد. چون یکی از حکمت های تقدم و تأخرهای شارع این است که احتمالا وزن امر مقدم بیشتر است. ویژگی های دیگری هم برای تشخیص "اهل" داریم. مثلا می فرماید: جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ^{۶۰}. انسان اهل همیشه دست در جیب خود دارد و برای جبهه خرج می کند. از مصادق بارز جهاد با نفس هم این است که فرد برای یک کار و یک هدف آبرو می گذارد. اوج جهاد با نفس هم شهادت^{۶۱} است. بنابراین اهلیت بسیار مهم است و نگران این نباشید که انسان های اهل کم هستند: یکی مرد جنگی به از صد هزار. نگران عده و عده نباشید. پنج نفر رفیق واقعی که باشید سازمان ملل را فتح می کنید^{۶۲}. اما پنج رفیقی که واقعا اهلیت داشته باشند و حاضر باشند هزینه بدهند. "بِأَيِّ أَنْتُمْ وَ أُمَّي، وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ

قرآن کریم سوره توبه آیه ۲۴: قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانتان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کساد می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند.

^{۶۰} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۸۸: لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات [دنيا و آخرت] برای آنان است و اینانند که رستگارند.

^{۶۱} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ.

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از بی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می شوند] شادی می کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند [شهیدان] به نعمت و فضلی از سوی خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی کند، شادمان و مسرورند.

^{۶۲} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۴۹: فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ.

پس زمانی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن از شهر] بیرون رفت، گفت: بی تردید خدا شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می کند؛ پس هر که [به هنگام تشنگی] از آن [سیر] بنوشد، از من نیست و هر که از آن نخورد، از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب بگیرد [که او نه از من است و نه مردود از سپاه]. پس جز اندکی از آنان همگی از آن نوشیدند. و زمانی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از نهر گذشتند، [گروهی از آنان] گفتند: ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست. ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکننده خدایند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکيبايان است.

اُسْرَتِي" را بفهمد^{۶۳}. نگوید شما به گونه ای مدیریت کردید که خانواده من ضرر کرد و دچار مشکل شدم. با این دسته از آدمها در درجه محبت برخورد کنید. انسان هایی که محب اهل بیت علیهم السلام هستند^{۶۴}. اما حق نداریم به

۶۳. ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنِي الشَّيْخَانِ الْأَجَلَانِ الْعَالِمَانِ الْفَقِيهَانِ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيٌّ، بِنُ مَسَافِرِ الْعِبَادِي وَ هِبَةُ اللَّهِ بِنُ نَمَا بِنِ عَلِيٍّ بِنِ حُمْدُونِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قِرَاءَةً عَلَيْهِمَا فِي شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ حَمْسِمِائَةٍ، قَالَ جَمِيعًا: أَخْبَرَنَا الشَّيْخَانِ الْجَلِيلَانِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بِنُ أَحْمَدَ بِنِ طَحَالِ الْمَقْدَادِيِّ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْيَاسُ بِنُ هِشَامِ الْحَارِثِيِّ، قَالَ جَمِيعًا: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بِنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ، عَنْ أَبِيهِ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بِنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ الثُّعْمَانِ، عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ بِنِ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بِنُ أَحْمَدَ بِنِ مُوسَى وَ الْحُسَيْنُ بِنُ أَحْمَدَ بِنِ إِبْرَاهِيمِ بِنِ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بِنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بِنِ إِسْمَاعِيلِ الْبَزْمَكِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بِنُ عِمْرَانَ التَّنَجِي، قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى بِنِ جَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ بِنِ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَلَّمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ أَحَدًا مِنْكُمْ، فَقَالَ: إِذَا صِرْتَ إِلَى الْبَابِ فَفِيفْ وَ إِشْهَدِ الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَنْتَ عَلَى غَسَلٍ، فَإِذَا دَخَلْتَ وَ رَأَيْتَ الْقَبْرَ فَفِيفْ وَ قُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ - ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ امْسُقْ قَيْلًا وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، وَ قَارِبْ مِنْ خَطَاكَ، ثُمَّ فِيفْ وَ كَبِّرْ اللَّهُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ أَدْنِ مِنَ الْقَبْرِ وَ كَبِّرْ اللَّهُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، تَمَامَ مِائَةِ تَكْبِيرَةٍ، ثُمَّ قُلْ: ...
بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَيُّ مُؤْمِنٍ بِكُمْ، وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ...
بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنكُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِييَ لَا أَحْصِي شَاءَكُمْ...
بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، ذَكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَ أَحْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ...

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۶۰۹ / عيون الأخبار ج ۲ ص ۲۲۲ / تهذيب الأحكام ج ۶ ص ۹۵

دیگر منابع: المزار الكبير ج ۱ ص ۵۲۳ / المحاضر ج ۱ ص ۲۱۵ / الوافي ج ۱۴ ص ۱۵۶۶ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۲۷

۶۴. ارجاع پژوهشی: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَمَّا جُعِلَ إِلَى عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَاقِيَهُ الْعَهْدِ دَخَلَ عَلَيْهِ أَدْنَاهُ فَقَالَ: إِنَّ قَوْمًا بِالْبَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْكَ، يَتَوَلَّوْنَ: نَحْنُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا مَشْغُولٌ فَاصْرِفْهُمْ. فَصَرَفَهُمْ. فَلَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي جَاءُوا وَ قَالُوا كَذَلِكَ، فَقَالَ مِثْلَهَا، فَصَرَفَهُمْ إِلَى أَنْ جَاءُوا هَكَذَا يَتَوَلَّوْنَ وَ يَصْرِفُهُمْ شَهْرَيْنِ، ثُمَّ أَيْسُوا مِنَ الْوُضُوءِ قَالُوا لِلْحَاجِبِ: قُلْ لِمَوْلَانَا: إِنَّا شِيعَةُ أَبِيكَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ سَمِعْنَا بِنَا أَعْدَاؤُنَا فِي حِجَابِكَ لَنَا، وَ نَحْنُ نَتَصَرَّفُ هَذِهِ الْكُرَّةَ، وَ نَهْرُبُ مِنْ بَلَدِنَا حِجَلًا وَ أَنْفَهُ مِمَّا لِحَقْنَا، وَ عَجَزًا عَنِ اخْتِمَالِ مَضَضٍ مَا يَلْحَقُنَا بِشِمَاتَةِ أَعْدَانِنَا. فَقَالَ عَلِيُّ بِنُ مُوسَى [الرِّضَا] عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذْنًا لَهُمْ لِيَدْخُلُوا. فَدَخَلُوا عَلَيْهِ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِمْ، وَ لَمْ يَأْذَنْ لَهُمْ بِالْجُلُوسِ، فَبَقُوا قِيَامًا، فَقَالُوا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا الْجَفَاءَ الْعَظِيمَ وَ الْإِسْتِخْفَافَ بَعْدَ هَذَا الْحِجَابِ الصَّعْبِ أَيُّ بَاقِيَةٍ تَبْقَى مِنَّا بَعْدَ هَذَا الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِفْرَاءُ « وَ مَا أَضَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيَّدِيكُمْ وَ عَفُوا عَنْ كَثِيرٍ ». مَا إِفْتَدَيْتُ إِلَّا بِرَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ فَيُكْفِمُ، وَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ آبَائِي الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَتَبُوا عَلَيْكُمْ، فَاقْتَدَيْتُمْ بِهِمْ. قَالُوا: لِمَاذَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ [لَهُمْ]: لِدَعْوَانِكُمْ أَنْكُمْ شِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَ يُحَكِّمُ إِنَّمَا شِيعَتُهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ سَلْمَانَ وَ أَبِي [أَبُو] ذَرَّ وَ الْمَقْدَادَ وَ عَمَّارَ وَ مُحَمَّدَ بِنِ أَبِي بَكْرٍ، الَّذِينَ لَمْ يُخَالِفُوا شَيْئًا مِنْ أَمْرِهِ، وَ لَمْ يَرْتَكِبُوا شَيْئًا مِنْ [فُنُونِ] زَوَاجِرِهِ. فَأَمَّا أَنْتُمْ إِذَا قُلْتُمْ إِنَّكُمْ شِيعَتُهُ، وَ أَنْتُمْ فِي أَكْثَرِ أَعْمَالِكُمْ لَهُ مُخَالِفُونَ، مُقَصَّرُونَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْفَرَائِضِ [وَ] مِنْهَا وَ تَوَلَّوْنَ حَقُوقَ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ، وَ تَتَّقُونَ حَيْثُ لَا تَجِبُ التَّقِيَّةَ، وَ تَتَرَكُونَ التَّقِيَّةَ [حَيْثُ لَا يَدَّ مِنَ التَّقِيَّةِ]. لَوْ قُلْتُمْ أَنْكُمْ مَوْلَاهُ وَ مُحِبُّوهُ، وَ الْمَوَالُونَ لِأَوْلِيَائِهِ، وَ الْمَعَادُونَ لِأَعْدَائِهِ، لَمْ أَنْكِرْهُ مِنْ قَوْلِكُمْ، وَ لَكِنْ هَذِهِ مَرْتَبَةٌ شَرِيفَةٌ إِدْعَيْتُمُوهَا، إِنْ لَمْ تُصَدِّقُوا قَوْلَكُمْ بِفِعْلِكُمْ هَلَكْتُمْ إِلَّا أَنْ تَتَذَكَّرَكُمْ رَحْمَةً [مِنْ] رَبِّكُمْ. قَالُوا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِنَّا نَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ نَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ قَوْلِنَا، بَلْ نَقُولُ - كَمَا عَلَّمَنَا مَوْلَانَا - نَحْنُ مُحِبُّوكُمْ، وَ مُحِبُّو أَوْلِيَائِكُمْ، وَ مُعَاذُوا أَعْدَانِكُمْ. قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَرَّحَبًا بِكُمْ يَا إِخْوَانِي وَ أَهْلَ وَدِّي، إِذْتَفَعُوا، إِذْتَفَعُوا. فَمَا زَالَ يَرْفَعُهُمْ حَتَّى أَلْصَقَهُمْ بِنَفْسِهِ، ثُمَّ قَالَ لِحَاجِبِهِ: كَمْ مَرَّةً حَبَبْتُهُمْ قَالَ: سِتِّينَ مَرَّةً. فَقَالَ لِحَاجِبِهِ: فَاخْتَلَفَ إِلَيْهِمْ سِتِّينَ مَرَّةً مُتَوَالِيَةً، فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ إِفْرَأَهُمْ سَلَامِي فَقَدَّ مَحْوًا مَا كَانَ مِنْ دُنُوهِمْ بِاسْتِغْفَارِهِمْ وَ تَوْبَتِهِمْ، وَ اسْتَحْفُوا الْكِرَامَةَ لِمَحَبَّتِهِمْ لَنَا وَ مَوَالِيَتِهِمْ. وَ تَفَقَّدُوا أُمُورَهُمْ وَ أُمُورَ عِبَائِهِمْ، فَأَوْسَعَهُمْ بِتَفَقُّاتٍ وَ مَبَرَّاتٍ وَ صِلَاتٍ وَ دَفْعِ مَعَرَّاتٍ.

و به اسناد قبل از امام عسکری نقل است که فرمود: وقتی ولایتعهدی برای حضرت رضا علیه السلام قرار گرفت، دربان او بر حضرت وارد شده و گفت: گروهی پشت در ایستاده اند و اذن دخول خواسته و می گویند: ما از شیعیان علی علیه السلام هستیم! حضرت فرمود: من فعلاً مشغولم آنان را بازگردان. و این آمد و شد و جواب منفی امام دو ماه بطول انجامید، تا جایی که دیگر از رسیدن به او ناامید شده و به دربان گفتند: به آقایمان بگو ما از شیعیان پدیر

خاطر اینکه یک محب اوصاف اهلیت را رعایت نمی کند، مدیریت بر مبنای این مفاهیم را رها کنیم. بنابراین بنده معتقدم که هسته اولیه و اصلی مجموعه ها باید خیلی خالص باشد. لذا از همان ابتدا که مجموعه شورای راهبردی را راه اندازی کردیم، خرید و فروش کتب مجموعه را ممنوع اعلام کردیم. بعضی از دوستان به بنده می گفتند که هزینه چاپ این کتابها از کجا می آید؟ پاسخ می دادم که خدا جواب داده است: **جاهدوا بأموالهم**. می رویم با مؤمنین متمول و کسانی که می توانند کمک کنند صحبت می کنیم و محصولات را چاپ و منتشر می کنیم اما نه به صورت فروشی. پس این مسائل را باید تبدیل به تصمیم های اجرایی کرد. بنابراین اولین مرحله، نشر خبر برای افراد اهل شد که حداقل دارای این چهار ویژگی هستند: **"أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ"** و اینکه **"جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ"**.

عَلَيْهِ السَّلَام هَسْتِيم! این ماجرا موجب شماتت و سرزنش دشمنانمان بر ما شده، و ما این بار بازگشته و از این شرمندگی و شکستن غروری که بما رسیده، و عجز از احتمال دردی که به سبب شماتت از ناحیه دشمنانمان به ما خواهد رسید از شهر خود خواهیم گریخت. حضرت رضا علیه السلام به دربان خود فرمود: اجازه بده داخل شوند، آنان وارد شده سلام کردند ولی آن حضرت نه جواب سلامشان را داد و نه اذن جلوس صادر کرد، و همان طور ایستادند. همگی گفتند: ای زاده رسول خدا، این چه جفای عظیم و استخفاف پس از آن حجاب سخت است! دیگر چه جفائی مانده تا بر سر ما آید؟! حضرت رضا علیه السلام فرمود: این آیه را بخوانید: «و هر مصیبتی که به شما رسد به سبب کارهایی (خطا و گناهانی) است که دستهایتان کرده و از [گناهان] در می گذرد- شوری ۳۰»، بخدا سوگند که من در این کار تنها به خداوند و رسول او و امیر المؤمنین و پدران پاکم پس از او اقتدا کردم، آنان بر شما نکوهش کردند من نیز اقتدا نمودم. گفتند: برای چه ای زاده رسول خدا؟! فرمود: برای این ادعا که شما شیعه امیر المؤمنین هستید! وای بر شما! شیعیان او حسن و حسین و سلمان و ابو ذر و مقداد و عمار و محمد بن ابی بکر بودند، همانها که ذره ای از دستورات او سرپیچی نکردند، حال اینکه شما در بیشتر کردارتان با او مخالفید، و در بیشتر فرائض خود کوتاهی ورزیده و بزرگی حقوق برادران خود را در باره خدا خوار و بی مقدار می دارید، و آنجا که نباید تقیه می کنید، و آنجا که باید تقیه نمی کنید، اگر شما در همان ابتدای کار می گفتید ما از موالی و محبین اوئیم و از دوستداران اولیای او و دشمنان دشمنان او هستیم من منکر این قول شما نشده بودم، ولیکن این مقام و مرتبه شریفی بود که شما مدعی آن شده اید، اگر کردار شما گفتارتان را تصدیق نکند به هلاکت افتید، مگر اینکه رحمت پروردگارتان آن را تلافی کند. آنان گفتند: ای زاده رسول خدا، ما همگی بدرگاه خدا استغفار کرده و از این گفته خود توبه می کنیم، بلکه می گوئیم- همان طور که شما بما آموختید-: ما محب شما و اولیای شمائیم، و دشمنان دشمنان شما هستیم. حضرت رضا علیه السلام فرمود: آفرین و مرحبا به شما برادران و محبین! بیائید بالا، و آنقدر آنان را به بالا خواند تا تاك تکشان را در بغل گرفت، سپس به دربان خود فرمود: چند بار ایشان را مانع شدی؟ گفت: شصت بار. فرمود: به همان تعداد نزد ایشان رفته و ضمن سلام؛ سلام مرا به ایشان برسان. اکنون با این استغفار و توبه همه گناهان خود را محو و پاک ساختند، و به جهت محبت و موالا تشنان به ما مستحق کرامت شده اند، و از حال ایشان و امور ناخورانشان تفقد کن؛ نفقات بسیار و احسان فراوان و هدایای بسیاری بدیشان داده و زیانشان را جبران کن.

مصدر: التفسیر العسکری علیه السلام ج ۱ ص ۳۱۲ / الاحتجاج ج ۲ ص ۴۴۰

دیگر منابع: عوالم العلوم ج ۲۲ ص ۱۷۷

۲/۲/۲. مدیریت تضارب: دومین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر

۲/۲/۲/۱. شبکه ارتباطی میان مؤمنین: جایگزین سرعت در کارهای رسانه ای

۲/۲/۲/۱/۱. حفاظت اطلاعات از دشمن: فایده خبر رسانی میان افراد "اهلیت دار" برخلاف کارهای رسانه ای

مرحله بعد از مدیریت خبر این است که وقتی خبر را به اهل رساندیم، قاعدتا آن فرد هم دارای دوستان و افرادی است که "اهلیت" دارند و همین باعث می شود که به صورت شبکه ای خبر پخش شود. نیازی نیست که حتما از طریق رسانه ها با همه مردم حرف بزنید. بله می توانید از رسانه برای مدیریت شایعات هم استفاده کنید. اما همین که شما در یک شهر پنج نفر انسان اهل پیدا کنید کفایت می کند. اهل است یعنی اینکه خود او هم شبکه ای از دوستان همراه دارد. خود او هم انسان اهل جهاد با مال و جان است. به همین شکل می بینید که خبر دست به دست به همه مؤمنین می رسد. لذا نگران هم نباشید که من فقط به پنج نفر خبر می رسانم. حالا به اصطلاح امروزی فرد مؤمن پیش فعال است^{۶۵}. کافی است یک راه حل پیدا کند تا به سرعت به دیگران برساند. لذا این نکته مهمی است که اهل بیت علیهم السلام فرموده اند: زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ^{۶۶}. حال ممکن است کسی که خبرنگاری خوانده است بگوید: چگونه در این مدل سرعت انتشار خبر را حل می کنید؟ چون سرعت انتشار خبر هم خیلی مهم است و از طرف دیگر روایات باید در عصر حاضر هم پاسخگو باشند. باید عرض کنم که در مدل اهل بیت علیهم السلام، سرعت با شبکه ارتباطات مؤمنین حل می شود. مضافا اینکه خبر شما در دسترس دشمنان تان قرار نمی گیرد. این اطلاع رسانی هایی که ما در پیامرسان هایی مثل ایتا و جاهای دیگر داریم، همین که خبری قرار می دهیم، اولین کسانی که آنلین رصد می کنند و مطلع می شوند، ادمین های منافقین و سازمان مللی ها هستند. بنده اخیرا که گفت و گویی با صدا سیما داشتم. همین که از صدا و سیما بیرون آمدیم، شبکه های معاندی مثل منو تو و اینترنشنال با فاصله کمی واکنش نشان دادند. پیداست که آنها نسبت به این موارد خیلی حساس ترند و همیشه دنبال اخباری هستند که بتوانند آن را به چالش بکشند. پس در مدیریت خبر به این شکل که عرض شد گرفتار این آفتها هم نمی شویم. بنابراین مدیریت خبر یعنی اطلاع رسانی به انسان های اهل و نباید آن را با رسانه اشتباه گرفت.

^{۶۵} ارجاع پژوهشی: وَ عَنِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ لِهَيْشَامِ بْنِ الْحَكَمِ يَا هِشَامُ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلٌ وَ دَلِيلُ الْعَاقِلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ إِلَى أَنْ قَالَ يَا هِشَامُ قَلْبُ الْمُنْطِقِ حُكْمٌ عَظِيمٌ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ فَإِنَّهُ دَعَا حَسَنَةً وَ قَلْبُهُ وَزُرٌّ وَ حِفَّةٌ مِنَ الذُّنُوبِ فَحَصِّنُوا بَابَ الْحَلْمِ فَإِنَّهُ بَابُ الصَّبْرِ إِلَى أَنْ قَالَ يَا هِشَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُؤْمِنَ صُمُوتًا فَادْنُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِي الْحِكْمَةَ وَ الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرٌ الْعَمَلُ قَلِيلٌ الْعَمَلُ.

مستدرک الوسائل ج ۹ ص ۱۸ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۵۴

^{۶۶} ر.ک به پاورقی شماره ۵۱

در واقع امام جماعت یک دفترچه دارد که اسامی "اهل ها" را در آن نوشته است. همانها می آیند سر سفره شما می نشینند و در جلسات مهم شما شرکت می کنند. البته شما تلاش کنید که حتما شام عمومی هم داشته باشد. حال اجازه بدهید یک سؤال فنی بپرسم: از نظر پیامبر سلام الله علیه در چند مورد باید ولیمه بدهیم^{۶۷}؟ هر پاسخی که حضرت به این پرسش داده اند، مواردی است که امام جماعت باید یک شام عمومی بدهد. اما در کنار اینها یک گفت و گو و نشست با خواص هم داریم که همان "اهل ها" می شوند. حال به جز موضوع مدیریت خبر باید تضارب و گفت و گو هم انجام بدهید^{۶۸}. بدیهی است که اولویت در تضارب هم با همین افراد اهلیت دار است. پرسشهایشان را پاسخ می دهید و نقدهایشان را می شنوید تا بحث "سدید" تر بشود.

۲/۲/۲/۲. جدال احسن با غیر خودی ها به عنوان بخش فرعی مدیریت تضارب

ملحق به "تضارب"، گفت و گو با مخالفین و جدال احسن^{۶۹} را هم داریم. اما باید توجه داشته باشیم که این ها در حکم گفت و گوهای فرعی یک مؤمن محسوب می شود. یک سؤال مهم این است که گفت و گو یک مؤمن با جبهه ی خودی اصل است یا با جبهه دشمن؟ روایات به ما می گویند اهل سر و راز باشید. بعضی از مسائل را اصلا نمی شود به دیگران گفت^{۷۰}. بنابراین اگر بحثهای مهمی دارید باید در قالب "تضارب" آن را پیش ببرید و نباید وارد

^{۶۷} ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَعْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَعْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَعْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدِ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُزْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِذَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ وَ الْعُزْسُ التَّرْوِيحُ وَ الْخُرْسُ التَّفَاسُ بِالْوَلَدِ وَ الْعِذَارُ الْخِتَانُ وَ الْوَكَارُ فِي شِرَاءِ الدَّارِ وَ الرِّكَازُ الَّذِي يَتَقَدَّمُ مِنْ مَكَّةَ .

انس بن محمد ابو مالك از پدرش از امام صادق(علیه السلام) و او از پدرانش از علی بن ابی طالب(علیه السلام) نقل می کند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در وصیت خود به او فرمود: ای علی! ولیمه نیست مگر در پنج مورد: در عروسی و در تولد نوزاد و در ختنه کردن و در خریدن خانه و در هنگام مراجعت از مکه.

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۳۱۳ / تهذیب الأحكام ج ۷ ص ۴۰۹

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۳۱۱ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۱۲ / الفصول المهمة ج ۲ ص ۴۳۷ / عوالي اللئالی ج ۲ ص ۱۳۹

^{۶۸} ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام) إضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ. رأی ها را به هم بزنید (و در کارها از رأیها و نظرات مختلف بهره گیرید) که زاییده شود از آن صواب و درستی کار.

غرر الحکم ج ۱ ص ۱۵۸

^{۶۹} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نحل آیه ۱۲۵: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالتَّيْبِ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالمُهْتَدِينَ.

[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.

^{۷۰} ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام): لَا تَضَحَبْ إِلَّا عَاقِلًا وَ لَا تُعَاشِرْ إِلَّا عَالِمًا زَكِيًّا وَ لَا تُودِعْ سِرِّكَ إِلَّا مُؤْمِنًا وَفِيًّا .

جدال احسن شوید. به هر حال از هر جهت که نگاه کنید تضارب اصل است. چون جدال احسن بیشتر به صورت جمعی جواب می دهد، بنابراین تضارب با گروهی که صلاحیت شرکت در جدال احسن را هم دارند، اصل است. اساساً ظهور کلمه تضارب در گفت و گوهای داخلی است و ظهور کلمه جدال احسن با غیر خودی هاست^{۷۱}. به همین دلیل نام این مرحله را "مدیریت" تضارب گذاشته ایم. در بحث مدیریت خبر هم عرض کردیم که اگر مسئله شما جلوگیری از شایعه هاست، باید اخبار را عمومی تر منتشر کنید. اما اگر مسئله مربوط به برنامه ریزی شماست، باید فقط اهل ها را در جریان قرار دهید. بله پیامبر سلام الله علیه هم جارچی داشتند اما تنها برای مدیریت اخبار

جز با خردمند منشین و جز با دانشمندی پاک معاشرت نمای و رازت را جز با مؤمنی وفادار مسپار (که این سه چیز اساس نیکبختی است).
غر الحکم ج ۱ ص ۷۶۲

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنَّ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَيَّ أَوْرَعُهُمْ وَأَفْقَهُهُمْ وَأَكْتَمُهُمْ لِحَدِيثِنَا وَإِنَّ أَسْوَأَهُمْ عِنْدِي حَالًا وَ أَمَقَّتَهُمْ لِلَّذِي إِذَا سَمِعَ الْحَدِيثَ يُنْسَبُ إِلَيْنَا وَيُرَوِّى عَنَّا فَلَمْ يَقْبَلْهُ إِسْمَاءُ مِنْهُ وَ جَحَدَهُ وَ كَفَّرَ مَنْ دَانَ بِهِ وَ هُوَ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الْحَدِيثَ مِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ وَ إِلَيْنَا أَسْنَدَ فَيَكُونُ بِذَلِكَ خَارِجًا عَنَّا وَ لَا يَتَنَا .

-از ابی عبیده حداء، گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم می فرماید: به خدا دوست ترین یارانم نزد من پارساترین و داناترین آنها به دین و راز نگهدارترین آنها نسبت به حدیث ما و بدترین آنها نزد من در وضع و مبعوض تر آنها کسی است که چون بشنود حدیثی را، به ما نسبت دهند و از ما روایت کنند و دل پذیر او نیست از آن اظهار تنفر کند و آن را منکر گردد و هر که پیرو آن باشد، او را کافر داند با اینکه نمی داند، شاید حدیث از ما باشد و به ما مستند باشد و به این سبب از ولایت ما بیرون رود.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۵۳۷ / المؤمن ج ۱ ص ۶۷ / الکافی ج ۲ ص ۲۲۳
دیگر منابع: السرائر ج ۳ ص ۵۹۱ / الوافی ج ۵ ص ۶۹۹ / نوادر الأخبار ج ۱ ص ۵۷ / وسائل الشیعة ج ۲۷ ص ۸۷

^{۷۱} ارجاع پژوهشی: و فی کتاب شرف المصطفی: فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَى صَحِيفَتِهِمُ الْأَرْضَةَ فَلَجَسَهَا فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلهِ بِذَلِكَ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبُو طَالِبٍ فَدَخَلَ أَبُو طَالِبٍ عَلَى قُرَيْشٍ فِي الْمَسْجِدِ فَعَظَّمُوهُ وَ قَالُوا أَرَدْتَ مُوَاصَلَتَنَا وَ أَنْ تُسَلِّمَ إِلَيْنَا قَالَ وَ اللَّهُ مَا جِئْتُ لِهَذَا وَ لَكِنْ إِنِّي أَحْبَبْتُ أَخْبَرَنِي وَ لَمْ يَكْذِبْنِي أَنْ اللَّهَ قَدْ أَخْبَرَهُ بِحَالِ صَحِيفَتِكُمْ فَأَبْعَثُوا إِلَيَّ صَحِيفَتَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ إِزْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَ إِنْ كَانَ بَاطِلًا دَفَعْتُهُ إِلَيْكُمْ فَاتَّوْأَ بِهَا وَ فَكُّوا الْخَوَاتِيمَ وَ إِذَا فِيهَا بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ وَ إِسْمِ مُحَمَّدٍ فَقَطِّ فَمَا لَكُمْ أَبُو طَالِبٍ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُفُّوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ فَسَكُّوا وَ تَفَرَّقُوا فَنَزَلَ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - در کتاب شرف المصطفی در ماجرای شعب ابی طالب (علیه السلام) آمده است: خداوند موریانه ای را بر نوشته مشرکین مسلط فرمود تا اینکه آن را خورد و از بین برد. جبرئیل (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد و جریان نوشته را به آن حضرت اطلاع داد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هم موضوع را با عمویش ابوطالب (علیه السلام) در میان نهاد. ابوطالب (رحمة الله علیه) به اجتماع قریش در مسجد الحرام رفت؛ آنان او را تکریم و تعظیم کردند و گفتند: «قصه داری به اجتماع ما برگردی و برادرزاده خود را به ما تسلیم نمایی؟» ابوطالب (رحمة الله علیه) گفت: «به خدا قسم! من برای این مطالب که شما گفتید نیامده ام، برادرزاده ام موضوعی را به من تذکر داده و من هم می دانم که وی به من دروغ نمی گوید؛ خداوند او را از حال نوشته ای شما آگاه کرده، نوشته تان را نزد من بیاورید، اگر راست بود از خداوند بترسید و دست از این ظلم و ستم و قطع رحم بردارید و اگر چنانچه این سخن دروغ است من او (پیامبر صلی الله علیه و آله) را به شما تسلیم خواهم کرد». نوشته را آوردند و مهرها را گشودند و جز کلمه «باسمک اللهم (به نام خدا)» و نام «محمد (صلی الله علیه و آله)» چیزی در آنجا نبود. ابوطالب (علیه السلام) گفت: «ای قوم! از خداوند بترسید و دست از این ظلم و ستم بردارید». پس از این جریان آن جماعت سکوت کردند و پراکنده شدند. پس این آیه نازل شد: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ.

بحار الأنوار ج ۳۵ ص ۹۴

عمومی^{۷۲}. لذا طبقه بندی اطلاعات در مدیریت خبر اصل است، کما اینکه در مسئله مدیریت تضارب هم طبقه بندی گفت و گو ها اصل است.

۲/۲/۳. مدیریت کتابت: سومین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر

۲/۲/۳/۱. کتابت به عنوان ابزار نشر و تعمیق علم

بعد از این وارد مرحله سوم می شویم. حال آیا این مراحل برای انتقال تفکرات یک امام جماعت به جامعه کفایت می کند؟ شارع می فرماید از ابزارهای کتبی هم استفاده کنید. در روایت داریم که "کتابت" ابزار نشر است^{۷۳}. مثلاً در یک روایت داریم که: *اِحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَاوِنُونَ إِلَيْهَا*.^{۷۴} حضرت می فرمودند کتابهایتان را خیلی محافظت کنید چرا که به زودی محتاج آنها می شوید. در حال حاضر که همه نمی توانند به قم بیایند یا در جلسه تضاربی شما مشارکت کنند، می توانید برای آنها کتاب ارسال کنید. در بحث کتاب هم مسئله اهلیت داشتن و آن طبقه بندی ها جریان دارد.

۲/۲/۳/۲. وجود ده نوع کتابت از جمله رسم نمودار مباحث، یادداشت نویسی، گزارش راهبردی و...

حال یکی از بحثها انواع مختلف کتابت است که از نظر ما یک مسجد باید ده نوع کتابت داشته باشد. مثلاً بعضی از کتابت ها در حد نمودار است، بعضی در حد یک یادداشت، نوع دیگر در حد یک جزوه است. همین طور بعضی از مکتوبات می تواند در حد یک دوره بحثی باشد. شما با توجه به قاعده اجمال و تفصیل می توانید ده نوع مکتوب داشته باشید.

^{۷۲} ارجاع پرورشی: واژه ترکی «جار» به معنای ندا و آواز از دوره مغول و ایلخانان در منابع فارسی دیده می شود. پسوند ترکی «چی» نیز که بر انجام دهنده کار دلالت می کند، ظاهراً از دوره غزنویان در زبان فارسی کاربرد داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خلفا و امرای مسلمان، هریک منادیانی داشتند.

احمدبن داوود دینوری، الاخبار الطوال، ج ۱، ص ۲۴۰/طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳۲

^{۷۳} ارجاع پژوهشی: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ. از پیامبر سلام الله علیه: علم را با نوشتن حفظ کنید.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۳۶

دیگر منابع: المجازات النبویة ج ۱ ص ۱۷۴/ شهاب الأخبار ج ۱ ص ۳۰۹/ أعلام الدین ج ۱ ص ۸۲/ بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۲۴

^{۷۴} ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: *اِحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَاوِنُونَ إِلَيْهَا*. و فرمود: نوشتجات خود را محفوظ دارید که در آینده بآن نیاز پیدا می کنید.

مصدر: الكافي ج ۱ ص ۵۲

دیگر منابع: منية المرید ج ۱ ص ۳۴۰/ الوافی ج ۱ ص ۲۳۵/ وسائل الشيعة ج ۲۷ ص ۸۱/ بحار الأنوار ج ۲ ص ۱۵۲

۲/۲/۴. مدیریت نمونه سازی: چهارمین بخش چرخه چهاربخشی تحریک فکر

۲/۲/۴/۱. برگزاری جشنواره عکس به عنوان یکی از بارزترین مدل های نمونه سازی

۲/۲/۴/۱/۱. جشنواره عکس از پخت نان در منزل به عنوان اولین نمونه

آخرین مرحله دعوت این است: كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ یعنی با اعمال تان یعنی با نمونه سازی^{۷۵}. یعنی یک ایده را ببرید عملیاتی و اجرایی کنید. مثلاً می توانیم تعداد کسانی در خانه خودشان نان می پزند^{۷۶} را در قالب یک نمایشگاه عکس در مسجد نشان دهیم. بعد می توانید به مردم بگویید که این مقدار از مؤمنین در خانه نان می پزند که هم ارزان تر است هم سالم تر. جدای از اینکه برخلاف الگوی پخت نان متمرکز، هیچ اتفاقی هم برای این مدل از پخت نان نمی افتد. مثلاً ممکن است گاهی یک اتفاق امنیتی بیفتد و تمام نانوائی ها تعطیل شوند و صدها خانواده بی نان و گرسنه بمانند. یعنی به لحاظ پدافند غیر عامل هم این مدل تولید نان آثار امنیتی واضحی دارد. چرا که ضربه زدن به الگوی غیر متمرکز تولید نان برای دشمن آسان نیست. یا مثلاً در حال حاضر یکی از مشکلات این است که نانوائی ها در تعطیلات می خواهند تعطیل شوند و اینها را به زور سر کار نگه می دارند تا کار مردم روی زمین نماند. البته که اینها راه حل های اضطراری است و بهترین روش این است که تولید کننده ها را متکثر کنیم تا هیچ مشکلی در مسئله نان که قوت غالب انسان هاست ایجاد نشود^{۷۷}. هیچ لزومی ندارد که این مباحث را به صورت

^{۷۵}. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ لِيرَوْا مِنْكُمْ اَلْاِجْتِهَادَ وَ اَلصِّدْقَ وَ اَلْوَرَعَ. امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را بغیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکو کاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند.

مصدر: الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث) ج ۱ ص ۳۵۹ / الکافی ج ۲ ص ۱۰۵
دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۴۶ / الوافی ج ۴ ص ۴۳۱ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۱۶۲ / بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۳۰۹

^{۷۶}. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: شِرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الدَّقِيقِ يَنْشِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مَحَقٌّ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَتَبَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَفْعَلُ.

عَبَاد بن حَبِيب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خریدن گندم فقر را می برد و خریدن آرد موجب فقر است، و خریدن نان برکت را می برد. عرض کردم: خدا عمر شما را طولانی کند! اگر کسی نتواند گندم بخرد چطور؟ فرمود: این مطالب در مورد کسی است که بتواند و نخرد.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۶۶ / تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۱۶۲
دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۹۱ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۴۳۷

^{۷۷}. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.

ولید بن صبیح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که بدن انسان بر پایه نان بنا شده است.

نظری بیان کنیم. می‌توانیم همین را در قالب یک نمایشگاه عکس قرار دهیم^{۷۸}. لذا بنده همیشه می‌گویم که مهم‌ترین کار ائمه جمعه و جماعت در بخش نمونه‌سازی، برگزار نمایشگاه عکس است. می‌شود مردم و عکاس‌ها را بسیج کنید تا از اجرای طرح‌های تمدنی برای دفتر امام جمعه عکس بفرستند و شما هم آن را تبدیل به نمایشگاه کنید.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۵۸۵ / الکافی ج ۶ ص ۲۸۶
دیگر منابع: الوافی ج ۱۹ ص ۲۷۱ / وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۳۲۲ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۲۷۰

مِنْ الْفِرْدَوْسِ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُ طَعَامِكُمُ الْخُبْزُ وَ خَيْرُ فَاكِهِتِكُمُ الْعَنْبُ.
عایشه از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سلم روایت کرده که فرمود: بهترین غذای شما نان و بهترین میوه شما انگور است.
طب النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ج ۱ ص ۲۲ / مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۴ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۲۹۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۹۳

^{۷۸} .ارجاع پرورشی: بسم الله الرحمن الرحيم
در روزهای اخیر گفتگوهای مرتبط با مسئله نان - به ویژه درباره الگوی جدید پرداخت یارانه نان - در کشور بیشتر شده است. به دلیل ارتباط نان با مسائلی مانند: سلامت، امنیت، نفی سبیل، محرومیت زدائی، زیبایی جسمی و... چند ویژگی مهم و فراموش شده درباره تولید نان را تبیین می‌کنم:
۱- نان را باید با آرد سبوس دار کامل تهیه کرد و به هیچ عنوان نباید سبوس آرد را -ولو به صورت درصدی، مانند آرد سنگک- از آرد حذف نمود. حذف سبوس آرد یکی از دلایل پیدایش بیماری یبوست (ام‌الامراض) است و اثرات منفی دیگری بر قوت بدن ایجاد می‌کند. در این بخش، بسته بحثی مرتبط با آفت کش‌های طبیعی مورد نیاز برای کشت گندم (خصوصاً آفت سن) را تبیین می‌کنیم؛ تا کشاورز گندم سالم تری تولید کند.
۲- نان را نباید بر روی آهن بپزید. آهن نجس است و پخت نان بر روی تئور آهنی، باعث کاهش مواد غذایی نان می‌شود. استفاده از تئورهای گلی و سنگی، بهترین حرارت را برای پخت نان فراهم می‌آورند و نان را خوشمزه تر و سالم تر می‌کنند. علاوه بر تبیین ویژگی‌های تئور برتر، استفاده از تخمیر طبیعی (حذف کامل مخمرها) برای پخت نان هم یک توصیه مهم است.
۳- نان را باید به صورت خانگی و غیر متمرکز بپزید. طبق روایات صحیح، عدم پخت نان در خانه، یکی از علت‌های پیدایش محق (عوامل بسیار مضر برای سلامت) در جامعه است. (الإمام الصادق علیه السلام: شِرَاءُ الْحِنْطَةِ يَتَفَى الْفَقْرَ، وَ شِرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ، وَ شِرَاءُ النُّجْبِ مَحَقٌّ - الکافی عن عباد بن حبيب و تهذيب الأحكام عن عائذ بن جندب) پخت نان در خانه، علاوه بر ارتقای بهداشت نان، هزینه‌های ناشی از زنجیره تولید متمرکز نان را از قیمت تمام شده نان کم می‌کند و باعث می‌شود که قیمت نان در جامعه ارزانتر شود. پخت نان در خانه به گسترش تنوع کمی و کیفی در تولید نان ختم می‌شود.
۴- نان را باید از جو و گندمی که زکات آن پرداخته شده است؛ تهیه کرد. تأکید و مراقبت همگانی بر پرداخت زکات گندم و جو، علاوه بر تامین منابع مالی بزرگ برای محرومیت زدایی، کیفیت و برکت نان را افزایش می‌دهد.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی الگوی فقهی پخت نان / چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4171>

۲/۲/۴/۱/۲. جشنواره عکس از باغ میوه های مفید برای خون انسان به عنوان دومین نمونه

مثلاً فرض بفرمایید نمایشگاه عکس از باغ محصولات میوه در همان محله یا منطقه وجود دارد و مؤثر در تقویت خون بدن هستند^{۷۹}. وقتی مردم می بینند که این باغها همین الان روی زمین وجود دارد، برایشان خیلی باورپذیرتر می شود تا حالتی که فقط در حد گفت و گو و کتاب باشد. به همین دلیل است که نمونه سازی مهم ترین نوع دعوت است. در دوران معاصر هم مهم ترین تبلور نمونه سازی همین برگزاری جشنواره عکس است. دفتر امام جمعه و امام محله باید هر ماه درباره موضوعات مختلف جشنواره عکس برگزار کند که در واقع معنای آن، گزارش نمونه های اجرا شده است.

۲/۲/۴/۱/۳. جشنواره عکس از خانه هایی که با قوس باربر ساخته شده اند به عنوان سومین نمونه

مثلاً عنوان یک نمایشگاه می تواند این پرسش باشد که آیا ساخت خانه با قوس باربر امکان دارد^{۸۰}؟ بعد مردم می بینند که مثلاً در اطرافشان چندین خانه وجود دارد که از اسکلت آهنی استفاده نکرده اند. یکی از مشکلاتی که داریم

^{۷۹} ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي حَفْصِ الْأَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَلَيكُمْ بِالْحَسَنِ فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمَ. ابو حفص ابار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به خوردن کاهو! زیرا که آن خون را تصفیه می کند.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۵۱۴ / الکافی ج ۶ ص ۳۶۷

دیگر منابع: الوافی ج ۱۹ ص ۴۵۳ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۹۵

وَعَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ الرُّمَانِ بَعْدَ الْحِجَامَةِ زَمَانًا خُلُوعًا فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ وَ يُصَفِّي الدَّمَ فِي الْجَوْفِ.

از امام حسن عسکری علیه السلام: بعد از حجامت انار شیرین بخورید که خون را آرام و تمیز می کند.

طب الأئمة عليهم السلام ج ۱ ص ۵۹ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۱۲۳ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۸۳

^{۸۰} رجوع پرورشی: قوس (با چفته یا چفد یا چفت) سازه ای منحنی شکل در معماری است؛ که بر روی دهانه ها به منظور کاربردهای گوناگون پوششی ساخته می شود. این کاربردها می تواند طاق و گنبد باشد یا سازه های دیگری همچون پل یا طاق نصرت یا زهکشی آب. چفدها همواره از نگاه ریخت شناسی به سه شکل کلی ساخته شده اند: مازهدار و تیزهدار و چندوجهی. با این حال آنچه بیشتر کارایی باربری داشته است معمولاً قوس های تیزهدار و مازهدار بوده است.

چفته ها به دو دسته کلی باربر و ناباربر تقسیم می شوند:

چفدهای باربر

چفدهای باربر گروهی هستند که از تکرارشان طاق های باربر و از دورانشان گنبد های وسیع به وجود می آیند. در ایران بعد از اسلام این چفدها تا دهانه های بالاتر از ۱۶ گز را نیز در بر گرفته اند (گز کوچک = ۹۴ سانتی متر و گز سلطانی = ۱۰۶/۶ سانتی متر) و همان طور که از نامشان پیداست، قادرند بارهای وارده را بر خود به خوبی تحمل کنند.

انواع چفدهای باربر: چفد پنج اوهفت، شبدر یا شبدری، بیز یا هلوچین، بستو (کوزه = بستو)، چفد سروک

چفدهای ناباربر

این گونه چفدها بارهای وارد بر خود را تحمل نکرده، لذا بیشتر جنبه آمودی دارند یا در دهانه های کوچک (حداکثر تا ۳ گز) بکار رفته اند و دلایل انتخاب آن ها زیبایی، و سادگی آنهاست و اگر در بعضی نقاط به عنوان قوس باربر اجرا گشته اند، اغلب شکسته و خطراتی تولید کرده اند.

این است که حذف اسکلت برای مهندسين بسیار دشوار است، زیرا دانش فنی شان با تمرکز و محوریت اسکلت آهنی شکل گرفته است. راه حل این انسان های دیرباور این است که به آنها گزارش نمونه سازی بدهیم.

۲/۲/۴/۱/۴. جشنواره عکس از بازی های کودکان محله به عنوان چهارمین نمونه

یا جشنواره عکس از بازی های کودکان محله شما می تواند عنوان یک نمایشگاه دیگر باشد^{۸۱}. مادران محله می فهمند که یک مدل بازی دیگر به جز گیم نت ها و بازی های رایانه ای هم در محله وجود دارد. بنده اعتقاد دارم که اگر امام جمعه یا امام محله ای این چهار کار و چهار مرحله را در دستور کار خود قرار دهد، می تواند ذهن نمازگزاران و اهالی محل و شهر را درگیر پرسشهای دو، سه و چهار کند^{۸۲}. نباید مرتکب این اشتباه شویم که اهداف و مقاصدی که پیگیر آنها هستیم را تنها به صورت نظری توضیح دهیم. یا به بهانه اینکه می خواهیم کتاب برای افراد اهل بفرستیم، بگویم که دیگر نیازی به برگزاری جلسات تخصصی نیست. تمام این چهار مرحله را باید با هم داشته

شیوه های معماری ایران، غلامحسین معاریان / کیانی، محمد یوسف، معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۸۵

^{۸۱}. ارجاع پرورشی: چهارمین طرح ارتباطی آماده سازی محیط بازی در محله است بویژه بازی کودکان. کودکان باید محیط بازی داشته باشند. یعنی ارتباط افراد محله با کودکان باید بهینه باشد. نباید کودک آزاری شکل بگیرد نباید آنها در رنج و عذاب باشند. یکی از توصیه های اصلی امام جمعه و امام محله باید بازی کودکان باشد. فرض بفرمایید طلبه ای از جریان فقه نظام امام جمعه شده و مشغول خطبه خوانی است. خواهد گفت: اوصیکم به اینکه بازی کودکان تان را مدیریت کنید. یعنی فضای خطبه ها به این سمت خواهد رفت. اگر پدر و مادر یا امام محله، ارتباط بهینه و صحیح با کودکان را از دست بدهند، باید چالش های کف خیابان با نسل آینده را بپذیرند کما اینکه ما در حال حاضر به ناچار مجبور به پذیرش آن هستیم. اساسا چرا بچه ها با پدر مادرهایشان هم چالش و دعوا دارند؟ یکی از دلایلی این است که والدین تنظیم روابط انسانی را در حوزه کودکان به درستی فهم نکرده اند. در اینجا هم ارتباط با کودکان بویژه بحث بازی کودکان چند زیر مجموعه دارد. اول اینکه اسباب بازی خوب چیست؟

حجت الاسلام کشوری. نهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم
برای دریافت متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/6181>

^{۸۲}. ارجاع پرورشی: هفت پرسش دوره مسجد و اداره جامعه:

روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟

اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد چیست؟

نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟

کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه اول دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت
برای دریافت متن کامل جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5519>

باشیم: هم مدیریت خبر، هم تضارب، گفت و گو و برگزاری جلسات تخصصی، هم مدیریت مکتوبات و در نهایت گزارش کارهای خودتان را هم باید بدهید. بنابراین همیشه با مؤمنینی که در اطراف شما هستند، به سمت اجرا بروید که خود این اجرایی کردن برنامه ها سرعت نظام سازی را بالا می برد. این هم از پاسخ پرسش پنجم: ابزارهای ارتباطی و اجرایی یک مسجد با نمازگزاران و مردم محله کدام است؟ تولید خبر، برگزاری جلسات تضاربی، گفت و گو و نشست های تخصصی و در نهایت مدیریت نمونه سازی. این چهار اقدام در کنار هم، ذهن مؤمنین و مرتبیین با شما را درگیر تفکرات و نظریات فقهی می کند. به همین دلیل نام این اقدامات را چرخه چهاربخشی تحریک فکر گذاشته ایم^{۸۳}. بنابراین پاسخ پنجمین پرسش به شکل دقیق تر این است که: چرخه چهاربخشی تحریک فکر، ابزار اجرایی یک امام مسجد و امام جمعه است. الحمدلله در مدرسه هدایت هر چهار مورد از این چرخه را داریم. هم مدیریت خبر داریم و هم نشست های تخصصی مستمر. در کنار اینها دوستان ما مکتوبات منظمی تولید می کنند و در مواردی هم توانسته ایم نمونه سازی هایی داشته باشیم. مهم ترین نمونه سازی هم که تا حالا داشته ایم خود مدرسه هدایت است^{۸۴}. یعنی الآن جمعیت هایی در این مدرسه مشغول مباحثه و گفت و گو هستند و این روی زمین

^{۸۳}. ارجاع پرورشی: چرخه تحریک فکر چیست؟

از یک حیث مهمترین نظریه بخشی فقه هدایت؛ چرخه چهاربخشی تحریک فکر است. این نظریه بخشی به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می دهد! مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک و عاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند!

در چرخه چهاربخشی تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲-مدیریت تضارب، ۳-مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می کنیم. بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهاربخشی تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1713>

برای مطالعه بیشتر در مورد "چرخه چهاربخشی تحریک فکر" به پیوست شماره پنج مراجعه فرمایید.

^{۸۴}. ارجاع پرورشی: در مدرسه فقهی هدایت دو نوع طبقه بندی از دانش های فقهی وجود دارد / شارع پنج دسته دانش جامع دارد!

طبقه بندی اول: به محوریت ۴۰۰ نظریه و در قالب ۹ دسته علم و با غرض مواجهه ظرفیت بنیان با طبقه بندی بیکنی از علوم و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تدوین شده است و به صورت مسئله محور پیش ها و دانش های مدرنیته را به چالش می کشد! (به فضل الهی)

طبقه بندی دوم: با محوریت اصطلاحات فرائض کبار و حدود کبار به یک طبقه بندی توقیفی دست یافته ایم و در این طبقه بندی، دانش های مورد نیاز برای زندگی به پنج آبر دانش: ۱- دانش جامع صلوات، ۲- دانش جامع زکات، ۳- دانش جامع حج، ۴- دانش جامع صوم و ۵- دانش جامع ولایت تقسیم می شود.

وجود دارد و درباره آینده حرف نمی‌زنیم. درباره نظریات بخشی هم به تدریج نمونه سازی در حال شروع شدن است. دیدگاه ما درباره مدیریت یک مجموعه همین است که عرض کردم و اساساً اعتقاد داریم که مدیریت یک مجموعه یعنی: نظریه ضرب در چرخه چهاربخشی تحریک فکر. یک بخش این است که شما فکر و ایده داشته باشید که آن را در پرسش دو، سه و چهار شرح دادیم. بخش دوم هم مربوط به نحوه انتقال یک نگاه و فکر به جامعه است که در این جلسه به آن پاسخ دادیم. به شکل ساده ترمی توان گفت که چرخه چهاربخشی تحریک فکر ماشین شماست. یعنی هر فکری دارید باید بر این ماشین سوار کنید تا بتوانید آن را به قلوب دیگران هم منتقل کنید.

هر کدام از این دانش‌های خمسه، دارای سرفصل‌های درونی متعددی هستند. (شرح فقهی اصطلاح حدود کبار) به عنوان مثال: دانش جامع صلات دارای سرفصل‌های ۱- دانش جامع طهارت، ۲- دانش جامع وقت، ۳- دانش جامع قبله، ۴- دانش جامع تکبیرة الافتتاح، ۵- دانش جامع رکوع، ۶- دانش جامع سجود و ۷- دانش جامع دعا می‌باشد. (در جلسات آینده سرفصل‌های دانش‌های دیگر شارع را شرح می‌دهیم.)

بررسی‌های عمیق مدرسه هدایت، با موضوع کشف کارکردهای اجتماعی دانش جامع طهارت و دیگر دانش‌های شارع، کارکردهایی همچون: ۱- کارکرد سیاسی تبلیغاتی، ۲- کارکرد پیشگیری از بیماری، ۳- کارکرد اقتصادی و کاهش هزینه، ۴- کارکردی امنیتی و پدافند غیر عامل، ۵- کارکرد پیشگیری از جرم و... را برای دانش جامع طهارت و سایر دانش‌ها به اثبات رسانده است. (به اذن الهی)

مهمترین نشست تاریخ شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه فقهی هدایت را با عنوان: تبیین طبقه بندی دانش‌های جامع شارع برگزار خواهیم نمود. (به فضل الهی)

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - دیدار و گفتگو با جمعی از فضایی حوزه علمیه قم با موضوع: تبیین طبقه بندی جامع

دانش‌های شارع - سه شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5411>

برای مطالعه بیشتر درباره ی "مدرسه هدایت" به پیوست شماره شش مراجعه فرمایید.

۳. پرسش ششم دوره: منابع تأمین مالی مساجد تمدنی از کجاست؟

۳/۱ چگونه میان استقلال مالی امام جماعت و تأمین مالی چرخه چهاربخشی تحریک فکر جمع کنیم؟

حال پرسش دیگر که بنده تنها آن را طرح می‌کنم این است که راه اندازی چرخه چهاربخشی تحریک فکر نیاز به پول و امکانات دارد. امام جمعه و جماعت برای جلب اعتماد مردم باید اصل " وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ^{۸۵} " را رعایت کند. چون همین که مردم تصور کنند شما کاسب هستید و به دنبال منافع شخصی خودتان [کار پیش نخواهد رفت]. یعنی مردم ببینند شما کتاب هایتان را می‌فروشید، دوره‌های بحثی‌تان را - کما اینکه مرسوم است - می‌فروشید. به لحاظ فقه معذر می‌توانیم بگوییم که این کار حرام نیست اما به لحاظ فقه نظام این نوع از عملکرد مشکل‌دار است ^{۸۶}. به این دلیل اینکه وقتی شما در ذهن مردم به عنوان یک کاسب معرفی شدید، اعتماد مردم به شما کاسته

^{۸۵} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره شعراء آیه ۱۸۰: وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی‌خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است.

^{۸۶} ارجاع پرورشی: تفاوت‌های فقه معذر و منجز و فقه نظام!

گفتگوهای مرتبط با فقه نظام و الگوی دینی اداره جامعه در حوزه علمیه و در میان نخبگان دانشگاهی و اجرایی روز به روز گسترش بیشتری می‌یابد و بالتبع پرسش‌های مرتبط با این حوزه، هر روز عمیق‌تر و بیشتر می‌شود. یکی از پرسش‌های مهم این حوزه تبیین تفاوت‌ها در استنباط محدود به کشف معذر و منجز و استنباط نظام ساز است.

قواعد اصولی فقه البیان، متکفل تبیین قواعد استنباط فقه نظام است و تبیین این قواعد اصولی - ضمن تبیین تفاوت‌های میان این دو مکتب فقهاتی - سطح تفقه را از سطح "کشف معذر و منجز" به سطح فقه نظام ارتقاء می‌دهد. یکی از تفاوت‌های فقهات محدود به کشف معذر و منجز و فقهات نظام ساز، مسئله مهم نظام مقایسه است. فقه نظام به بدعت‌ها و غی‌های مقابل یک حکم شرعی توجه دارد و چگونگی مقابله با آن را به شکل متصل یا منفصل از وحی استنباط می‌کند؛ ولی در کلمات فقهای کاشف معذر و منجز، این نوع از بحث‌ها به نحو حداقلی وجود دارد.

به عنوان مثال در کلمات بسیاری از فقهاء، احکام مرتبط با انفاق‌های واجب و مستحب و حرام به صورت تفصیلی بحث شده است ولی احکام مرتبط با انفاق با ایده‌هایی معیوبی مانند تعریف کینزی پس انداز (Savings) و مفهوم هدایت نقدینگی در اقتصاد کلان - که در نقطه مقابل انفاق عمل می‌کند - مقایسه نمی‌شود. عدم مقایسه یک حکم شرعی با یک قانون عرفی و سکولار در برخی موارد زمینه اجرای حکم شرعی برای مردم را ممتنع می‌کند و در خوشبینانه‌ترین وضعیت "بیان حکم بدون توجه به اصل مقایسه" به مهار بدعت و قانون مبتنی بر آن کمکی نمی‌کند. (توضیحات بیشتر درباره نظام مقایسه انفاق) (<https://eitaa.com/olgou4/3740>)

به عنوان مثال دیگر وقتی درباره عمومی شدن تجارت و ابزارهای آن مانند بازارهای موقت - که ایده اصلی فقه برای محرومیت زدایی و توسعه عدالت است - صحبت می‌کنیم؛ ضرورت دارد آن را با بدعت فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای و سیتی سنترها مقایسه کنیم.

برای ارتقاء فقهات از سطح کشف معذر و منجز به سطح نظام‌سازی، علاوه بر اصل نظام مقایسه، ۸ دسته قاعده دیگر مانند توجه به ۱- اصل تأمل، ۲- اصل مُکث، ۳- اصل رفق، ۴- اصل ظرفیت، ۵- اصل منزلت، ۶- اصل انفتاح، ۷- اصل سیاق و ۸- اصل گمیت در مسیرهای فقهاتی موضوعیت دارد. حجت الاسلام علی کشوری - تبیین قواعد اصولی فقه البیان - چهارشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۰ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌سان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3866>

معدّریّت قطع، مقابل منجزیّت قطع، و به معنای عذر محسوب شدن قطع مکلف، برای ترک تکلیف واقعی است، و این در جایی است که قطع او مخالف با واقع در آید، مثل این که شخصی در روز جمعه قطع پیدا کند که نماز جمعه بر او واجب است نه نماز ظهر و سپس نماز جمعه را به جا آورد و نماز ظهر

می شوید. لذا انبیاء علیهم السلام علمشان را به رایگان در اختیار دیگران قرار می دادند و می فرمودند که این زکات علم ماست "وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ"^{۸۷} برای شما مردم خیلی کار مهمی انجام دادیم اما اجر و مزدی طلب نمی کنیم. همه چیز که نظریه نیست، همه چیز که تئوری نیست. پس چطور می خواهید اعتماد مردم را جلب کنید؟ شارع محترم می فرماید: قاعده اعتماد سازی برای مردم این است که پاداشی از آنها طلب نکنید. حال در اینجا یک پرسش مهم و سخت به وجود می آید: از یک طرف نباید پولی گرفت و از دیگر سوی این طرحها و برنامه ها نیاز به تأمین مالی دارد. مثلاً خود برگزاری یک جلسه ساده نیاز به تدارکات دارد. می خواهیم کتاب ها را چاپ کنیم همین طور. بنابراین در سؤال ششم و در جلسه آینده درباره ی روش های تأمین مالی مساجد تمدنی گفت و گو خواهیم کرد.

والحمد لله رب العالمین

را ترک کند، سپس معلوم شود که در واقع، نماز ظهر واجب بوده است نه نماز جمعه؛ در این جا، اگر مولا از او پرسد که چرا تکلیف واقعی را ترک نمودی، در پاسخ می تواند به قطع خود استناد کند و این استناد به قطع، برای او عذر محسوب شده و موجب رهایی او از عقوبت می گردد و این، همان معذرت قطع است.

دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷۶ / انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۲۳۰ / کفایة الاصول، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۴، ص ۱۷۱ / تحریرات فی الاصول، خمینی، مصطفی، ج ۳، ص ۳۹

منجزیت قطع، مقابل معذرت قطع و از لوازم قطع بوده و به معنای قطعیت یافتن تکلیف در حق مکلف، به سبب قطع است. منجزیت در جایی است که آخرین مرحله از مراحل توجه تکلیف به مکلف (اقتضا، انشا، فعلیت و تنجز) کامل می شود، و این امر، سبب قطع عذر مکلف می گردد، زیرا تکلیف در حق او مسلم شده و قطع او با واقع نیز مطابق می باشد، بنابراین هیچ گونه عذری در ترک تکلیف و مخالفت با قطع ندارد و چنان چه با آن مخالفت نماید، سزاوار عقوبت است.

اصفهانى، محمدحسین، نهایة الدراية فی شرح الکفایة، ج ۳، ص ۱۲ / مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۲، ص ۲۳۰ / صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۷۲ / فاضل لنکرانی، محمد، کفایة الاصول، ج ۴، ص ۱۷۱

^{۸۷}. سوره شعراء آیه ۱۸۰

پیوست ها

پیوست شماره یک: مسجد

بخش اول: آیات

۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. سوره اعراف آیه ۳۱

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. سوره اعراف آیه ۲۹

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. سوره اسراء آیه ۱

۴. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَْسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۵. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند. سوره توبه آیه ۱۰۷

۶. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَفْأَتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. سوره بقره آیه ۱۹۱

۷. وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگانشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان تترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید. سوره بقره آیه ۱۵۰

۸. وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا.

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع میکردند پس [عده ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتما بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. سوره کهف آیه ۲۱

۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. سوره توبه آیه ۱۹

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزُدَّوْكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَزِدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجد الحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگتر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباہ می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. سوره بقره آیه ۲۱۷

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: الْأَرْضُ أَطْوَبُ فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ الْأَطْوَبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بِيُوتَهُ الْأَطْوَبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي إِلَّا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ إِلَّا بَشَرِ الْمَشَاءِ بَيْنَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالثُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می‌درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد (خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خود (مسجد) زیارت کند که گرامی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من (مساجد) قدم بر می‌داند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۴

۲. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ وَ حَرَزَ مِنَ الشَّيْطَانِ.

مساجد مجالس پیامبران اند و حفاظت گاه از شیطان

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۳

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ فُقْتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا فَأَذَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ التَّوَائِفَ وَ إِقْضَى فِيهَا مَا فَاتَكَ.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آن چه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۳۷۰ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۵ / الفصول المهمه ج ۲ ص ۸۲ / بحار الانوار ج ۱۴

ص ۴۶۳

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَاءَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَ خَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَأُ وَ هِيَ مَيْدَانُ إِبْلِيسَ يُعْدُو بِرَأْيَتِهِ وَ يَضَعُ كُرْسِيَهُ وَ يَبْتُ ذُرِّيَّتَهُ فَبَيْنَ مُطْفَفٍ فِي قَفِيْزٍ أَوْ طَائِشٍ فِي مِيزَانٍ أَوْ سَارِقٍ فِي دَرَجٍ أَوْ كَاذِبٍ فِي سِلْعَةٍ فَيَقُولُ عَلَيْكُمْ بِرَجُلٍ مَاتَ أَبُوهُ وَ أَبُوكُمْ حَيٌّ فَلَا يَزَالُ مَعَ ذَلِكَ أَوَّلَ دَاخِلٍ وَ آخِرَ خَارِجٍ» ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَ خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلُهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردی بیابان نشین از بنی عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت پرسید: بدترین مکانهای زمین کجاست و بهترین جایهای آن کجا؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین

مکانهای زمین محل های خرید و فروش اجناس و امتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است؛ هر بامداد با پرچم خویش حرکت کرده تخت فرمانروائی خود را در سوق استوار می کند و ذراری خویش را به هر سو گسیل می دارد و آنان از این چند قسم خارج نیستند، یا مأمور کاستن پیمانہ هستند، یا مأمور کم فروشی در میزان و سنجش، یا دزدی در ذرع پارچه و دروغزنی در وصف کالا و متاع و غیره و فرزندانش را سفارش می کند و می گوید: بر شما باد به آنکه پدرش مرده و شما پدرتان زنده است (یعنی بنی آدم که پدرشان مرده و شما که پدرتان من هستم و اکنون زنده ام) پس او را بفریبید. و هر روزه همین کار اوست، اولین کسی که وارد بازار می شود و آخرین کسی است که از بازار خارج می گردد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و بهترین مکانهای زمین مساجد است، و محبوبترین مردم نزد خداوند عزیز آن کس است که زودتر از همه داخل می شود و از همه دیرتر بیرون می رود. شرح: «سوق و بازار هر کجا که محل خرید و فروش است می باشد و اختصاص به بازار معروف نزد ما ندارد و همه مغازه داران بازاری هستند و همه کسبه خیابانها جزء اهل سوق محسوبند.

مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۹ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۶۸

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۳ / بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۹۷

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ.

زمانی که بلاها و مصیبتها نازل می شوند اهالی مساجد در امانند.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶ / الاشعثیات ج ۱ ص ۳۹

۶. أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي الْمُسْتَعْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لِأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از سعده بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد عليه السلام، حضرت فرمود: پدرم عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جل جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی اسراف و زیاده روی می‌کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می‌باشند آنان را خوانده و می‌فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می‌کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می‌فرستادم و باکی هم نداشتیم.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۶ / الامالی للصدوق ج ۱ ص ۱۹۶

دیگر منابع: روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۹۲ / وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الانوار ج ۷ ص ۳۸۱

۷. أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمْبَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ، وَأَوَّلُ تَحْفَةِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَ لِمَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدَهَا، وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبَهَا. يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرِجُعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَحْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَحْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، لَا تَزْهَدُوا فِي فَقْرَاءِ شِيعَتِنَا، فَإِنَّ الْفَقِيرَ مِنْهُمْ لَيَسْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مِثْلِ رِبِيعَةَ وَ مَضَرَ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، إِنْ سَمِيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيَجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ فِي أَعْدَائِكُمْ إِذَا رَأَوْا شَفَاعَةَ الرَّجُلِ مِنْكُمْ لِصَدِيقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ».

فضل بن عبد الملك می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ابتدای عنوان نامه اعمال انسان مؤمن پس از مرگش سخنانی است که مردم درباره او می‌گویند، اگر نیکی ذکر شود پس [سرنوشت او] به نیکی است و اگر بدی ذکر شود پس [سرنوشت او] به بدی است. نخستین هدیه انسان مؤمن این است که خود و هر آن کس که جنازه‌اش را تشییع می‌کنند آمرزیده شوند. سپس فرمود: ای فضل! از هر قبیله‌ای جز پیشتازان آن و از هر خانواده‌ای جز انسان‌های نجیب به مسجد نمی‌آیند. ای فضل، به مسجدروندگان با کمتر از سه خصوصیت از مسجد باز نمی‌گردند؛ یا به دعایی

که با آن خدا را می خوانند و خدا به خاطر آن ایشان را در بهشت داخل می سازد و یا دعایی که با آن خدا را می خوانند تا خدا به وسیله آن آفات دنیا را از ایشان دور نماید و یا برادری که در راه [رضایت و قرب] خداوند از او بهره می برند؛ سپس فرمود: انسان مسلمان پس از بهره اسلام از هیچ چیز، چون برادری که در راه خدا از او بهره می برد استفاده نکرده است. سپس فرمود: ای فضل! شیعیان فقیر ما را کوچک شمارید. همانا شیعیان فقیر ما در روز قیامت در همچون ربیعه و مضر شفاعت می کنند.

سپس فرمود: ای فضل! همانا مؤمن به این نام نامیده شد چون خدا را امان خود قرار می دهد و خداوند امان او را می پذیرد؛ سپس فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند بلندمرتبه درباره دشمنان شما هنگامی که شفاعت یکی از شما برای دوستش را در روز قیامت می بینند، می گوید: «پس برای ما شفاعت کننده و دوستی نزدیک وجود ندارد.» [شعراء: آیه ۱۰۰-۱۰۱]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۷۲ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۹

پیوست شماره دو: قواعد اصولی فقه البیان

مطلب اول:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ / تعبد مبتنی بر تفکر خواسته قطعی شارع است!

قواعد اصولی فقه البیان زمینه ساز برای استنباط جنبه های تحریک کننده فکر شارع است. بخشی از جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع، جنبه های توصیفی شارع و جنبه های علل الشرایعی شارع است. همچنین شکل بیان شارع مهمترین جنبه تحریک کننده فکر در بیان شارع محسوب می شود. قواعد اصولی فقه البیان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می شود:

بخش اول قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می پردازد. شارع محترم، سوال حسن و نیکو را نصف علم و مفتاح علم و آغاز کننده تفکر می داند. فقاقت از فهم پرسش های شارع شروع می شود.

بخش دوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مکتب) به تحلیل مسئله پاسخ و راه حل از منظر شارع می پردازد. تبیین مفهوم تنزیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی از مباحث بیان مبتنی بر مکتب است. همچنین تحلیل ابعاد تنزیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مکتب، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد مثبت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر انفتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می پردازد. بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان به سفرهای فکری شارع معروف است و در واقع ۶ جنبه تحریک کننده فکر، در بیان شارع را توصیف می کند.

رساله های عملیه و علمیه را در موضوعات مختلف، مبتنی بر این ساختار، استنباط و بیان می کنیم و معتقد هستیم؛ اینگونه از بیان، تحریک فکر و درایه بیشتری را برای مردم عزیز تأمین می کند. اساساً ارتقای امثال مکلف، وابسته به میزان تدبر و میزان درایه مکلف در بیان و تقدیر شارع است. در استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد از قواعد فقه البیان بهره برده ایم.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین روش استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب دوم:

تعریف ساده از فقه البیان

فقه البیان شامل: ۹ دسته قاعده اصولی است؛ که روش و اسلوب استنباط و استنتاج از وحی را توضیح می دهد. به عبارت بهتر: استنتاج از وحی باید ۱- مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- مبتنی بر تأمل، ۳- مبتنی بر مقایسه، ۴- مبتنی بر مُکث، ۵- مبتنی بر رفق، ۶- مبتنی بر منزلت، ۷- مبتنی بر انفتاح، ۸- مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- مبتنی بر کمیت و عدد، تعریف شود.

مهمترین باب از ابواب فقه البیان، مباحث باب پیشرفته بیان مبتنی بر تأمل است؛ زیرا آغاز و مفتاح علم، شرح صحیح پرسش و ایجاد "سؤال خوب" در ذهن مخاطب است. تبیین روش موضوع شناسی از مباحث این باب است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب سوم:

درباره منابع فقه البیان

بعد از تتبع جدی در آیات و روایات، ۱۳ دسته آیه و روایت با موضوع روش مطالعه و تدبر و تفقه در ادبیات وحی را جمع آوری کرده ایم. این مجموعه را با نام آیات و روایات روشی نام گذاری کرده ایم و آن را منبع کشف روش و قواعد اصولی تفقه قرار داده ایم!

وجود این ۱۳ دسته از آیات و روایات نشان می دهد؛ که زبان شارع تأسیسی است و نباید تصور نمود که قواعد زبانی شارع عرفی، عقلی و عقلایی تحلیل می شوند. البته تأکید داریم: قواعد تأسیسی شارع در حوزه بیان و زبان، بیان شارع را برای همه عرف ها و همه سطوح عقل قابل درک کرده است.

ویژگی اصلی زبان شارع، "تحریک فکر مخاطب" است و در پنج سطح ۱- مدیریت تاملات، ۲- مدیریت تعقل، ۳- مدیریت تدبر، ۴- مدیریت تجرب و ۴- مدیریت تفقه، به تحریک فکر افراد می پردازد. شارع محترم با تحریک

فکری پنج بعدی (استنباط مدرسه هدایت) به ایجاد پدیده مترقی نظم اختیاری در جامعه کمک می کند! بیان فقه، حقوقی و دستوری محض نیست و خصلت بارزش تفکرآفرینی آن است.

چهار محور از آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع از جمله ویژگی "جوامع الکلام" و ویژگی عدم تناقض در کلمات شارع و روش آماده سازی قلوب برای فهم این کلمات می پردازد! محورهای دیگر این آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع در ۹ بخش ۱- ابتناء بیان شارع بر ظرفیت، ۲- ابتناء بیان شارع بر تأمل، ۳- ابتناء بیان شارع بر مکث، ۴- ابتناء بیان شارع بر مقایسه، ۵- ابتناء بیان شارع بر رفق، ۶- ابتناء بیان شارع بر منزلت، ۷- ابتناء بیان شارع بر انفتاح، ۸- ابتناء بیان شارع بر سیاق و پیش فرض و ۹- ابتناء بیان شارع بر کمیت و عدد می پردازد.

حجه الاسلام علی کشوری، گفتگو با جمعی از طلاب مدرسه هدایت درباره منابع استنباطی فقه البیان - سه شنبه ۹ اسفند

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5098>

مطلب چهارم:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟

وقتی در حال استنباط احکام و فرائض هستیم و یا وقتی در حال استنباط و "کشف جمع دلالتی شارع" درباره هر موضوع دیگری هستیم؛ باید جنبه های تحریک کننده فکر و مستدل شارع درباره آن موضوع را هم استنباط نمائیم. به عبارت دیگر: بیان مولای شارع با بیان مولای عرفی از زمین تا آسمان تفاوت دارد و یکی از تفاوت های آن تبیین جنبه های فکری و استدلالی در زبان مولای شارع است. با بررسی دقیق آیات و روایات به این نتیجه می رسیم: که خروجی استنباط فقیه نباید بیانی صرفاً حقوقی داشته باشد!

علم اصول فقه باید قواعدی را در اختیار فقیه قرار بدهد؛ که استنباط مبتنی بر تحریک فکر را تمهید نماید و به صورت تفصیلی ویژگی های تحریک کننده زبان شارع در استدلال و تحریک فکر را تشریح کند. اساس زبان شارع را زبان تحریک فکر می دانیم و معتقدیم مهره اول علم اصول باید تئوریزه کردن مسئله تفکر در آیات و روایات را متکفل شود. (پنج نوع تفکر را از روایات و آیات استنباط کرده ایم)

فهم تفصیلی مسئله تفکر و خطاهای متصور در حوزه فکر (مانند خطای بزرگ عدم مُکث در بیان) بر وقوع خارجی قطع، ظن و شک تاثیر گذار است و در واقع تعریف جدیدی از مناسک و روش های پیدایش حالات ثلاثه برای مکلف فقیه و مکلف غیر فقیه تصویر می شود!

در بسته اصولی فقه البیان: علاوه بر تئوریزه کردن ابتدای اصول فقه بر مسئله تحریک فکر، به تبیین هسته اصلی تفکر از منظر وحی و اثر آن بر قطع و ظن و تبیین ساختار توسعه فکر (سفرهای فکری فقیه) پرداخته ایم! (توسعه فقه و قواعد ممهده آن شیعه را از همه دستگاه های عقلانی بی نیاز می کند!)

حجت الاسلام علی کشوری- قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ - یک شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان اینتا

<https://eitaa.com/olgou4/5009>

پیوست شماره سه: طیبات، غذای حلال و حرام و تاثیر آن بر انسان

بخش اول: آیات

۱. أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ. سوره بقره آیه ۲۶۷

ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که (از آن) انفاق نمایید، در حالی که آن را (اگر به خودتان می دادند) جز با چشم پوشی (و بی میلی) نسبت به آن، نمی گرفتید، و بدانید که خداوند، بی نیاز ستوده (صفات) است. ترجمه فولادوند

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ. سوره بقره آیه ۱۷۲

ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید. ترجمه فولادوند

۳. وَقَطَعْنَا لَهُمْ آسَافًا أَمْمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. سوره اعراف آیه ۱۶۰

و آنان را به دوازده عشیره که هر يك امتی بودند تقسیم کردیم و به موسی وقتی قومش از او آب خواستند وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن پس از آن دوازده چشمه جوشید هر گروهی آبشخور خود را بشناخت و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم و گرانگین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم از چیزهای پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید و بر ما ستم نکردند لیکن بر خودشان ستم میکردند. ترجمه فولادوند

۴. كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ. سوره طه

آیه ۸۱

از خوراکیهای پاکیزه ای که روزی شما کردیم بخورید و [لی] در آن زیاده روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعا در [ورطه] هلاکت افتاده است. ترجمه فولادوند

۵. وَظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. سوره بقره آیه ۵۷

و بر شما ابر را سایه گستر کردیم و بر شما گزانگبین و بلدرچین فرو فرستادیم [و گفتیم] از خوراکیهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و [لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشان ستم روا می داشتند. ترجمه فولادوند

۶. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. سوره اعراف آیه ۱۵۷

همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند. ترجمه فولادوند

۷. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. سوره اسراء آیه ۷۰

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم. ترجمه فولادوند

۸. يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. سوره مومنون آیه ۵۱

ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می دهید دانایم. ترجمه فولادوند

۹. وَاسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ
وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا. سوره اسراء آیه ۶۴

و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد
شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی دهد. ترجمه فولادوند

بخش دوم: روایات

۱. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي
الْأَرْضِ وَ مَا دَامَتِ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ
تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ مَاتَ فَالتَّارُ أَوْلَى بِهِ.

و نیز فرمود: چون لقمه‌ای حرام به شکم بنده داخل شود، همه فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت کنند، و تا وقتی که
آن لقمه در شکم اوست خداوند به او نظر ننماید، و هر کس لقمه‌ای حرام بخورد خشم خدا را برانگیخته است، و اگر
توبه کند خدا توبه‌اش را می‌پذیرد. و اگر بمیرد (بی‌توبه) آتش دوزخ به وی نزدیک خواهد بود.

منبع اصلی: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۵۰

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۶۳ ص ۳۱۴ / روضه الواعظین ج ۲ ص ۴۵۷

۲. وَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَ قِيلَ عَلَى الْمَاءِ .

عبادت کردن با وجود حرام خواری مانند ساختن بنایی است بر روی شن - و به قولی: بر روی آب

منبع: بحار الانوار ج ۸۱ ص ۲۵۸ / عده الداعی ج ۱ ص ۳۰۲

پیوست شماره چهار: سلام کردن و جایگاه آن در اسلام

۱. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخَلَّالُ ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَنْصَارِيُّ ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَائِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ ، عَنْ أَشْرَسِ الْخُرَّاسَانِيِّ ، عَنْ أَيُّوبَ السَّخْتِيَانِيِّ ، عَنْ أَبِي قَلَابَةَ ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : مَنْ لَقِيَ عَشْرَةَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ ...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به ده تن از مسلمانان برخورد نماید و بر آنها سلام کند، خداوند ثواب آزاد کردن یک بنده را به او خواهد داد.

مصدر: الأمالی (للطوسی) ج ۱ ص ۱۸۲

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۳۸۲

۲. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسْعُ وَ سِتُونَ لِلْمُبْتَدِيِّ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ.

سلام هفتاد حسنه دارد شصت و نه از آن سلام کننده و یکی از آن جوابگو است.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۲۴۸

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۹۷ / جامع الأخبار ج ۱ ص ۸۸ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۱

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا سَلَّمَ أَحَدَكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِسَلَامِهِ لَا يَقُولُ سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ وَ لَعَلَّهُ يَكُونُ قَدْ سَلَّمَ وَ لَمْ يُسْمِعْهُمْ فَإِذَا رَدَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِرَدِّهِ وَ لَا يَقُولُ الْمُسَلَّمُ سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا تَغْضَبُوا وَ لَا تُغْضِبُوا أَفْسُوا السَّلَامَ وَ أَطِيبُوا الْكَلَامَ وَ صَلُّوا بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ ثُمَّ تَلَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُ»

ابن قَدّاح» از امام صادق علیه السّلام نقل می‌کند که فرمود: هرگاه یکی از شماها سلام دهد باید بلند سلام کند و نگوید من سلام کردم و جواب سلام مرا ندادند و شاید که سلام کرده و نشنیدند و هرگاه یکی از شماها جواب سلام دهد باید بلند بگوید و مسلمانی نگوید من سلام کردم و به من جواب ندادند، سپس فرمود: علی علیه السّلام بارها می‌فرمود: خشم نکنید و کسی را به خشم نیاورید، سلام را فاش گوئید و خوش‌گفتار باشید و نماز (نماز شب خود را) وقتی که مردم در خوابند بخوانید تا با سلامتی به بهشت بروید، سپس بر آنها قول خدای عزّ و جلّ را خواند: «السّلامُ المؤمنُ المّهیمنُ».

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۶۴۵

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۹۷ / الوافی ج ۵ ص ۵۹۶ / تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۴۱

۴. قَالَ أَحْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبَانَ الْوَرَّاقِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ بَدْرِ عَنْ أَبِي حَاتِمٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَنَسُ أَكْثَرُ مِنَ الظُّهُورِ يَزِدُّ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى الطَّهَارَةِ شَهِيداً وَ صَلَّى صَلَاةَ الرَّوَالِ فَإِنَّهَا صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ وَ أَكْثَرُ مِنَ التَّطَوُّعِ تُجِبُكَ الْحَفِظَةَ وَ سَلَّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ يَزِدُّ اللَّهَ فِي حَسَنَاتِكَ وَ سَلَّمَ فِي بَيْتِكَ يَزِدُّ اللَّهَ فِي بَرَكَتِكَ وَ وَقَّرَ كَبِيرَ الْمُسْلِمِينَ وَ إِزْحَمَ صَغِيرَهُمْ أَجِئِي أَنَا وَ أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْوُسْطَى وَ الْمُسَبِّحَةِ .

-انس بن مالک گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای انس همیشه با وضو باش که خدا عمرت را دراز کند، و اگر توانستی در طول شبانه روز با وضو باشی این کار را بکن، زیرا اگر با وضو بمیری شهید محسوب شوی، و نماز ظهر را (که بیشتر در اوقات گرم روز است سر وقت) بجای آر که آن نماز اوّابین و کسانی است که پیوسته به پیشگاه پروردگار رو آورده و توبه می‌کنند، و نماز مستحبی فراوان بجای آر که در این صورت فرشتگان حافظ اعمال، تو را دوست می‌دارند، و با هر کس برخوردی سلام کن تا خدا بر حسنات و افعال پسندیده‌ات بیفزاید، و چون داخل خانه‌ات شدی سلام کن تا خدا برکتت را افزون کند، و سالخوردگان مسلمین را احترام کن و بر کودکانشان رحم آور تا من و تو این طور با هم در روز قیامت وارد شویم - و حضرت دو انگشت سبّابه و انگشت بزرگ دست خود را جفت کردند.

مصدر: الأمالی (للمفید) ج ۱ ص ۶۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۳۹۶

۵. أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ الْآيَةَ فَقَالَ هُوَ تَسْلِيمُ الرَّجُلِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ حِينَ يَدْخُلُ ثُمَّ يَرُدُّونَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَلَامُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ .

-أبو الصَّبَّاحِ گوید: از امام باقر علیه السلام در باره فرموده خداوند: « فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ » (و هنگامی که داخل خانه‌ها گشتید بر خویشان سلام نمائید- نور ۲۴: ۶۱) پرسیدم، فرمود: منظور این است که وقتی کسی وارد منزل خویشان شود و سلام کند، (پاسخ) آن سلام را بر خود او برگردانند و این سلام بر نفس خودتان می‌باشد.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۱۶۲

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۸۱ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۰۲ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۵

۶. ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوُجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ وَالْبَادِي بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

و نیز فرمود علیه السلام: جواب نامه دادن واجب است مانند جواب سلام دادن، و آن کس که آغاز بسلام کند بخدا و رسولش نزدیکتر است.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۶۷۰

دیگر منابع: الوافی ج ۵ ص ۷۱۱ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۵۷

۷. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ التَّضَرِّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ وَالْمَارُّ عَلَى الْقَاعِدِ وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود: کوچک بر بزرگ سلام کند، و رهگذر بر نشسته، و گروه اندک بر گروه بسیار سلام کنند.

مصدر: الكافي ج ۲ ص ۶۴۶

دیگر منابع: الوافی ج ۵ ص ۵۹۸ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۷۳ / تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۴۲

۸. عَنْهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَجْوَدُ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

مصدر: دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۴۳ / الأشعثیات ج ۱ ص ۷۶

دیگر منابع: النوادر (للاوندی) ج ۱ ص ۲۰ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۸

۹. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تُسَلِّمُوا عَلَيَّ الْيَهُودَ وَلَا عَلَيَّ النَّصَارَى وَلَا عَلَيَّ الْمَجُوسِ وَلَا عَلَيَّ عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ وَلَا عَلَيَّ مَوَائِدِ شُرْبِ الْخَمْرِ وَلَا عَلَيَّ صَاحِبِ الشُّطْرَنْجِ وَ النَّزْدِ وَلَا عَلَيَّ الْمُخَنَّثِ وَلَا عَلَيَّ الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْدِفُ الْمُحْصَنَاتِ وَلَا عَلَيَّ الْمُصَلِّيِّ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْمُصَلِّيَّ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرِدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ وَ لَا عَلَيَّ آكِلِ الرِّبَا وَ لَا عَلَيَّ رَجُلٍ جَالِسٍ عَلَيَّ غَائِطٍ وَ لَا عَلَيَّ الَّذِي فِي الْحَمَامِ وَ لَا عَلَيَّ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ .

مسعدة بن صدقه از امام صادق (علیه السلام) و او از پدرش نقل می کند که فرمود: سلام ندهید بر یهود، و نه نصاری، و نه بر مجوس، و نه بر پرستش کنندگان بتها، و نه بر کسی که بر شراب نشسته، و نه بر کسی که شطرنج و نردبازی می کند، و نه بر ابنه و نه بر شاعری که زنها را پاکدامن را تهمت زنا می زند و نه بر نمازگزار و این برای آن است که نمازگزار نمی تواند سلام را پاسخ گوید، چون سلام دادن به سلام دهنده مستحب است ولی رد آن واجب است، و نه بر رباخوار، و نه بر کسی که در حال قضای حاجت است، و نه بر کسی که در حمام است و نه بر کسی که فسق خود را آشکار می کند.

مصدر: الخصال ج ۲ ص ۴۸۴

ديگر منابع: روضة الواعظين ج ٢ ص ٤٥٨ / مشكاة الأنوار ج ١ ص ١٩٨ / الوافي ج ٥ ص ٦٠١

پیوست شماره پنج: چرخه چهاربخشی تحریک فکر

مطلب اول:

مدارس علمیه آینده چه ویژگی هائی دارد؟

در "نظریه مدرسه هدایت" برای حضور اجتماعی یک طلبه ساختاری ۷ بخشی - مبتنی بر چرخه چهار بخشی تحریک فکر - تعریف کرده ایم؛ که فهم غیر سطحی و عمیق از آن قدرت تحریک فکر و هدایتگری را در طلبه ارتقاء می دهد!

بخش اول این ساختار بدیع، فهم و تمرین مسئله مدیریت خبر است. مدیریت خبر، دارای دو بخش مدیریت خبر در رسانه های مدرن و مدیریت خبر در قالب پیشرفته "خانه عالم" است. در مجموع مدیریت خبر نقطه آغازین تحریک فکر مخاطب است!

بخش دوم این ساختار، مرور و بررسی نظری و عملی مفهوم تضارب آراء است. تشکیل خانواده روایت برای مفهوم تضارب و سپس تمرین عملی برای مدیریت جلسات تضارب؛ دومین هدیه مهم مدرسه هدایت به طلاب خود است! تضارب از مهمترین ابزارهای تحریک فکر در یک جامعه محسوب می شود!

بخش سوم از ساختار تحریک فکر، مسئله مدیریت مکتوبات است. طلبه ای که کتابت نداشته باشد، به زنبوری بی عسل تشبیه می شود! مهمترین مصادیق مکتوبات شامل: ۱- تدوین دوره های مباحثاتی، ۲- تدوین پیاده های فوری و ۳- تدوین نمودارهای پژوهشی است؛ که هرکدام دارای پیچیدگی های فنی خاصی است!

بخش چهارم این ساختار مدیریتی، تلاش برای مسلط نمودن طلبه ها بر نحوه نوشتن گزارش های راهبردی (روش تدبیر) است. بدون گزارش راهبردی نمی توانیم تصمیمات غلط اجتماعی در حوزه های مختلف را تغییر دهیم. در مدرسه هدایت تدوین گزارش راهبردی (روش تدبیر) را نظری و عملیاتی آموزش می دهیم!

بخش پنجم این ساختار ۷ بخشی، بر ارتقاء قدرت طلبه ها در جهانی سازی اندیشه های پیامبران تمرکز دارد. به دلیل محوریت منطقه غرب آسیا در فرآیند جهانی جبهه حق و البته به دلیل نزول اندیشه کاربردی وحی به زبان عربی، آموزش زبان عربی فصیح نقش مهمی در جهانی سازی اندیشه پیامبران ایفاء می کند!

بخش ششم ساختار تحریک فکر مدرسه هدایت، فهم و اجرای فرآیند نمونه سازی است. نمونه سازی متکی به ۲۵ بخش پیچیده است؛ که در نهایت خود قدرت هدایت بخشی و تحریک فکر را در جامعه ارتقاء می دهد. اگر طلبه قدرت نمونه سازی نداشته باشد، عامه و خواص مردم او را آرمان گرایی، غافل از واقعیت ها می پندارند!

در نهایت، مهمترین بخش ساختار تحریک فکر را قدرت تشکیل و معرفی نمایشگاه می دانیم. طلبه های که قدرت تشکیل نمایشگاه برای نظریات فقهی خود را دارند، آسانتر ۶ بخش فوق الذکر را مدیریت می کنند. البته نمایشگاه علاوه بر کارکرد گفته شده، ابزاری برای خود ارزیابی طلبه ها در مسیر تفقه و نظام سازی محسوب می شود!

طلبه آینده را مسلط به این ساختار ۷ بخشی می دانیم و معتقدیم بدون این نوع از تحریک فکر، نظام سازی و جامعه سازی فقهی خوابی شیرین محسوب می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۸ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2119>

مطلب دوم:

چرخه تحریک فکر چیست؟!

از یک حیث مهمترین نظریه بخشی فقه هدایت؛ چرخه چهار بخشی تحریک فکر است. این نظریه بخشی به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می دهد!

مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک و عاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند!

در چرخه چهار بخشی تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می کنیم.

بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهار بخشی تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1785>

مطلب سوم:

چگونه به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی کمک کنیم؟! / برخی برای الگوی پیشرفت جلسه تبلیغاتی تشکیل می دهند.

از همه عزیزان فعال در زمینه گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی استدعا می کنم؛ که برنامه های خود در زمینه الگوی پیشرفت اسلامی را بر اساس مراحل چهارگانه چرخه تحریک فکر تنظیم کنند.

مراحل چهارگانه تحریک فکر شامل چهار امر ۱- مدیریت خبر ۲- مدیریت تضارب ۳- مدیریت مکتوبات ۴- مدیریت نمونه سازی است. التزام به این چرخه چهار بخشی، زمینه اقامه الگوی اسلامی در کشور را فراهم می آورد.

به عبارت روشن تر باید درباره محتوای مباحثات الگوی پیشرفت، هم مدیریت خبر داشته باشیم و هم تضاری گسترده طراحی کنیم و هم مکتوبات متنوع تولید کنیم و هم بر اساس محتوای مد نظر خود نمونه سازی کنیم. بزرگترین آفت برای دور جدید گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی برگزاری جلسات تبلیغاتی و شعاری است.

حجت الاسلام علی کشوری - مسجد جمکران قم - گفتگو با کارشناسان - ۲۱ آبان ۱۳۹۷

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

پیوست شماره شش: مدرسه هدایت

مطلب اول:

تربیت طلبه ذوالفنون هدف اصلی مدرسه هدایت است!

در مدرسه فقهی هدایت به دنبال تربیت طلبه ذوالفنون هستیم؛ زیرا طلبه باید به همه تخصص های مرتبط با سبک زندگی مسلط باشد. به عبارت دیگر: اصلاح سبک زندگی امری تک بعدی نیست و به اصلاح اموری مانند تغذیه، معماری، آموزش، سلامت، سیاست خارجی، تجارت، نظم اجتماعی، عبرت و میراث فرهنگی، تولید خبر و... نیازمند است.

تجربه ۴۵ سال گذشته به همه ما نشان داده است که سبک زندگی مردم ایران از تفویض امور فوق الذکر به بناهای عقلایی و متخصصین پوزیتیویستی ضربه خورده است. چالش های فعلی تربیتی و غیر تربیتی را ناشی از الگوی غلط معماری، استانداردهای غلط غذا (استانداردهای سازمان غذا و دارو)، آموزش های غیر مفید سیستم آموزشی و... می دانیم و نباید اصلاح سبک زندگی را با تکیه محض بر موعظه دنبال نمائیم. (آسیب شناسی حرکت جمهوری اسلامی و آسیب شناسی امضاهای غلط حوزه بر دانش های ناقص پوزیتیویستی)

در مدرسه تمدنی هدایت ۹ دسته تخصص فقهی مرتبط با سبک زندگی (مجموعاً ۴۰۰ نظریه فقهی) را آماده کرده ایم و مشغول انتقال این مفاهیم در قالب راه اندازی چرخه چهاربخشی تحریک فکر به نخبگان و اقویای شیعه هستیم. اصلاح سبک زندگی نیازمند تفقه بیشتر در ۱- امامت، ۲- علم، ۳- تزکیه، ۴- مکاسب، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- فرقان، ۸- عبرت و ۹- نفی سبیل است. (طبقه بندی جدید دانش)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین هدف مدرسه تمدنی هدایت در روز میلاد حضرت مدینه العلم (روحی فدا) ۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۵ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/5656>

مطلب دوم:

در مدرسه فقهی هدایت دو نوع طبقه بندی از دانش های فقهی وجود دارد / شارع پنج دسته دانش جامع دارد!

طبقه بندی اول: به محوریت ۴۰۰ نظریه و در قالب ۹ دسته علم و با غرض مواجهه ظرفیت بنیان با طبقه بندی بیکنی از علوم و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تدوین شده است و به صورت مسئله محور بینش ها و دانش های مدرنیته را به چالش می کشد! (به فضل الهی)

طبقه بندی دوم: با محوریت اصطلاحات فرائض کبار و حدود کبار به یک طبقه بندی توقیفی دست یافته ایم و در این طبقه بندی، دانش های مورد نیاز برای زندگی به پنج ابر دانش: ۱- دانش جامع صلوات، ۲- دانش جامع زکات، ۳- دانش جامع حج، ۴- دانش جامع صوم و ۵- دانش جامع ولایت تقسیم می شود.

هر کدام از این دانش های خمسه، دارای سرفصل های درونی متعددی هستند. (شرح فقهی اصطلاح حدود کبار) به عنوان مثال: دانش جامع صلوات دارای سرفصل های ۱- دانش جامع طهارت، ۲- دانش جامع وقت، ۳- دانش جامع قبله، ۴- دانش جامع تکبیرة الافتتاح، ۵- دانش جامع رکوع، ۶- دانش جامع سجود و ۷- دانش جامع دعا می باشد. (در جلسات آینده سرفصل های دانش های دیگر شارع را شرح می دهیم.)

بررسی های عمیق مدرسه هدایت، با موضوع کشف کارکردهای اجتماعی دانش جامع طهارت و دیگر دانش های شارع، کارکردهایی همچون: ۱- کارکرد سیاسی تبلیغاتی، ۲- کارکرد پیشگیری از بیماری، ۳- کارکرد اقتصادی و کاهش هزینه، ۴- کارکردی امنیتی و پدافند غیر عامل، ۵- کارکرد پیشگیری از جرم و... را برای دانش جامع طهارت و سایر دانش ها به اثبات رسانده است. (به اذن الهی)

مهمترین نشست تاریخ شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه فقهی هدایت را با عنوان: تبیین طبقه بندی دانش های جامع شارع برگزار خواهیم نمود. (به فضل الهی)

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - دیدار و گفتگو با جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم با موضوع: تبیین طبقه بندی دانش های شارع - سه شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/5411>

مطلب سوم :

علوم پایه مدرسه هدایت را به فرزندان خود بیاموزید!

علوم پایه مدرسه هدایت را به فرزندان خود بیاموزید. علوم پایه شامل چهار جدول بسیار مهم است.

جدول اول علوم پایه به تشریح چگونگی تنظیم روابط انسانی ۱۳ گانه می پردازد. اساس زندگی تنظیم روابط انسان در ۱۳ حوزه ۱- رابطه انسان با امام، ۲- رابطه انسان با معلم، ۳- رابطه انسان با همسایه، ۴- رابطه انسان با خانواده، ۵- رابطه انسان با دوست، ۶- رابطه انسان با دشمن، ۷- رابطه انسان با طرف معامله، ۸- رابطه انسان با شریک

شغلی، ۹- رابطه انسان با فقیر، ۱۰- رابطه انسان با یتیم، ۱۱- رابطه انسان با ابن سبیل، ۱۲- رابطه انسان با مهمان و ۱۳- رابطه انسان با همسفر است.

مطالعه بیشتر درباره جدول روابط انسانی:

<https://nro-di.blog.ir/1399/01/11>

جدول دوم علوم پایه به تشریح خاصیت های اشیاء می پردازد. یکی دیگر از ارکان زندگی اسلامی علم به خاصیت های اشیاء است. دانستن خاصیت های اشیاء به زندگی ارزانتر و کم ضرر ختم می شود. ویرایش اول جدول تسخیر در قالب ۱۹ گروه ۱- گروه اشیاء پایه (آب، خاک، آتش و هوا)، ۲- گروه اشیاء ظرف مکان، ۳- گروه اشیاء ظرف زمان، ۴- گروه اشیاء مرتبط با آب، ۵- گروه اشیاء مرتبط با هوا، ۶- گروه اشیاء مرتبط با خاک، ۷- گروه اشیاء مرتبط با آتش، ۸- گروه حیوانات، ۹- گروه پرندگان، ۱۰- گروه درختان، ۱۱- گروه گیاهان، ۱۲- گروه گل ها، ۱۳- گروه صیفی جات و شتوی جات، ۱۴- حشرات، ۱۵- گروه حبوبات و غلات، ۱۶- اعضای بدن، ۱۷- گروه ملائکه، ۱۸- گروه جن و ۱۹- گروه اشیاء تعدیل کننده منایا(صوم، صلاه، حج، زکات، نکاح، صدقات و...) خاصیت های اشیاء را به فرزندان شما می آموزد.

مطالعه بیشتر درباره جدول تسخیر:

<https://eitaa.com/olgou4/4488>

جدول سوم علوم پایه، به معرفی اسباب غریب و مخفی عالم می پردازد. جدول اسباب غریب به فرزند شما می آموزد که اسباب امور به دو دسته اسباب غریب و مخفی و اسباب ظاهر تقسیم می شود. ویرایش اول جدول غریب به معرفی اسباب غریبی مانند ۱- شناخت ملائکه و کارکردهای آنها، ۲- شناخت جن و کارکردهای آنها، ۳- شناخت سرزمین اموات و چگونگی حرف زدن با عالم اموات (آشنایی فنی با مفهوم زیارت)، ۴- آشنایی با عالم اعداد و ارتباط اعداد با حروف (اوافق مقدماتی) و ۵- آشنایی با علم مهم جعفر می پردازد.

جدول چهارم علوم پایه به معرفی نیمه تفصیلی اسماء الهی به فرزند شما می پردازد. جدول اسماء الهی در واقع، معرفی خدمات خداوند به انسان و مخلوقات دیگر است و زمینه محبت شدید انسان به خداوند را فراهم می آورد. جدول اسماء الهی به شرح فقهی ۹۹ اسم ۱- الاله، ۲- الواحد، ۳- الاحد، ۴- الصمد، ۵- الاول، ۶- الآخر، ۷- السميع، ۸- القدير، ۹- القاهر، ۱۰- العلی، ۱۱- الاعلی، ۱۲- الباقي، ۱۳- البديع، ۱۴- الباری، ۱۵- الاكرم، ۱۶- الظاهر، ۱۷- الباطن، ۱۸- الحی، ۱۹- الحکیم، ۲۰- العلیم، ۲۱- الحلیم، ۲۲- الحفیظ، ۲۳- الحق، ۲۴- الحسیب،

۲۵- الحمید، ۲۶- الحفی، ۲۷- الرب، ۲۸- الرحمان، ۲۹- الرحیم، ۳۰- الذاریء، ۳۱- الرزاق، ۳۲- الرقیب، ۳۳- الرئوف، ۳۴- الرئی، ۳۵- السلام، ۳۶- المؤمن، ۳۷- المهیمن، ۳۸- العزیز، ۳۹- الجبار، ۴۰- المتکبر، ۴۱- السید، ۴۲- السبوح، ۴۳- الشهید، ۴۴- الصادق، ۴۵- الصانع، ۴۶- الطاهر، ۴۷- العدل، ۴۸- العفو، ۴۹- الغفور، ۵۰- الغنی، ۵۱- الغیث، ۵۲- الفاطر، ۵۳- الفرد، ۵۴- الفتح، ۵۵- الفالق، ۵۶- القدیم، ۵۷- الملک، ۵۸- القدوس، ۵۹- القوی، ۶۰- الغریب، ۶۱- القیوم، ۶۲- القابض، ۶۳- الباسط، ۶۴- قاضی الحاجات، ۶۵- المجید، ۶۶- المولی، ۶۷- المنان، ۶۸- المحیط، ۶۹- المبین، ۷۰- المقیت، ۷۱- المصور، ۷۲- الکریم، ۷۳- الکیبر، ۷۴- الکافی، ۷۵- کاشف الضر، ۷۶- الوتر، ۷۷- النور، ۷۸- الوهاب، ۷۹- الناصر، ۸۰- الواسع، ۸۱- الودود، ۸۲- الهادی، ۸۳- الوقی، ۸۴- الوکیل، ۸۵- الوارث، ۸۶- البر، ۸۷- الباعث، ۸۸- التواب، ۸۹- الجلیل، ۹۰- الجواد، ۹۱- الخبیر، ۹۲- الخالق، ۹۳- خیر الناصرین، ۹۴- الدیان، ۹۵- الشکور، ۹۶- العظیم، ۹۷- اللطیف، ۹۸- الشافی، ۹۹- الله می پردازد.

آموزش جداول پایه مدرسه هدایت نگاه فرزند شما را به نگاه پیشرفته پیامبران نزدیک می کند و افراد را از باتلاق سکولاریسم و مدرنیسم نجات می دهد!

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت و دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین محتوای جداول چهارگانه علوم پایه مدرسه هدایت - دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/4919>

مطلب چهارم:

طرح تمدنی مدرسه هدایت چه می گوید؟

از نظر مدرسه فقهی هدایت، تمدن ضاله و معیوب مدرنیته، چهار انحراف بزرگ را بر زندگی بشر تحمیل کرده است و بالتبع برای ساخت تمدن اسلامی مواجهه روشمند با این چهار انحراف یک ضرورت است.

انحراف اول تمدن مدرنیته، ایجاد اختلال در روابط انسانی و گسترش فردگرایی و تنهایی در جوامع مختلف است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، فقه نظام در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبرة، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.)

انحراف دوم تمدن مدرنیته، ارائه یک الگوی غلط و همراه با تالی فاسد فراوان - در حوزه های سلامت، محیط زیست و اخلاق - برای تصرف در طبیعت است. مبنای اصلی این الگوی غلط، ارائه توصیف ناقص و غلط از عناصر تشکیل

دهنده عالم است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، فقه الخلق در ۱۰ محور ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیازت و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.)

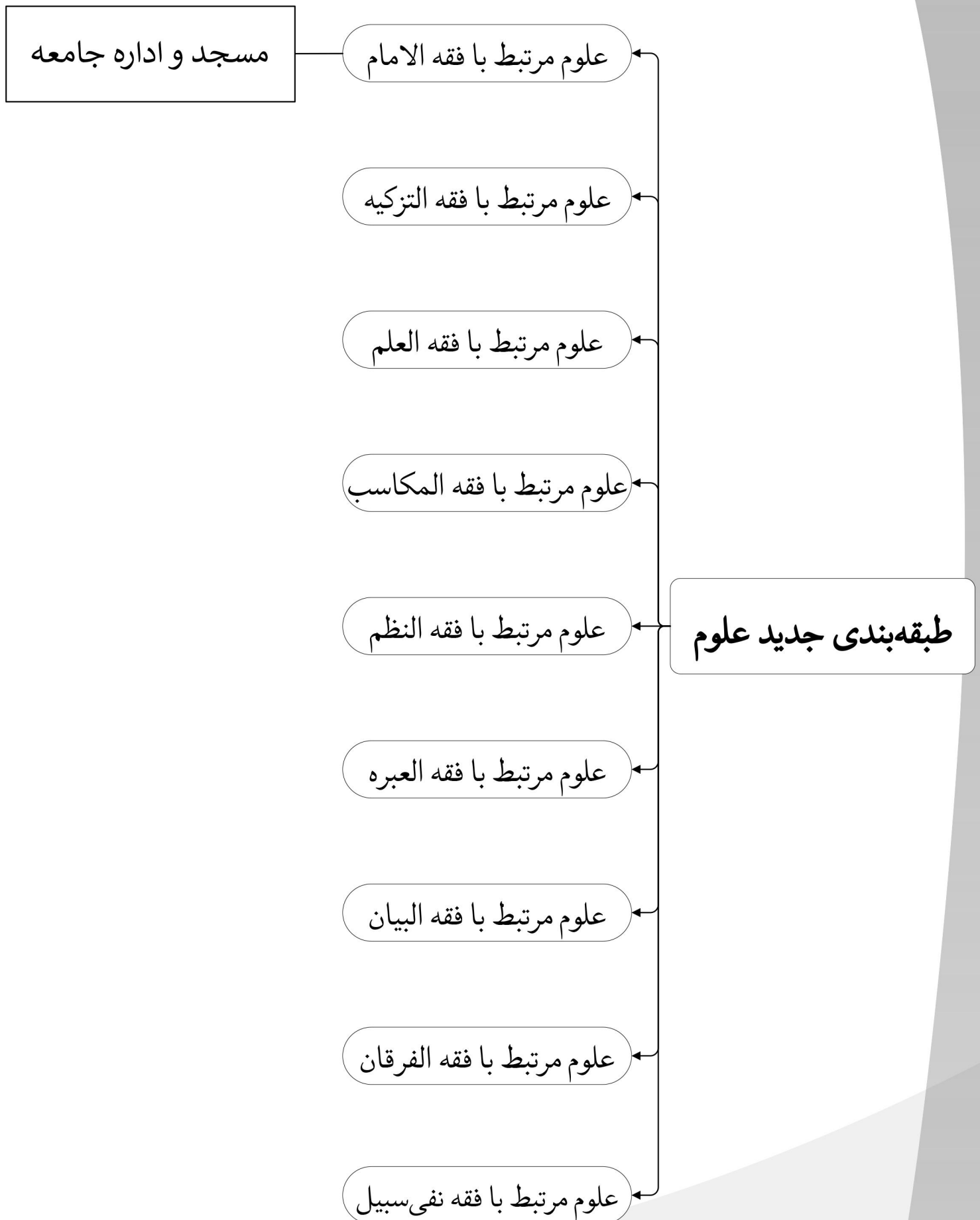
انحراف سوم تمدن مدرنیته، ارائه یک تصویر مبهم و همراه با انکار از اسباب باطنی عالم است. انسانهای مدرن گزارشی دقیق از اسباب باطنی عالم در اختیار ندارند و بالتبع از این اسباب موثر در زندگی خود استفاده نمی کنند. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سرادق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه ها در اقوام اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تأثیر کواکب، نجوم، مصاییح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علمی مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جعفر و... تبیین شده است.)

انحراف چهارم مدرنیته، معرفی ناقص خداوند متعال و نادیده گرفتن نقش تام مقام ربوبی در اداره عالم است. مدرنیته عملاً خداوند را به عنوان یک مهندس بازنشسته معرفی می کند و بشر را از تکیه دادن به حضرت غنی حمید محروم کرده است. (برای معرفی مقام ربوبیت، فقه التسییح در محورهایی مانند ۱- تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲- تبیین تفصیلی معنای الحمدلله، ۳- تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴- تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین تفصیلی معنای صلوات، ۵- تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با برخی از نخبگان کرج - چهارشنبه - پنجم محرم الحرام ۱۴۴۴ (۱۲ مرداد ۱۴۰۱) - کرج

<https://eitaa.com/olgou4/4515>

طبقه بندی جدید علوم



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



اولین مرحله از "چرخه چهاربخشی تحریک فکر" این است که خبر کار خودتان را به افراد اهل برسانید. پس اولین کار امام جمعه یا امام جماعت محل، مدیریت خبر برای اهل می شود. قید اهل هم بسیار مهم است. می گوئیم مدیریت خبر برای "اهل"، نه مانند آنچه که در رسانه اتفاق می افتد و همه مردم را مطلع می کند. البته مدیریت خبر در سطح عمومی هم برای جلوگیری از شایعات داریم و از رسانه استفاده می کنیم، اما اساس بحث همان مدیریت و رساندن خبر به اهل است. بنابراین گروهی که با قرآینی تشخیص می دهید اهل علم پیامبر و نصرت ایشان هستند را انتخاب کنید و اخبار کارها و برنامه هایتان را به آنها برسانید. خبر هم می تواند انواع مختلفی داشته باشد. مثلاً می توانید بگوئید: فلانی ما هر روز جلسه مباحثه داریم شما هم تشریف بیاورید. او هم که اهل درایه در روایات و این چنین جلساتی است به شما ملحق می شود. یا می توانید یک کتاب را برای فرد بفرستید یا به او معرفی کنید. در همین راستا می توانید مطلب و یادداشتی را برای افراد "اهل" ارسال کنید. همین طور می توانید از ابزارهای پیشرفته انتقال خبر مانند سفره انداختن و مهمانی دادن هم استفاده کنید.